سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار ۵۱

۱۶ صفحه

دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۵۹

بها ۲۰ ریال

به همت توده ها، دانشگاه همچنان سنگر مبارزه در راه آزادی و استقلال باقی خواهد ماند!

با مقاومت یکپارچه و سراسری خود نوطئه حمله به دانشگاه ها را با شکست روبرو سازیم!

کارگران! زحمتکشان! توده های مبارز خلق! همانطور که از رادیو و تلویزیون شنیده و دیده اید توطئه ای چیده شده است که دانشگاه این سنگر آزادی و آگاهی را آریامهر گونه بتصرف درآورده و دفاع تردانه تشجویان انقلابی را تعطیل کنند.

این اولین باری نیست که هیئت حاکمه در مقابله با انقلاب و سرکوب آن دست به توطئه و طرح تهاجم میزند. تا بستان گذشته نیز همین عمل بطور همه جانبه و وسیعی نسبت به دفاع تر نیروهای انقلابی، دفاع تردانه تشجویی و روزنامه ها صورت گرفت و بلافاصله بعد از آن حمله وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان و سرکوب و کشتار وا عدام توده های خلق کرد و انقلابیون رزمنده و آگاه آنجا را بدنبال داشت زیرا هیئت حاکمه از افشاگری و کارآگاه گرانه کمونیستها و نیروهای انقلابی و مترقی وحشت داشته و دارد. امروز نیز با ردیگر توطئهٔ همه جانبه ای برای سرکوب، کشتار و اعدام کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ما تدارک دیده شده است. هم اکنون ارتش جمهوری اسلامی به بهانه استقرار در مرزها شروع به سرکوب خلق کرد کرده است و خلق کرد نیز در مقابل این تهاجم از خود دفاع مینماید.

رژیم جمهوری اسلامی که ماهیت ارتجاعی خود را در این بیشتر از یکسال در همه جا نشان داده است، این روزها با طرح توطئه گرانه بستن دفاع تردانه تشجویان مبارز و انقلابی کشتار خلق کرد، اخراج کارگران آگاه و مبارز و صدور حکم اعدام برای کارگران بیکاری که بر علیه کرانی و بیکاری (در شهرستان درود) دست به مبارزه زده اند، خبا نشتها و جنایات

بقیه در صفحه ۲

در راهپیمایی ضدامپریالیستی هزاران نفر فریاد زدند:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و متحدان آن

عصر روز دوشنبه ۵۹/۱/۲۵ راه پیمائی با شکوهی بمنظور محکوم نمودن توطئه های امپریالیسم آمریکا و حامیان داخلی اش برگزار شد. جمعیت کثیری از مردم به دعوت "رزمندگان آزادی طبقه کارگر"، "راه کارگر" و "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" در دانشگاه تهران گرد آمدند تا با فریادهای "مرگ بر امپریالیسم آمریکا و متحدان آن" خیابانهای تهران را بلرزه درآورند.

امپریالیسم در سرمایه داران کارخانه ها و در نارویودا قتها داران نهفته است. امپریالیسم در توطئه هائی که بر علیه خلق دلاور کردتدارک میشود، پنهان است و همین است که راه پیمایان با شعارهائی مانند "مرگ بر امپریالیسم آمریکا و متحدان آن" و "مرگ بر امپریالیسم آمریکا و متحدان آن" خیابانهای تهران را بلرزه درآورند.

"منابع وابسته بدست زحمتکشان، بنفع زحمتکشان ملی باید گردد"

بقیه در صفحه ۸

شش تن از بیکاران درود به اعدام و حبس ابد محکوم شدند!

فرینهٔ سرمایه آور خوردپوخوراک روزانه، گذران زندگی را بنوبهٔ برای زحمتکشان بسیار دشوار ساخته است. هر روزی که میگذرد ارزش پول کم می شود و قدرت خرید مردم کاهش می یابد. کارگران و زحمتکشان که از خون و دارائی مدیا شینی بخوردارند، در مقابل افزایش سی روبه قیمتها تاب مقاومت از دست می دهند. تازه این امر شامل کسانی است که شاغل هستند و بهرحال حقوقی اگرچه اندک دریافت می کنند. پیداست کسانی که مدت ها است بیکارند و تعدادشان هم سر به صدها هزار نفر می زند، وضعیت بسیار رسیار اسفناکی دارند.

بقیه در صفحه ۱۳

حداقل دستمزد کارگران چقدر است و چقدر باید باشد؟

صفحه ۳

تقویت ارتش در کردستان به بهانه جنگ با عراق!

صفحه ۱۰

چگونه چریکهای فدایی

خلق برای حزب توده خوراک تبلیغاتی تهیه میکند؟

نمودی از یک انحراف

● روند انحطاط ایدئولوژیکی ای که از مدتها پیش در سازمان چ.ف.خ. آغاز شده و با سرعت غریبی به پیش میرود، اکنون دامنه خود را به شیوه ها و عملکردهای این سازمان در مناسباتش با دیگر نیروهای انقلابی نیز می گستراند.

خبرنامه منتشره کردستان سازمان چ.ف.خ. منتشر شد. در شماره ۵۱ خود اعلام کرد که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) و دبیر شش عزالدین حسینی، در تاریخ ۵۹/۱/۷ هیئتی برای مذاکره با "سیاه رزکاری" فرستاده اند. خبرنامه پس از ذکر بسیاری از مسائل رفقای "کومه له" و "سیاه رزکاری" در این مذاکرات، به ارزیابی "انتقادی" از حرکت "کومه له" در این رابطه پرداخته است.

بقیه در صفحه ۱۰

روش کمونیستها نسبت به جنبش دهقانی

تجزیه طبقاتی دهقانان و زمینداری بزرگ ارضی

رفرم ارضی امپریالیستی شاه - کشتی در سالهای ۴۱ - ۴۲ معماری تقسیم زمین در میان دهقانان را بنیو زراعی قرار داد. بدین ترتیب زمین هائی که میان دهقانان تقسیم شد بر پایه فشردگی دهقانی که در روستاها موجود بود و با هدف ایجاد یک قشر بورژوازی ده انجام گرفت. بدین ترتیب نزدیک به ۳۵ درصد از روستائیان که خوش نشین بودند مشمول تقسیم اراضی نشدند و بخشی بتدریج راهی شهرها شده و بخش دیگر در روستاها بصورت کارگران کشاورزی درآمدند. پس از رفرم ارضی و توسعه مناسبات کالائی در روستاها، جهاز تشدد دهقانی و غیردهقانی (دهقانان فقیر با تهیدست، دهقانان میانه حال یا خرده پا، دهقانان مرفه یا کولاکها و کارگران کشاورزی) تثبیت شده و این تجزیه طبقاتی بیش از پیش روبه رشد گذاشت. از

بقیه در صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

با مقاومت ...

دیگری را برنامه‌ریزی کرده است.

هم‌میهنان مبارز!

فرزندان شما، دانشجویان انقلابی ما در طول سالهای خفقان آریامهری با اشکال مختلف، با سختی و مشقات بیشمار، با حبس کشیدنهای مکرر و شکنجه‌های آریامهری قهرمانانه مبارزه نموده و با بپای توده‌های زحمتکش مردم و در سنگر انقلاب جنگیده و به مدد قیام خونین توده‌های میهن‌مان توانسته‌اند با زهم در مقابل هزاران کارشکنی و سنگ‌اندازی مقامات مسئول و غیرمسئول! دفاتری برای فعالیت‌های انقلابی خود بگیرند. اما دولت بنی صدر و "شورای انقلاب" باردیگر دست به طرح توطئه‌ای زده و با الهام از پیام نوروزی آیت‌الله خمینی که فرمان "اسلامی کردن دانشگاهها را صادر کرده است قصد حمله تجاوزکارانه به دفاتر دانشجویان رزمنده و انقلابی را نموده و عوامفریبانه میخواهند توده‌های مردم را بر علیه فرزندان دانشجوی خود بشورانند. زهی خیال باطل!

مبارزات قهرمانانه دانشجویان از سالیان پیش برای همه مردم زحمتکش ما شناخته شده و آنها همواره در هنگام مواجهه با سختی‌ها، در مبارزات خود، در زلزله، سیل و ... دانشجویان انقلابی و طرفدار زحمتکشان را در کنار خود دیده‌اند، دیده‌اند که دانشگاه سنگر آزادی است و دیده‌اند که این دفاتر دانشجویی از طریق سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها، تماشاگاهها و افشاگریهای خود، چگونه موج توطئه‌گران و خیانتکاران به انقلاب را که در هیئت حاکمه لانه کرده‌اند بازنموده و پته آنها را بروی آب ریخته‌اند. دولت بنی صدر و شورای ضد انقلاب، میخواهند دانشگاه را به قبرستانی تبدیل کنند که شاه جلاد با تمام جنون دیکتاتوریش نتوانست.

شاه جلاد از طریق ارتش، پلیس، گارد، ساواک با دانشجویان و مبارزات آنها مقابله میکرد اما تا تاب مقاومت نداشت. حالا بنی صدر این بورژوای حیله‌گر و دوآتشه "حزب جمهوری اسلامی" و "نهضت آزادی" از طریق توطئه‌های آشکار و پنهان و با جادگروه‌های فشار و با لاخره بسیج مردم تا آگاه علیه فرزندان انقلابی خود، طرح چنین نقشه محکوم به شکستی را ریخته‌اند.

جای شکی نیست که دانشجویان مبارز همراه دانش‌آموزان، کارگران و زحمتکشان آگاه جامعه از فروریختن سنگر آزادی که الحق موی دماغ ارتجاع شده است، جلوگیری نموده و این سنگر شاه زده امپریالیستی را بدست دشمنان خلق نخواهند داد.

ما بحکم وظیفه انقلابی خود و درک ضرورت وجود آگاهی انقلابی و آزادی در دانشگاه، از دانشجویان هوادار سازمان و سایر دانشجویان انقلابی و مترقی میخواهیم که متحدانه و در یک واحد، بهر شکل و از هر طریق در برابر هجوم خائنانه ارتجاع به سنگر آزادی و مقاومت آنان ایستادگی و بیداری نمایند.

بکذار دانشجویان، این بازجای حملات جای بدستان و مسلسل جیبهای رژیم آریامهری در برابر حملات بنی صدر و "شورای انقلاب" مقاومت نموده و از جان خویش مایه بگذارند. بکذار بار دیگر ثابت شود که هجوم ضد انقلاب در هر شکل و لباسی سنگری از مقاومت و جان‌بازی در مقابل خواهد داشت که عاقبت به خروش توده‌ها می‌پیوندد و ارتجاع را به زباله‌دان تاریخ می‌سپرد.

ما از تمام کارگران، زحمتکشان آگاه و رزمنده میخواهیم که با یاری فرزندان دلیر و انقلابی خود شانه و مشت محکمی بر دهان بادوستران مرتجع بکوبند، زیرا که تخلیه دفاتر دانشجویان انقلابی و مبارز کام دیگری است برای به بندکشیدن آزادی، نابود کردن دستاوردهای قیام خونین خلق و محدود کردن امکانات افشاگرانه علیه خائنین، غارتگران و دغلکارانی که در جهت حفظ و تثبیت نظام ستم و استثمار سرمایه‌داری وابسته توطئه‌گری می‌کنند!

ما از تمام خانواده‌های دانشجویان انقلابی، خانواده‌های شهدای بخون خفته خلق میخواهیم که برای پاسداری از سنگری که فرزندان آنان سالها در آن سنگر بر علیه رژیم جنایتکار و وابسته به امپریالیسم شاه رزمیده‌اند، به دانشجویان انقلابی یاری برسانند.

ما از تمام دانش‌آموزان آگاه و مبارز که جانانه در کنار توده‌ها، با رژیم شاه جنگیده و ظرفیت انقلابیشان را بنمایش گذاشتند می‌خواهیم با برادران و خواهران انقلابی خود در دانشگاه همگام و همدامه به مقابله با یورش وحشیانه رژیم بشتابند.

ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی دانشجویان رزمنده و انقلابی اعلام نموده و معتقدیم که دفاتر دانشجویان انقلابی، بعنوان خارچشم ارتجاع و مرکز فعالیتهای افشاگرانه و دمکراتیک دانشجوئی میبایست بفعالیت و تلاش خویش در جهت آگاهی توده‌ها ادامه دهند.

ما معتقدیم که تمامی گروه‌ها و بندهای دانشجویان آگاه و انقلابی میبایست در صف واحد و از طریق ایجاد هماهنگی لازمه در برابر خودداری و انقلابی در مقابل این توطئه خائنانه بنی صدر و شورای انقلاب قاطعانه و با تمام نیرو مقاومت نموده و از دستاوردهای دمکراتیک خود که محصول قیام خونین توده‌هاست دفاع نمایند. ما معتقدیم که حتی یک قدم عقب‌نشینی و یک لحظه سکوت در برابر این تهاجم خیانتکارانه هیئت حاکمه فریبکار آنست پیشبرد مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی توده‌های میهنمان که بهیچوجه نباید پذیرفت.

ما از دانشجویان انقلابی و مبارز می‌خواهیم که این نیرنگ رسوا شده هیئت حاکمه را که برای پیشبرد مقاصد شومشان، این بار توده‌های ناآگاه را سپر خویش نموده‌اند از هر طریق و در وسیعترین شکلی برای توده‌ها توضیح داده و افشا نمایند.

ما از دانشجویان رزمنده و انقلابی میخواهیم که پیکار خونین شهدای ۱۶ آذرها و ۱۳ آبان‌ها را پاس داشته و از افتادن این سنگر مبارزه ضد امپریالیستی بدست ارتجاع بهر قیمت جلوگیری نمایند.

از دستاوردهای انقلاب قهرمانانه دفاع کنیم!

از دانشگاه این سنگر آزادی و آگاهی با چنگ و دندان دفاع کنیم و یک گام عقب ننشینیم! تهاجم جدید ارتجاع را با افشا و مقاومت در هم شکنیم!

درود بر تمامی دانشجویانی که در مقابل حملات ارتجاعی دلیرانه مقاومت می‌کنند!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱/۳۰

حمله چماقداران به دانشگاه پلی تکنیک

بدنبال افشاگری انجمنهای دانشجویان مسلمان درباره توطئه اشغال دانشگاهها، دانشجویان مبارز و انقلابی دانشگاه پلی‌تکنیک طی نشستی تصمیم گرفتند که متحدانه و یکپارچه در برابر این توطئه بایستادگی کنند. بهمین جهت برای مقابله سازمان یافته در برابر هجوم عوامل ارتجاع به دانشگاه، کمیته‌ای بنام "کمیته دفاع از آزادی دانشگاه" متشکل از دانشجویان مبارز، دانشجویان هوادار "راه کارگر"، دانشجویان پیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار تشکیل گردید. این کمیته مسئولیت دفاع و نگهبانی از دانشگاه، تبلیغ و افشای این توطئه برای مردم، ارتباط با سایر دانشگاهها و ... را بعهده گرفت.

روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ پس از اتمام "نماز جمعه" گروهی متشکل از عوامل ارتجاع و عده‌ای از مردم ناآگاه که رهبری آنرا عناصری از "سازمان دانشجویان مسلمان" در دست داشت به دانشگاه پلی تکنیک حمله ور شدند. دانشجویان مبارز جلوی در ورودی جمهوری بسته و با شعار مرگ بر آمریکا - مرگ بر آمریکا و مشتهای گره کرده از ورود مهاجمین به دانشگاه جلوگیری میکردند. در این هنگام عوامل ارتجاع با چوب و چماق و چاقو به دانشجویان حمله کردند و تعدادی از آنها را زخمی نمودند.

آنها پس از این حمله به دفاتر دانشجویان یورش برده و پوسترها و اعلامیه‌ها را پاره کردند. آنگاه به دعوت سازمان دانشجویان مسلمان فالانژ معروف، هادی غفاری سخنرانی کرد. در این میان دانشجویان انقلابی بیکار ننشسته و در بین مردم ناآگاه به افشاگری پرداختند. ■

توطئه ارتجاع در دانشگاه تبریز

روز سه‌شنبه ۵۹/۱/۲۶، رفسنجانی با برنامه از قبل تهیه شده و برای به اجرا در آوردن توطئه ارتجاعی حمله به دانشگاهها، ساعت ۱۲ ظهر در تالار دانشکده برزگی تبریز سخنرانی می‌کند. پس از پایان سخنرانی رفسنجانی دانشجویان آگاه و انقلابی بطرح سئوالاتی که پرده از ماهیت ارتجاعی دولت و شورای انقلاب برمی‌داشت پرداختند. دانشجویان وابسته به انجمن اسلامی و سازمان دانشجویان مسلمان در مقابل این سئوالات شروع به فحاشی کردند و رفسنجانی تیز متواری شد. دانشجویان فالانژ سپس با شعارهای نه شرقی و نه غربی بیرون ریختند و با مظلوم‌نمائی تناشیانه‌ای اعلام تحصن کردند. آنها سپس به بازار رفته و با دروغپردازی که یکی از حربه‌های اصلی این رژیم است از جمله اینکه "کمونیستها هاشمی رفسنجانی را ترور کردند" و ... بازار را به حالت نیمه تعطیل درآوردند. بدنبال آن عده‌ای اوباش زاریان بهمراه سیاهپاسداران و مشتی اوباش ولوئین به بهانه حمایت از این مرتجعین متحصن! در ساختمان مرکزی، به دانشگاه آمده، دانشجویان مترقی و انقلابی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. اوباشان در پایان راه پیمائی خود اعلام کردند تا عصر چهارشنبه تمام شعارهای انقلابی باید از دیوارها کنده یا پاک شود در غیر این صورت بازاریان به دانشگاه خواهند آمد.

از صبح روز بعد نیروهای انقلابی از جمله دانشجویان پیشگام، دانشجویان هوادار سازمان پیکار، رزمندگان، کومه‌له و انجمن دانشجویان مسلمان و ... به افشاگری وسیعی بر علیه فالانژهای دانشگاه دست زدند و با شرکت فعال در کلاسهای درس توطئه تحریم کلاسها را که از طرف "سازمان دانشجویان مسلمان" اعلام شده بود خنثی کردند.

عصر روز چهارشنبه ۵۹/۱/۲۷ عده‌ای فالانژ و لومپن به رهبری سیاهپاسداران، جهاد سازندگی تبریز تحت عنوان به اصطلاح "تصفیه انقلابی" و اسلامی نمودن محیط دانشگاه مغول وار و وحشیانه به دانشکده‌های ادبیات، فنی، علوم (ساختمان فوق لیسانس) حمله بردند. ضمن غارت دفاتر نیروهای انقلابی اعلامیه‌ها و پوسترها را پاره کردند و حتی در دانشکده ادبیات بخاطر پاره کردن اعلامیه‌ها بخشی از دیوار دانشکده را خراب کردند. همان روز پاسداران و مامورین کمیته در جلو سلف سرویس دانشگاه به آزار دانشجویان پرداختند و ضمن شناسائی افراد انقلابی حدود ۸ نفر از آنان را دستگیر کرده و به زندان یا جاده‌های اطراف شهر بردند. عده‌ای از لومپنها و اوباش

بقیه در صفحه ۱۱

آخرین اخبار روز یکشنبه (۵۹/۱/۳۱) از دانشگاهها:

تهران:

تربیت معلم:

انجمن اسلامی اعلام کرده است که می‌خواهد اسامی کسانی را که به اصطلاح خودش در رابطه با کشته شدن دانشجویان دست داشته‌اند، اعلام کند. در این رابطه امکان دارد به دروغ اسامی تعدادی از هواداران نیروهای انقلابی را اعلام کند.

دانشکده پلی تکنیک:

حدود ساعت ۱۰ - ۹/۵، دانشجویان در دانشکده را که بسته بود، شکسته و وارد شدند. بعد از نیم ساعت فالانژهای دانشکده (دانشجویان و کارگران ناآگاه) که حدود ۵۰ نفر بودند، وارد دانشکده شده و تظاهرات کردند.

مدرسه عالی علوم بیمارستانی:

کمیته مشترک دفاع بوسیله دانشجویان پیشگام و هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر تشکیل شده است. انجمن اسلامی کنترل دانشکده را بعهده گرفته است و اجازه نمی‌دهد که دانشجویان جب وارد و خارج شوند. مقاومت ادامه دارد.

دانشگاه تهران:

درهای دانشگاه تهران بسته است. دانشجویان در داخل دانشگاه مقاومت می‌کنند و عده زیادی از دانشجویان در بیرون تجمع نموده‌اند و در مقابل ماتورهای باسداران با شعارهای انقلابی مقاومت میکنند.

رشت:

کمیته مشترک دفاع از آزادی در دانشگاه متشکل از پیشگام، مبارز، راه کارگر تشکیل شده است.

هجوم به دانشگاه‌ها توطئه ارتجاع و خواست امپریالیسم است

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

حداقل دستمزد کارگران چقدر است وچقدر باید باشد؟

رفقای کارگر!

هیئت حاکمه سعی میکند با بهوی و تبلیغات دروغین وانمود کند که از وقتی که حداقل دستمزد کارگران ۵۶۷ ریال شد (از ۲۰ تیر ۵۸) دیگر زندگی کارگران بسیار خوب شده و آنها از نظر وضع زندگی دیگر ناراحتی و نگرانی ندارند! اگرچه خود کارگران در زندگی روزمره کاملا به پوچ بودن این ادعای رژیم پی برده اند و این خود محکم ترین دلیل است ولی ما میخواهیم با یک حساب ساده، این تبلیغات فریبکارانه هیئت حاکمه را افشا کنیم. در مرداد ۵۸ ما کتابی منتشر کردیم بنام "قانون کار انقلابی"، در آن کتاب ما حداقل هزینه زندگی کارگران را البته با قیمتهای همان زمان ۸۳۲ حساب کردیم. محاسبه ای که در آن کتاب صورت گرفته اولا برای یک خانواده ۴ نفری بود، ثانیا این محاسبه براساس جدولی بود که وزارت کار رژیم محمدرضا شاهی برای مصرف تعیین کرده بود. مثلا در آن جدول، اصلا کره، مربا، شیر، تخم مرغ و بسیاری چیزهای ضروری دیگر وجود نداشت و گویا اصلا کارگران نباید از این مواد مصرف کنند و آنها فقط برای مصرف سرمایه داران است و یا اینکه مصرف روزانه پنیر را برای یک خانواده ۴ نفری فقط ۵۰ گرم در نظر گرفته بود. کلا در آن جدول میزان مواد و وسایل مورد نیاز کارگران را بسیار کم در نظر گرفته شده بود و ثانیا براساس بدترین نوع و نامرغوبترین اجناس حساب کرده بودند. ما حداقل دستمزد را در آن زمان براساس همان جدول "وزارت کار" (که به هیچوجه مورد قبول نیست) حساب کردیم، تا به کارگران نشان دهیم که هیئت حاکمه حتی براساس جدول وزارت کار رژیم محمدرضا شاه هم به کارگران مزد نمی دهد، زیرا براساس آن جدول و قیمتهای آن زمان، حداقل دستمزد روزانه ۸۳۲ ریال میشد و نه ۵۶۷ ریال.

اما حدولی که این بار محاسبه کرده ایم با جدول وزارت کار فرق دارد. اولا این جدول برای یک خانواده ۵ نفری است، زیرا مطابق آمار خود رژیم هم تعداد متوسط افراد هر خانواده ایرانی ۵ نفر میباشد. ثانیاً احتیاجات زندگی این خانواده ۵ نفری را طوری در نظر گرفته ایم که یک زندگی متوسط را برآورده کند. مثلا برای زندگی متوسط یک خانواده ۵ نفری، دیگر یک اتاق و یک پستو که در جدول وزارت کار نوشته شده، بهیچوجه کافی نیست، بلکه باید یک خانه ۲ اتاقه با یک آشپزخانه را در نظر گرفت. در مورد مرغوبیت اجناس هم انواع متوسط آنها را در نظر گرفته ایم. در مورد میزان اجناس هم نه مثل جدول وزارت کار که مثلا فقط ۵۰ گرم پنیر در نظر گرفته و اصلا حق خوردن کره مربا و تخم مرغ و شیر برای کارگران قائل نشده است، بلکه براساس یک زندگی متوسط حساب کرده ایم. مطابق جدولی که ما تنظیم کرده ایم و براساس قیمتهای فعلی بازار حداقل مخارج روزانه برای یک خانواده ۵ نفری که از یک وضع زندگی متوسط برخوردار باشند ۱۷۰۸ ریال است. البته این "به این معنا نیست که اگر کارگران در طی مبارزات خود به این میزان دست یافتند دیگر استثمار نمی شوند، نه بهیچوجه! تا نظام سرمایه داری وجود دارد استثمار رهم وجود دارد. تنها در جامعه سوسیالیستی است که ریشه استثمار خشکانده میشود و حاصل کار کارگران به جیب مفتخوران نخواهد رفت.

سرمایه داران خواهان این هستند که دستمزد فقط به میزانی باشد که کارگر زنده بماند و بتواند تجدید انرژی کرده و فردا دوباره بسر کار بیاید و استثمار شود. طبیعتاً به این ترتیب بعد از حدود ۲۰ الی ۳۰ سال کار دیگر هیچگونه رمقی برای کارگران نمی ماند. پس سرمایه دار دائماً خواهان این است که به میزانی دستمزد بدهد که فقط کارگر زنده بماند. آنهم برای حدود ۲۰ الی ۳۰ سال و کارگران هرچه بیشتر از این حداقل بگیرند، دقیقاً حاصل مبارزات خودشان میباشد.

نکته قابل تذکر دیگر اینکه مبلغ ۱۷۰۸ ریال دستمزد روزانه، مجموع دریافتی کارگران در یک روز میباشد، یعنی بر این سود ویژه، حق مسکن، حق اولاد، و سایر مطلاح "مزایائی" که کارفرما به کارگر میدهد، در مقدار بالا محاسبه شده است.

بقیه در صفحه ۴

پیروزی کارگران سیمکو

بعد از طرح اتحادیه شوراهای کارگری گیلان در مورد سودویژه (بهر نفر ۱۰۰۰۰۰ ریال) کارگران مبارز کارخانه سیمکو نیز خواستار اجرای این طرح در کارخانه خود میشوند، اما کارفرمای خارجی آنها (چارلی) با پرداخت آن مخالفت می کند.

کارگران سیمکو بعنوان اعتراض دست به اعتصاب می زنند ولی از این طریق به نتیجه ای نمی رسند و کارفرما همچنان به مخالفت خود با پرداخت سودویژه بر پایه طرح پیشنهادی اتحادیه ادامه می دهد که از این رو کارگران تصمیم می گیرند که برای رسیدن به خواست برحقشان کارفرما را به گروگان بگیرند. آنها روز ۵۹/۱/۲۳ را برای اینکار درنظر گرفته و به کارخانه می روند، اما کارفرما موفق به فرار می شود.

کارگران به شهر رفته و پس از گرفتن چارلی او را با خود به شیرو خورشید برده و در آنجا متحصن می شوند. استانداریعمل تحصن کارگران آمده و می گوید چارلی را آزاد کنند، ولی موفق نمی شود. سرانجام با پیگیری کارگران چارلی به ناچار می پذیرد که سودویژه کارگران را بر مبنای طرح پیشنهادی اتحادیه شوراها بپردازد. به این ترتیب که کارگران ابتداء هزار تومان دریافت کرده و ۴ هزار تومان بقیه را بعدا بپردازد.

پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران

از کارگران مبارز کارخانه پشم و پتوی تبریز حمایت کنیم

کارگران مبارز کارخانه پشم و پتوی تبریز برای تعطیلی سخنسنجی ها، برکردانیدن کارگران اخراجی، سودویژه و ... روز چهار - شنبه ۲۰ فروردین ماه دست به اعتصاب و تحصن می زنند. پاسداران به تحصن کارگران حمله کرده و ۴ نفر از نمایندگان آنها را دستگیر و زندانی می کنند. بدین ترتیب درسها را مال زندانهای ما هدا زادندن سازاکی ها و مزدوران رژیم گذشته و اسارت کارگران و زحمتکشان خواهد بود. (کارگران سمکار، ایرداک، پشم و پتو ...).

در زیر قسمتهائی از اعلامیه ای را که کارگران مبارز تبریز در این رابطه منتشر کرده اند ملاحظه می کنید:

"کارگران کارخانه پشم و پتو از قبل از عید برای بدست آوردن خواستهای بحق خود اقدام به تشکیل شورا می کنند که از همان ابتدا مواجه با مخالفت و کارشکنی کارفرما می شوند، بطوریکه کارفرما از ورود نمایندگان کارگران به کارخانه جلوگیری مینماید که در مقابل صف متحد کارگران مجبور به عقب نشینی می گردد.

شوراخواستهای کارگران را بشرح زیر:

۱ - ملی شدن کارخانه
۲ - پرداخت سودویژه
۳ - پرداخت عیدی.
۴ - بازگشت کارگران اخراجی به سرکار

مطرح نموده و با پشتیبانی کارگران برای بدست آوردن آن تلاش می کنند. کارفرما با پرداخت مقداری از سودویژه و کمک جنسی برآوردن بقیه خواستهای کارگران را به بعد از عید موکول می کند. بعد از عید، کارگران تصمیم می گیرند که برای رسیدن به خواستهای خود دست به اعتصاب بزنند.

تلاش و توطئه های کارفرما، استانداری و آیت الله خلخالی برای بدنام کردن شورا و منحرف کردن مبارزه کارگران و ایجاد تفرقه بین آنها بجائی نمی رسد و حتی یکبار پاسدارانی که همراه آیت الله خلخالی به کارخانه رفته بودند، در مقابل دستگیری نمایندگان شورا برمی آیند که کارگران متوجه توطئه شده و نمایندگان خود را از دست پاسداران سرمایه نجات می دهند و با نماینده استانداری به کارگران می گوید: شما اگر می خواهید به خواستهتان برسید، باید شورا را منحل اعلام کنید که با مخالفت کارگران مواجه می شود.

و بالاخره پاسداران خارج از کارخانه اقدام به دستگیری تعدادی از نمایندگان می نمایند که کارگران پس از اطلاع از این امر ۵ نفر را از بین خود به زندان پیش موسوی خلاد می فرستند. نماینده موسوی به کارگران می گوید: اعضای شورای شما کمونیست هستند و محکوم به اعدام هستند. خون امام حسینی دستور داده هر جا که اعتصاب باشد و عناصر ضد انقلاب و کمونیست در کارخانه باشند، باید اعدامشان کنیم. وجون می بینند که کارگران به عوامفریبی های او توجه نمی کنند و هم - چنان خواهان آزادی و بازگشت بدون قید و شرط نمایندگانشان هستند، حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ پاسدار به کارخانه می فرستند. پاسداران سرمایه به تیراندازی و ضرب و شتم کارگران در محیط کارخانه پرداخته وحتی کارگران زن را آنقدر با قنداق تفنگ کتک میزنند که عده ای بیهوش شده و به بیمارستان منتقل میشوند...

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز!

آنچه که در شرح وقایع کارخانه پشم و پتو گفته شد، تنها گوشه ای از هزاران حرکت ضد مردمی و ضد کارگری هیئت حاکمه است که برای پاسداری از منافع سرمایه داران و زنده کردن روابط استثماری و وابستگی دوران شاه انجام می دهد.

رژیم در حالیکه با شعارهای ضد امپریالیستی خودگوش همه را کر کرده است و به عوام فریبی می پردازد، با سرکوب کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی عملا سعی می کند که هرچه سریعتر موانع را سر طرف کرده و به بازسازی سیستم گذشته بپردازد. برای همین است که با شوراهای واقعی کارگران به مخالفت و مبارزه برمی خیزد و در مقابل خواسته های بحق آنان از سرمایه داران دفاع نموده و آنها را سرکوب می کند.

کارگران، زحمتکشان، توده های مبارز!

با پشتیبانی کامل از آزادی زندانیان کارگران مبارز تبریز، حقانیت خواسته های آنها و توطئه سازی تعطیل کارخانه ها و انحلال شوراها و دستگیری کارگران مبارز را به سایر کارگران و زحمتکشان توضیح دهیم. از طریق شوراهای کارگری واقعی و با متحد شدن از طریق این شورا، توطئه تعطیل کارخانجات، انحلال شوراها و اخراج کارگران مبارز نقش برآب کنیم.

ما از کلیه کارگران کارخانجات و سایر زحمتکشان، دانش آموزان، دانشجویان و معلمان و مردم مبارز و نیروهای کمونیست انقلابی می خواهیم با شرکت فعال از هر طریق ممکن در برآورده شدن خواسته های برحق کارگران مبارز از جمله: آزادی بدون قید و شرط نمایندگان و کارگران مبارز دستگیر شده یاری نمایند.

مستحکم باد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داران

گزارشی از مبارزات کارگران دارو پخش

"زیر ستم نمیریم اگر شده بمیریم"

کارگران مبارز کارخانه دارو پخش مانند بسیاری از کارخانه های دیگر در اسفند ماه گذشته برای تشکیل شورای واقعی و گرفتن سودویژه دست به مبارزه زدند که گزارش آنرا در زیر می خوانید:

کارگران کارخانه دارو پخش که در مدت نزدیک به شش ماه عملکردهای ضدکارگری شورای کارخانه را دیده بودند، از مدتی قبل خواستار انحلال آن شدند. این کارگران همچنین از اوائل اسفند ماه با نحوه پرداخت سودویژه از طرف کارفرما که شورای ضدکارگری کارخانه عامل اجرای آن شده بود به مخالفت برخاسته روز ۶ اسفند ماه کارگران بخش "استریفلکس" با دادن شعارهائی از قبیل: "اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد" و "کارگر پیروز است - سرمایه دار نابود است"، و "مجمع عمومی تشکیل باید گردد - این شورای سازشکار نابود باید گردد" دست به تظاهرات زدند. پس از مدت کوتاهی کارگران دست از کار کشیده و در تابلو خوری اجتماع کردند در حقیقت کارگران تشکیل مجمع عمومی را به کارفرما تحمیل نمودند.

خواستهای کارگران در این مجمع عبارت بود از:

۱ - انحلال شورای ضدکارگری

بقیه در صفحه ۴

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۳

حداقل دستمزد ...

حداقل نیازمندیهای زندگی یک خانواده ۵ نفری کارگری در ایران برای محاسبه حداقل دستمزد کارگران

همه ما محسوس میدانیم که چرا کارفرمایان و دولت مزدور ایکپارچه کارگر پرداخت نمی کنند و سعی می نمایند با تقسیم مزدبه اجزاء مختلف اهداف خاصی را دنبال نمایند. مثلا سودویژه را که چیزی جز قسمتی از دستمزد کارگران نیست، ۶ ماهه یا ۶ ماهه و یا سالانه جدا از دستمزد پرداخت می کنند، و متقابلا میزان دستمزد روزانه را بشدت پائین می آورند (۱). بنظر ما همانطور که در جزوه "شورای انقلاب و قانون سودویژه" گفته ایم مناسبت قانون سودویژه لغو شود و تمام باصطلاح "مزایای" کارگران، بطور یکجا پرداخت گردد که در این صورت میزان دستمزد همان مبلغ ۱۷۰۸ ریال (حداقل دستمزد) روزانه خواهد شد. در این صورت کارگران بهتر می توانند از حقوق صنفی خود دفاع نمایند و دست کارفرمایان از دزدیدن مقدار بیشتری از دسترنج کارگران کوتاه تر میشود.

نکته دیگر اینکه

نحوه افزایش دستمزدها در جامعه سرمایه داری مبایست بر اساس میزان افزایش تورم و میزان افزایش متوسط درآمد سرانه باشد.

در رابطه با تورم روشن است که سرمایه داران همزمان با افزایش دستمزد کارگران که تحت فشار مبارزات کارگران مجبور میشوند به آن تن دهند، قیمت اجناس را بالا میبرند و به این ترتیب چندی نمی گذرد که دستمزد کارگران باز هم به ارزش دستمزد قبلی و گاهی حتی کمتر میرسد، بنابراین میبایست همزمان با افزایش تورم، دستمزد کارگران نیز افزایش یابد.

در عین حالیکه دستمزد کارگران متناسب با افزایش تورم میبایست اضافه شود، این دستمزد در رابطه با افزایش میزان متوسط درآمد سالانه نیز میبایست افزایش یابد. در جوامع سرمایه داری چه براثر شدت استثمار کارگران و سایر زحمتکشان و چه براثر رشد تکنیک و پیچیدگی صنعت درآمد سالانه افزایش می یابد. روشن است که این افزایش درآمد در درجه اول و بیش از همه به جیب سرمایه داران ریخته شده و بخشی از آن نیز به کارمندان عالیرتبه، ارتشیان و ... تعلق میگیرد و در این میان سهم کارگران و زحمتکشان از این افزایش درآمد بسیار ناچیز است. در این رابطه است که می گوئیم دستمزد کارگران نه تنها باید همواره با افزایش تورم اضافه شود، بلکه این دستمزد باید در رابطه با افزایش متوسط درآمد سالانه و در واقع متناسب با بالا رفتن سطح زندگی نیز افزایش یابد.

★ ★ ★

شماره	نوع کالای مصرفی خانوار	قیمت کالا در هر واحد فروش	مصرف در روز برحسب گرم	قیمت کل در سال بریال
	الف خوراک :			
۱	نان	۳۵۰۰	۲۵	۳۱۹۳۸
۲	برنج متوسط	۴۰۰	۱۲۰	۱۷۵۲۰
۳	حبوبات	۲۰۰	۱۰۰	۷۳۰۰
۴	گوشت	۵۰۰	۳۵۰	۶۳۸۷۵
۵	روغن نباتی	۱۵۰	۷۰	۳۸۳۲
۶	ماست	۳۰۰	۵۵	۶۰۲۲
۷	پنیر	۷۵	۱۸۰	۴۹۲۸
۸	کره	۱۰۰	۲۰۰	۷۳۰۰
۹	مرغ	۱۰۰	۱۲۰	۴۳۸۰
۱۰	تخم مرغ	۳۰۰	۱۴۰	۱۵۳۳۰
۱۱	چای	۴۰	۴۰۰	۵۸۴۰
۱۲	سبزی	۲۵۰	۵۰	۴۵۶۲
۱۳	اسفناج	۵۰۰	۴۰	۷۳۰۰
۱۴	کوکو فرنگی	۵۰۰	۵۰	۹۱۲۵
۱۵	سیب زمینی	۲۵۰	۴۰	۳۶۵۰
۱۶	پیاز	۲۵۰	۵۵	۵۰۱۹
۱۷	قند	۱۵۰	۳۵	۱۹۱۶
۱۸	شکر	۱۰۰	۳۰	۱۰۹۵
۱۹	میوه	۱۵۰۰	۷۰	۲۸۳۲۵
	جمع کل هزینه خوراک در سال	–	–	۲۳۹۲۵۷
	ب پوشاک : مصرف در سال			
	مرد :			
۲۰	کت، شلوار پشمی متوسط	۱ دست	۸۰۰۰	۸۰۰۰
۲۱	پیراهن	۳ عدد	۱۰۰۰	۳۰۰۰
۲۲	زیرپیراهن	۳ عدد	۱۲۰	۳۶۰
۲۳	زیرشلوار	۳ عدد	۳۰۰	۹۰۰
۲۴	جوراب	۴ جفت	۷۰	۲۸۰
۲۵	کفش	۲ جفت	۱۶۰۰	۳۲۰۰
۲۶	بلوز	۱ عدد	۷۰	۷۰
۲۷	بلوز پشمی (هر دو سال)	۱/۲ عدد	۱۰۰۰	۵۰۰
۲۸	پالتو هر سه سال	۱/۳ عدد	۶۰۰۰	۲۰۰۰
	زن :			
۲۹	پیراهن تابستانی	۲ عدد	۱۲۰۰	۲۴۰۰
۳۰	پیراهن زمستانی	۲ عدد	۱۵۰۰	۳۰۰۰
۳۱	جوراب پشمی	۲ جفت	۳۰۰	۶۰۰
۳۲	جوراب نخی	۳ عدد	۱۰۰	۳۰۰
۳۳	پوشش زیر (شامل دوقطعه)	۳ عدد	۳۰۰	۹۰۰
۳۴	دامن	۲ عدد	۷۰۰	۱۴۰۰
۳۵	پالتو	۱/۳ عدد	۶۰۰۰	۲۰۰۰
۳۶	بلوز پشمی	۱/۲ عدد	۱۱۰۰	۵۵۰
۳۷	کفش	۲ جفت	۱۵۰۰	۳۰۰۰
۳۸	روسری	۲ عدد	۳۰۰	۶۰۰
۳۹	جادرنماز	۲ عدد	۱۰۰۰	۲۰۰۰
	فرزندان :			
۴۰	کت و شلوار و لباس	۳ عدد	۳۰۰۰	۹۰۰۰
۴۱	پیراهن (هر یک ۲ عدد در سال)	۶ عدد	۷۰۰	۴۲۰۰
۴۲	زیرپیراهن (هر یک ۴ عدد در سال)	۱۲ عدد	۱۰۰	۱۲۰۰
۴۳	بلوز پشمی، هر یک ۱ عدد در سال)	۳ عدد	۶۰۰	۱۸۰۰
۴۴	بلوز (هر یک ۱ عدد در سال)	۳ عدد	۴۰۰	۱۲۰۰
۴۵	جوراب (هر یک ۲ جفت در سال)	۱۲ عدد	۶۰	۷۲۰
۴۶	کفش (هر یک ۲ جفت در سال)	۶ جفت	۱۰۰۰	۶۰۰۰
۴۷	پالتو (هر دو سال یک عدد)	۱/۲ × ۳	۵۰۰۰	۷۵۰۰
	جمع کل هزینه پوشاک در سال	–	–	۶۵۲۴۰

	ج مسکن و اثاث منزل :			
۴۸	اجاره	۲ اطاق و آشپزخانه	۱۳۰۰۰ (ماهانه)	۱۵۶۰۰۰
۴۹	آب و برق و سوخت	–	۱۰۰۰ –	۱۲۰۰۰
۵۰	اثاثیه منزل و وسائل آشپزخانه	–	۲۵۰۰ –	۳۰۰۰۰
	جمع کل سالانه هزینه مسکن و اثاث منزل	–	–	۱۹۸۰۰۰
	د بهداشت و نظافت :			
۵۱	حمام برای مرد	۴ بار در ماه	۴۰	۱۹۲۰
۵۲	حمام برای زن	–	۴۰	۱۹۲۰
۵۳	حمام برای فرزندان	– (۱۲ بار)	۳۰	۴۳۲۰
۵۴	اصلاح سر و صورت	۲ بار در ماه	۱۲۰	۲۸۸۰
۵۵	اصلاح فرزندان	هر دو ماه ۱ بار	۸۰ (برای هر نفر)	۴۳۲۰
۵۶	صابون لباسشوئی	۴ قالب در ماه	۲۰	۹۶۰
۵۷	پودر	۴ قوطی	۱۲	۵۷۶
۵۸	صابون	۴ قالب در ماه	۵۰	۲۴۰۰
۵۹	خمیر دندان	هر ماه یک عدد	۶۰	۷۲۰
	جمع کل هزینه بهداشت سالانه	–	–	۲۰۰۱۶
	هـ درمان :			
۶۰	اگر بیمه درمانی نبرد فرد باشد	بطور متوسط ۲۰٪ آن محاسبه میشود	۵۰۰ ریال برای ۴ نفر	۷۵۰۰
	جمع کل هزینه درمان سالانه	–	–	۷۵۰۰

	و آموزش			
۶۱	لوازم التحریر ماهیانه برای هر یک از فرزندان	۵۰۰	ماهیانه برای هر یک	۱۸۰۰۰
۶۲	دیگر وسائل آموزشی از قبیل لباس ورزش و غیره	۲۰۰	–	۷۲۰۰
	جمع کل هزینه آموزش سالانه	–	–	۲۵۲۰۰
	ر اثاث و وسائل و معاشرت و مسافرتهای تفریحی :			
۶۳	اثاث و وسائل روزانه	–	۸ بلیط ۵ ریالی اتوبوس و ۵۰ ریال تاکسی برای خانواده	۳۲۸۵۰
۶۴	دید و بازدید خانوار	ماهی دو بار	۱۵۰	۳۶۰۰
۶۵	پذیرائی از مهمانان	ماهی یک بار	۱۰۰۰	۱۲۰۰۰
۶۶	مسافرت بمحل رادگاه یا تفریحی	یکبار در سال	–	۱۰۰۰۰
۶۷	گردش تفریحی یا زیارت	یکبار در ماه	۶۰۰	۷۲۰۰
	جمع کل هزینه اثاث و وسائل	–	–	۶۵۶۵۰
	ح وسائل نقلیه			
۶۸	هفته ای دو بسته سیگار ۲۰ عددی	–	۲۵	۲۶۰۰

جمع کل هزینه سالانه یک خانوار ۵ نفری : ۶۲۳۴۶۳ ریال

هزینه روزانه "حداقل دستمزد" : ۱۷۰۸ ریال

(۱)- هدفهای هیئت حاکمه از این نحوه پرداختن "سودویژه" در جزوه "شورای انقلاب و قانون سودویژه" از انتشارات "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" مفصلا توضیح داده شده است.

بقیه از صفحه ۳

گزارشی از ...

۲ - تشکیل شورای واقعی از میان خود کارگران

۳ - پرداخت سودویژه

رئیس کارخانه در برابر اتحاد و یکپارچگی کارگران موافقت خود را برای تشکیل شورای واقعی اعلام کرد و از کارگران خواست که نمایندگانی از بین خود انتخاب کنند، اما فردای آن روز حرف خود را پس گرفت و مطرح کرد که شورای قبلی رسمیت دارد و مقدار سود را هم مدیریت تعیین می کند. این نیرنگ کارفرما خشم کارگران را برافروخت بطوریکه با رد یکدست از کارکنید و با شعارهائی چون "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد" و "زیر ستم نمی ریم، اگر شده بمیریم" به تظاهرات پرداختند و در اتاق رئیس اجتماع کردند.

در این هنگام با توطئه عوامل کارفرما تعدادی لمپن همراه چندتن از کارگران تا - آگاه با شعار "الله اکبر" وارد اتاق شده و با چوب و چاقو به صف متحد کارگران حمله ور شدند. مزدوران کارفرما وحشیانه حتی یکی از کارگران زن را که با رد سود از پنجره آویزان کردند. این اعمال در شرایطی انجام میگرفت که "هاتفی" رئیس کارخانه در محل حضور داشت. کارگران وقتی دیدند که با مذاکره کاری از پیش نمیرود تصمیم گرفتند تا رسیدن به خواستهشان رئیس کارخانه را به گروگان بگیرند، از پنجره "هاتفی" را در میان گرفتند و سپس غفارزاده رئیس قبلی کارخانه و افراسیابی را نیز به گروگان گرفتند. بدین ترتیب تحصن کارگران در روبروی آغاز شد و کارگرانیکه در ابتدا قصد اعتصاب داشتند در عمل به تحصن کشیده شدند. روز بعد نمایندگان رئیس جمهور و وزارت بهداری، بعضی پیر - حسینی و دکتر پیش بین برای گفتگو با کارگران به محل تحصن آمدند و گوشه بدنها تهدید کارگران و تفرقه اندازی بین آنها گروگانها را آزاد کنند، اما بدون نتیجه رفتند.

ساعت ۲ نیمه شب همانروز گروهی از پاسداران سرنا به با حکم و امضاء کمیته مرکزی و بنی صدر، بمنظور آزادی گروگانها به کارخانه حمله ور شدند، پاسداران با شلیک هوائی و زمینی محیط رعب و وحشت ایجاد کرده و برای متفرق کردن کارگران که اغلب زن بودند گاز اشک آور پرتاب نمودند که طی آن چندتن از کارگران زخمی و تعدادی بیهوش شدند. نکته قابل توجه برخورد کارگران با پاسداران بود، آنها شعار می دادند: "مرگ بر پاسداران سرمایه دار". بعضی از کارگران می گفتند: "خاک بر سر ما که به بنی صدر رای دادیم" آنها یکبار دیگر در عمل میدیدند که در نظام سرمایه داری وابسته هر کس که باشد سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان در دستور کار اوست.

فردای آن روز نمایندگان کارگران برای مذاکره با تیلفروشان (مدیر عامل) به نخست وزیری رفتند. در آنجا نمایندگان از عزامی از طرف بنی صدر پس از تهدید نمایندگان کارگران قطعنامه ای را بعنوان اصول توافق با کارگران پیشنهاد می کنند که در آن هیچ یک از خواستهای کارگران در نظر گرفته نشده بود. آنان به نمایندگان کارگران میگویند که در صورت ادامه تحصن مردم را به جان آنها خواهند انداخت. آن روز نیز مذاکره بدون اخذ نتیجه پایان یافت و پس از آن کارخانه بمدت یک هفته تعطیل اعلام شد. بعد از یکهفته تعطیل در حضور "پیرحسینی" و نماینده وزارت کار جلسه ای تشکیل شد تا با اصلاح به وضع کارخانه و مشکلات کارگران رسیدگی شود. در این جلسه پیرحسینی به حمایت از کارفرما اعلام نمود که شورای قبلی منحل نشده و باید رای گیری شود. اتلاش مذبوحانه نمایندگان

بقیه در صفحه ۶

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

نگاهی به
مبارزات پرشکوه کارگران کارخانه مینو
و درسهای آن - آخرین قسمت

درشماره‌های قبل پیکار(۴۹و۵۰)قسمت‌های گزارش مبارزات کارگران مینو را درج نمودیم ،در این شماره آخرین قسمت از این گزارش ودرسهای آنرا ملاحظه میکنید .

شنبه ۵۸/۱۲/۱۱

در این روزدرمقابل درب نگهبانی شروع به‌دستگیری کارگران مبارزنمودند . آنها ۱۱ نفرازکارگران را دستگیروبه کمیته دیپوفرستادند .هنگام دستگیری نماینده داروسازی،کارگران با دست کشیدن ازکار و یورش به مزدوران کارفرما به‌تنها نماینده خودرا ازدست آنها رها ساختند ،بلکه نماینده فنی هاویکی ازکارگران مبارزتعمیرگاه پفک را نیزازدست آنان خلاصی دادند هیئت مدیره سابق با استفاده ازخوشباوری کارگران فرصت طلبانه ازکارگران تائیدبه‌گرفت و برای بررسی اوضاع به‌دیپورفت .درآنجا این ۱۱ کارگربا تائیدهیئت مدیره وقبول یک هفته مرخصی اجباری آزادشدند .

با نیامدن این ۱۱ تن کارگرمبارز به کارخانه ونیزنماینده فنی هاکه حتی دستگیر هم‌نشده‌بود ،اوضاع بنفع مزدوران کارفرما تغییر کرد .

هیئت اجرائی با همان هیئت مدیره سابق باگرفتن چهره مترقی میخواست بهتر ترتیبی که‌شده‌اوضاع کارخانه‌راآرام‌نگه دارد .

روزهای بعد

- روزهای بعدهیئت مدیره‌کارگری را که‌درمجمع عمومی چهارشنبه‌ازدولت انتقاد کرده‌بود ،اخراج کرد .این هیئت همچنین یکی دیگرازفعالین دفترهماهنگی ونیز دونفرازکارمندان راکه‌نقش چندانی هم (غیرازکمکهای جزئی)درمبارزه‌نداشتند منتظرخدمت نمود .

- عبدی کارگران معادل یکماه حقوق پرداخت شدوکارگران بالذت قسمتی ازنتیجه مبارزات قهرمانانه‌خودرادریافت کردند .

- هیئت مدیره پیکوشیدوانمودکندکه‌نقش آشتی دهنده‌وبرقراری نظم‌درکارخانه را بازی می کند .

- اطلاعیه‌هائی علیه‌کارگران دفتر هماهنگی وبه‌امضای کارکنان مسلمان پیرو خط امام‌صادرمیشد .متن اطلاعیه‌ها نشان می‌دادکه‌عوامل کارفرما درتهیه‌آنها دست داشته اند .

- کارگران خواهان تشکیل شورابودند وهیئت مدیره‌تاریخ تشکیل جلسه‌ای را از انرادمنتخب قسمتها برای تدوین آئین‌نامه وبرگزاری انتخابات اعلام می کنند .

- درجلسه مذکورعوامل کارفرما شروع‌به عنوان نمودن مسئله‌کارگران قدیمی و جدیدی می کنندوجلسه‌راازهم‌می پاشند .

- ازطرف هیئت مدیره‌آئین نامه‌ای که درآن نظرعوامل کارفرما هم‌تامین شده بود صادرگردید .(آئین نامه‌مذکور ،حداقل ۲ سال سابقه‌کارو سن ۲۱ سال برای انتخاب شدن درنظرگرفته‌شده‌بود ،درضمن سرپرستها هم‌می توانستندنماینده‌شوند ،بدون ذکر این نکته‌که‌هروقت نماینده‌ای مطابق خواستهای کارگران عمل نکردکارگران حق دارندا ورابرکنارکنند)

این آئین نامه‌توسط اکثرکارگران تائیدشدولی عوامل کارفرما بازهم‌آنرا نپذیرفتندوطی اعلامیه‌ای هیئت مدیره و آئین نامه‌انتخاباتی آنرا محکوم‌کردند .

- کارگران قسمتهای مختلف طی طوماری خواستاربازگشت کارگران اخراجی بسرکار شدند .

- انتخابات شورا به‌بعدازعیدموکول شد .

انتقادات

اینک با توجه‌به‌آنچه‌گفته‌شدانتقادات واردبه‌دفترهماهنگی را میتوان بصورت زیر خلاصه‌کرد :

۱ - عدم‌افشای اصولی عوامل کارفرما بطوریکه‌دیگرنتوانندازناآگاهی کارگران سوءاستفاده‌کنند .

۲ - محافظه‌کاریها ،ازبالا تصمیم‌گرفتن و سازشکاری های برخی افراددفترهماهنگی

۳ - تندرویهای برخی ازافراد دفتر هماهنگی درافشاگری علیه‌دولت .

۴ - عدم‌زمینه‌سازی اصولی برای ادامه یافتن کاردفترهماهنگی وتشکیل یک شورای واقعی .

۵ - شرکت‌ندادن زنان بطور فعال در جریان مبارزه .

۶ - شرکت‌ندادن همه‌کارگران بطور فعال درجریان مبارزه (اگرچه‌قدمهائی در این راه‌برداشته‌شدولی کافی نبود) .

درسها و رهنمودها

مبارزه‌پرشکوه‌وقهرمانانه‌کارگران مینو تجربه‌ای است که‌بایددقیقاً موردتجزیه و تحلیل قرارگیردتاباجمع بندی درسها و رهنمودهای آن درارتقاء سطح جنبش کارگری موثرافتد .دراین زمینه‌یعنی جمعبندی و ارتقاء تجربیات کارگری تاکنون واقعاًکم‌کاری شده‌است .ماکنون سعی می کنیم تا آنجاکه‌درتوان داریم‌به‌این مسئله‌مهم بپردازیم .

ما دربرخوردبه‌تجربه‌مینومسائل آنرا حول سه‌مسئله‌اصلی موردبحث قرارداده و در آخربه‌بعضی مسائل فرعی اشاره‌خواهیم‌کرد .

سه‌مسئله‌اصلی بنظرما عبارتنداز :

۱ - تاچه‌زمانی بایددردرون شورافعالیت کردودرچه‌زمانی بایدآنرا تحریم‌کرد .

۲ - موضع کارگران درقبال مدیریت کارخانه‌چه‌بایدباشد .

۳ - مسئله‌گروگان گیری واشغال کارخانه .

۱ - فعالیت یکساله‌شورا رابنظرما می‌توان به‌دودوره‌تقسیم‌نمود .دوره‌اول که شورا تازه‌بعدازقیام‌تشکیل شده‌بودوسیاست‌های کارفرما عمدتاً هنوزنتوانسته‌بود بر شورا مسلط شود .دراین دوره‌شورا قدمهائی درجهت منافع توده‌های کارگربرمیدارد . مثلا گرفتن هزارتومان ازمنافع سهامداران برای کارگران، افزایش دستمزدبه‌میزان ده‌تومان قبل ازافزایش دستمزدها توسط دولت ، انتشارنشریه‌ای بنام‌رهائی که در بالا بردن سطح آگاهی کارگران نقش موثری داشت تعطیل پنجشنبه‌ها وافزایش یکساعت مه‌کارروزانه .دراین دوره‌توده‌های کارگر عمدتاً پشتیبان شورابودندووظیفه‌نمایندگان انقلابی شورادراین دوره‌افشاء برخورد ـ های سازشکارانه‌وفرصت طلبانه‌نمایندگان وابسته‌وبالاتر دست کارفرما بود . در این دوره‌اگرچه‌اینجاوآنجاتصمیمات ضد کارگری هم‌ازجانب شورا اتخاذمیشد ، ولی بعلت پشتیبانی وسیع توده‌ای ، سیاست تحریم‌وبیرون آمدن ازآن درست نبود . تحریم‌دراین شرایط سیاسی جبرانه و حرکت نکردن ازواقعیت موجودوروآوردن به نوعی پشت کردن به‌توده‌ها ونتیجه‌گذاشتن آنها تحت رهبری سازشکاران بود .

بنابراین دردوره‌ای که‌شورای کارخانه حمایت کارگران رابپشت سرخودداشت هرچند که‌رهبری آن بدست عناصرسازشکاربود(واین پشتیبانی بخاطرقدمهای مشخص عملی بودکه شورادرجهت منافع کارگران برداشته‌بود) وظیفه‌نمایندگان انقلابی می بایست افشا سیاستهای سازشکارانه‌آن می بود .

دراین دوره‌بعلت وجودهمان جریان سازشکاردرون شورا ، شوراکمترتن به‌توده‌ای کردن مسائل می دادوبیشترتلاش میشود که‌مسائل ازبالا حل وفصل گردد .چراکه با توده‌ای شدن مسائل امکان سازش وزدوبندنیزازبین می رفت . دراین رابطه‌شوراحاضر نبودمرتب برای کارگران مجمع عمومی گذاشته‌ومسائل رابا آنها مطرح نماید .نمونه این طرزبرخوردطرح شعارشرکت در هیئت مدیره‌ازطرف شورا بود .شورا خودرا با مسائل زیادی ازطرف کارگران مواجه‌می دیدولی بجای اتکاء به‌نیروی کارگران وپیشبرد مسائل باپشتیبانی آنها چاره‌را درهیئت مدیره‌یافت .ازنظرشوراحل مسائل درهیئت مدیره۵ نفره (مرکب از۳ نماینده‌کارگران و۲ نماینده‌خروشاهی خیلی بی دردسر و راحت بود .

دوره‌دوم‌فعالیت شورا را میتوان ازشروع تارضایتی عمومی کارگران ازشورادانست . شورا دیگراساساًنمی توانست خواستهای کارگران رابرآورده‌سازد .خواست تعویض سرپرستها ۴۰ ساعت کار ،رفع تبعیض بین کارگروکارمند ،اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل، و... ازطرف کارگران باپاسخ قانع کننده ـ ای روبرونمی شد .نشریه‌رهائی قطع شده بود .دررابطه‌باسودویژه‌دیگرنارضایتی به اوج خودرسید ، کارگران ضمن تظاهرات در داخل کارخانه‌خواهان انحلال آن بودند . بنابراین حمایت ازشورا ،ماندن دردرون‌آن برای افشاگری واصلاح وگرفتن رهبری دیگر یک سیاست نادرست بود .شورا وتوده‌های کارگر دیگردرمقابل هم‌بودند .ماندن دردرون‌شورا دیگربا به‌معنی درمقابل توده‌ها ایستادن بودوبا بمعنی برای به‌سازش کشیدن تضاد شوراوکارگران،بایدنمایندگان انقلابی حتی المقدوردرطی یک جلسه عمومی با توضیح کافی استعفای خودرا ازشورا اعلام‌میکردند . اما این توضیح می بایددقیقاً دررابطه با خواسته‌های مشخص وفوری کارگران باشدونه دررابطه‌با اهداف دوردست انقلابی ، تا بتوانیم‌توده‌های هرچه‌وسیعتری ازکارگران را (اگرهنوزپشتیبان شورا هستند)ازآن دور کنیم .ماندن دردرون شورا همچنین نمیتواند به‌معنی بی اعتمادی بقدرت توده‌های کارگر درمتحل کردن شورا ویاندیدن سطح مبارزاتی آنها باشد .که‌درحالت اول نوعی راست روی ودرحالت دوم‌نشانه‌نداشتن بنا نداشتن با کارگران ودرک نکردن عمق خواسته‌های آنها می باشد .دراین رابطه‌نمایندگان انقلابی شورا ،بعلت همان بی اعتمادی به قدرت توده‌های کارگرودرعین حال نوعی گرایش بحل قضایا ازبالا درمقطعی اقدام‌به خروج ازشورا می نمایندکه‌خودکارگران طی نظاهراتی خواهان انحلال شورا می شوند .

۲ - موضع گیری کارگران درقبال مدیریت کارخانه‌چه‌بایدباشد ؟

وظیفه‌هیئت مدیره‌همواره‌اینست که شیوه‌هائی برای استثمارهرچه‌بیشترکارگران بیابد .بنابراین شرکت درآن ازطرف کارگران، جزاینکه‌نمایندگان رابه‌جمع سرکوب‌کارگران تبدیل نمایدوهمچنین مرزهای طبقاتی رادرذهن توده‌های کارگر مخدوش‌نماید - واین ازخواستهای سرمایه‌داران است ،حامل دیگری ندارد . دراین مواردتوده‌های کارگرخودرا درمقابل مدیریتی می بینندکه‌برپای تصمیمات آن مهر نمایندگان خودشان هم‌خورده‌است .پس علیه که بایدجنگید ؟

طرح این خواست ازطرف کارگران ضمن اینکه‌نشاندهنده‌رشدمبارزه‌آنها میباشد ،در عین حال نشان دهنده‌افتادن این انرژی انقلابی به‌جریان انحرافی نیزمی باشد . قبول این خواست ازطرف مدیریت نیز ضمن اینکه‌نشان دهنده‌عقب نشینی سرمایه‌داران است ولی درعین حال این عقب نشینی فقط درسطح باقی می ماندواز چهارچوب بورژوائی فراترنمی رود ، کما اینکه‌خروشاهی در ابتداآنرا ردمی کندولی بعدآنرا میپذیرد . دررابطه‌با این مسئله‌طرح شعاردولتی شدن کارخانه‌ونظارت برهیئت مدیره‌شعارهای درستی هستند .دررابطه‌با دولتی کردن کارخانه‌بقول لنین ما ازمیان شیوه‌های بینها وآنکارا استثمار ،شیوه‌های آنکارا ترجیح می دهیم .زیرا افشاء آن برای توده‌های زحمتکش سهل تراست .شعاردولتی کردن نیز درواقع کمک میکندکه‌کارگران دررابطه با شناخت دولت ورودرروقرارگرفتن ناآن یک قدم‌جلوبروند .درموردشعارونظارت برهیئت مدیره‌بایدگفت که‌این شعاربمعنی نظارت کارگران برهیئت مدیره‌برای هرچه‌محدودتر کردن مبزان استثمارنمیباشدونه‌شرکت درآن.

۳ - گروگان گیری واشغال کارخانه :

این شکل مبارزه‌کارگران یکی ازشدیدترین اشکال مبارزه‌علی کارگران میباشد . وبالطبع بورژوازی نیزبدلیل اینکه به حریم‌مقدس او (مالکیت خصوصی)تجاوز شده است ،درمقابل این عمل یعنی اشغال کارخانه‌وگروگان گیری به‌شدیدترین وضعی واکنش نشان می دهد .ازاین روبرای شروع اینکاربایدکارگران ازسازماندهی بالائی برخوردارباشند .وحتماتوده‌های کارگربطور فعال درآن شرکت داشته‌باشند .اگرشرایط عادی وآرام‌برجامعه‌حاکم‌باشد ،این تاکتیک نمی تواندنتایج خوبی داشته‌باشد ،زیرا با یورش همگانی ومتمرکزووحشیانه‌بورژوازی مواجه‌خواهدشد ،اما اگرما درجامعه‌با اعتلای انقلابی مواجه‌باشیم‌بورژوازی نمیتواند بسادگی آنرا سرکوب‌نماید وميتواندآموزش‌های بسیارخوبی برای کارگران داشته‌باشد. مثلا درجریان این عمل کارگران بخوبی به‌قدرت خوددرزمینه‌اداره‌امورکارخانه پی برده‌وخلاقیت شان دررابطه‌با سازماندهی کارها رشدخواهدکرد .کارگران به‌درستی درمی یابندکه‌بهیچوجه‌نمی توانندکارخانه رابرای مدتی طولانی اداره‌کنند .تنها زمانی کارگران می توانندا داره‌کارخانجات رابدست گیرندکه‌اولا مسئله‌اشغال کارخانه‌ها همگانی شودثانیاً درکنارآن کارگران قدرت سیاسی رانیزبدست گیرند ،یعنی حکومتی سرکارآیدکه‌تحت رهبری طبقه‌کارگر باشد .یعنی درواقع همان جمهوری دموکراتیک خلق برقرارگردد .زمانی که قدرت سیاسی دردست سرمایه‌داران باشد ، یعنی سرمایه‌داران،ارتش وپاسداران ، این

←

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

عوامل سرکوب را در اختیار داشته باشند و یا مسئله اشغال کارخانه‌ها سرتاسری نشده باشد، چون تولید بصورت رشته‌ها بهم پیوسته‌ای می‌باشد در این میان، یک یا چند کارخانه نمی‌توانند جدا از بقیه خودشان به تولید بطور طولانی ادامه دهند.

در جریان این عمل کارگران پی می‌برند که بدون وجود سرمایه‌داران هم تولید می‌تواند ادامه یابد. ما باید به این مسئله حتما توجه کنیم که با شروع گروگانگیری و اشغال کارخانه آنرا بطور وسیعی در میان توده‌های زحمتکش تبلیغ کنیم. وحمایت آنها را جلب نمائیم، در این رابطه بهتر است اجناس را ارزانتر بفروشیم. توجه کنیم که حفظ یک کارخانه بسیار مشکل تر از اشغال آنست. اشغال تنها زمانی میتواند دوام یابد که همگانی شود و از حمایت توده‌ها برخوردار گردد. البته این دوام وقتی همیشگی خواهد شد که با کسب قدرت سیاسی همراه باشد.

در ایران گروگانگیری و بدست گرفتن امور کارخانه دقیقاً در رابطه با بحران اقتصادی حاکم بر جامعه می‌باشد. هر روز که می‌گذرد نا توانی رژیم در پاسخ گوئی به بحران اقتصادی واقع ترمی شود و فشار اقتصادی، توده‌های وسیعتری از کارگران را به مبارزه می‌کشاند. کارگران برای رسیدن به خواستهایشان از آنجا که از همه جا رانده میشوند دست به اینکار می‌زنند، و از آنجا که در مرحله کنونی این تاکتیک در حال همگانی شدن است (در رابطه با اعتلای انقلابی) رژیم نمی‌تواند بسادگی آنرا سرکوب کند. شرکت فعال همه کارگران کارخانه در این عمل وتلاش در جهت کسب پشتیبانی سایر کارخانجات وزحمتکشان از مسائل مهم این تاکتیک است.

■ ■ ■

اعتلای انقلابی ای که با آن مواجه هستیم وناشی از بحرانهای اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه می‌باشد، دقیقاً خود را در ارتقاء شیوه‌های مبارزه نشان میدهد. اگر کارگران تا دیروز برای گرفتن خواستهایشان از کارفرمایان رژیم جمهوری اسلامی، به نامه و عریضه و یا مراجعه به دفتر امام رقم متوسل می‌شدند و پس از آن در مرحله بعدی به اعتصاب و تحصن می‌پرداختند، امروز می‌رود تا مبارزه عمدتاً به شکل تصرف کارخانه‌ها و گروگانگیری نظاهرات خیابانی در آید. تا دیروز اگر پاسداران ارتشی به در کارخانه می‌آمدند بر اثر توهمی که توده‌های کارگر نسبت به آنها داشتند، با آنها از در مذاکره بر می‌آمدند، به امید اینکه خواستهایشان برآورده شود، اما امروز دیگر پاسداران ارتشی را به خوبی می‌شناسند، او می‌شناسد که اینها مدافعان سرمایه هستند و این را لمس کرده است. بنابراین امروز دیگر در مقابل پاسداران ارتشی که برای سرکوب آنها و آزادی کارخانه و کارفرما از دست آنها آمده‌اند، با مسلح شدن به کوکتل مولوتف می‌ایستند (۱). اگر تا دیروز عمدتا مقاومت مسلحانه در مناطقی صورت می‌گرفت که مسئله ملی مطرح بود، امروز سنگر کارخانه‌ها هم دیگر مقاومت مسلحانه را در دستور کار قرار داده‌اند. اگر امروز با دفاع مسلحانه در کارخانه مواجهیم، فردا با تشکل پرولتاریا قطعاً با تعرض مسلحانه برای گرفتن قدرت سیاسی مواجه خواهیم بود. اعتلای انقلابی اشکال عالی‌تر مبارزه را نیز بوجود می‌آورد. توده‌ها دقیقاً در رابطه با آزمایش تاکتیکهای مقابله، وقتی در عمل می‌بینند که مثلا فلان تاکتیک دیگر اثر ندارد، ضمن تغییر آن تاکتیک به نوعی آنرا ارتقاء هم میدهند. وظیفه ما کشف این اشکال و جمعبندی آنها و تعمیم و ارتقاء آنهاست. تاکتیک اشغال کارخانه و گروگان‌گیری، دفاع مسلحانه در مقابل یورش رژیم به کارخانه‌ها، از تاکتیکهای مبارزاتی است که اخیرا شکل گرفته و در حال گسترش است. استفاده کارگران قهرمان میتواند کوکتل مولوتف برای مقاومت در مقابل یورش احتمالی رژیم که توسط پاسداران ارتش کارخانه را محاصره کرده بودند، حکایت از اعتلای انقلابی و ارتقاء شیوه‌های مبارزاتی دارد. دیدن این شیوه‌های عالی مبارزاتی و باز هم چنگ انداختن به همان شیوه‌های گذشته مبارزه که کارگران آنها را آزمایش کرده و بدور انداخته‌اند، جز جلوگیری از رشد مبارزه طبقاتی معنی دیگری ندارد.

حرکت اخیر یکبار دیگر همبستگی کارگران را در مبارزه مشترکشان بر علیه سرمایه‌داران نشان داد. بازگشت مینی بوس‌ها از میانه راه برای کمک به سایر کارگران در حفظ کارخانه، همکاری آنها در راه اداره امور و از همه مهمتر و اساسی‌تر مقاومت همگانی بوسیله کوکتل مولوتف در مقابل کمیته‌چی‌ها، نشان دهنده اوج وحدت درونی کارگران در آن زمان بود. یکی از عوامل که کارگران را وحدت می‌بخشد استثمار همه آنها توسط سرمایه‌داران می‌باشد. آنها در جریان مبارزه به ضرورت وحدت و همبستگی که زمینه عینی آن در آنها وجود دارد، پی می‌برند. آنها در جریان مبارزه پی می‌برند که "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است".

(۱)- در مواردی حتی شنیده شد که کارگران می‌گفتند: "هرکس که اسلحه دارد برای دفاع در مقابل پاسداران بیاورد".

اعلام همبستگی چندین کارخانه دیگر در جریان گروگانگیری و اشغال کارخانه نشان دهنده وجود زمینه عینی این حرکت در بسیاری از کارخانه‌ها می‌باشد (۲). کما اینکه در همان زمان که این جریان در کارخانه مینو وجود داشت در کارخانه‌های داروپخش، عبیدی، دژپاد، ایرانا .... نیز مسئله گروگانگیری و اشغال کارخانه در جریان بود. تائید این حرکت از جانب سایر کارگران ضمن اینکه نشان دهنده وحدت منافع طبقه کارگر و اینکه کارگران در یافته‌اند که باید در مقابل رژیم دست در دست هم بایستند، در عین حال نشان دهنده اینست که این حرکت بزودی بسیار گسترده‌تر خواهد شد و دقیقا در همین رابطه گستردگی، رژیم نا توان از سرکوب آن است. شعار کارگران علاءالدین که برای همبستگی به مقابل کارخانه مینو آمده بودند، چقدر با شکوه بود که می‌گفتند: "کارگر مینو، راه شما راه ماست"، "کارگر مینو، راحت ادامه دارد"، "کارگر مینو، دردشما، دردما است". این اوج اتحاد و همبستگی کارگران و در عین حال اوج وحدت رژیم نیز بود. کارگران در جریان این حرکت، نظم و انضباط و سازماندهی عالی از خودنشان دادند. بلافاصله بعد از مستقر شدن در دفتر شروع به تقسیم کار نمودند، گذاشتن نگهبانی، کنترل تلفنها، فرستادن اکیپهای کارگری به مراجع دولتی ... کارگران بنا به موقعیت خاصی که در تولید دارند با انضباط ترین و سازمانده‌ترین طبقات میباشند. آنها در جریان مبارزه‌شان این استعداد خود را بخوبی نشان دادند. آنها دقیقا در رابطه با یک چنین استعدادی است که در مبارزه‌شان با بورژوازی سلاحی جز تشکیلات ندارند. همانطور که وزارت کار، دادستانی، پاسداران برای نجات خروشاهی آنچنان سریع اقدام میکنند و این نشاندهنده وحدت منافع آنها و در عین حال وحدت تشکیلات آنها (دولت) می‌باشد، کارگران نیز نمی‌توانند جز از طریق متشکل شدن در سندیکاها، شوراها، اتحادیه‌ها .... و سرانجام در حزب طبقه کارگر بر این سیستم فائق آیند.

هرچه مستحکم‌تر با اتحاد و همبستگی کارگران
نابود باد سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم

(نقل به اختصار و کمی تغییر از "وحدت کارگری" نشریه کارگران مبارزمینو).

(۲)- در جریان این حرکت کارخانه‌های: علاءالدین، فارماشیمی، عبیدی، نابینایان کارگاه ۱ و ۳، کارگاه مترو، کارگاه ماختمانی پل سنگ سندج، تخ زرین، ساکا، تکنوکار، اعلام همبستگی کردند.

بقیه از صفحه ۴

گزارشی از ...

دولت برای قبولاندن حاکمیت دوباره شورای فدکارگری در نتیجه اعتراضات شدید کارگران که شعار میدادند "به خواسته کارگر، شورا منحل شد" به نتیجه‌ای نرسید و تیرشان بسنگ خورد.

اما همچنان نیلفروشان و عواملش از انحلال شورا سر باز زدند و زمانیکه کارگران خواستار انتخاب هیئت موسس برای تشکیل شورای جدید بودند، ابتدا ۱۸ نفر را از کار معلق کرده و سپس بیکی از نمایندگان مبارز حکم اخراج دادند و در پی آن شب عید بیش از ۳۰ نفر از کارگران مبارز را اخراج کردند.

علل شکست تحصن کارگران

از آنجا که هیئت حاکمه برای سرکوب مبارزات کارگران تشکیلات سراسری خود را دارد و بموقع همه ارگانهایش را در این زمینه بسیج میکند، کارگران نیز در مبارزه‌شان با بورژوازی سلاحی جز تشکیلات ندارند و یکی از عوامل مهم شکست مبارزات کارگران تشتت و پراکندگی آنها و نداشتن تشکیلات سراسری است. وجود یک تشکیلات سراسری امکان میدهد تا با تکیه بر تجارب مبارزات کارگران جهان و جمع بندی از مبارزات کارگران ایران و درسگیری از آنها خط درست مبارزه را بدست آورد و در شرایط مختلف تاکتیک مناسب آنرا اتخاذ نمود.

اکنون با درنظر گرفتن ضعف عمده‌ای که به آن اشاره شد به ضعفها و نکات ویژه و خاص این تحصن می‌پردازیم:

۱ - نداشتن یک سازماندهی توده‌ای مناسب برای برخورد فعال کارگران با مسائل ومشکلات تحصن.

۲ - انتخاب و نفوذ نمایندگانی سازشکار که سابقه آنها روشن نبود. این عناصر در مراحل مختلف با سازشکاریهائی که می‌کردند تاثیر نامطلوبی در تحصن کارگران باقی گذاشتند.

۳ - برخورد سازشکارانه با رئیس کارخانه و عوامل کارفرما و عدم افشای وسیع آنها برای کارگران.

۴ - سپردن حفاظت کارخانه بدست نگهبانان همیشگی و عادی آن، بجای گماردن کارگران هوشیار و آگاه برای پاسداری.

۵ - سمپاشیهای رویزیونیستهای سه جهانی و توده‌ای در میان کارگران یکی دیگر از عوامل شکست تحصن بود.

اگرچه اعتصاب و تحصن کارگران داور - پخش وحشیانه سرکوب شد و آنها نتوانستند به خواستهای خود برسند، ولی بخوبی دریافتند که در پس حرفهای فریبکارانه بنی صدر و هیئت حاکمه چیزی جز سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان وجود ندارد. برخورد تحسین انگیز آنها با پاسدارانی که با امضاء بنی صدر برای سرکوب آنها آمده بودند نشانی از این آگاهی داشت.

گسترده و پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع و حامیان داخلی آن

راهپیمایی کارگران بیکار زاهدان

روز دوشنبه ۵۹/۱/۱۸ بار دیگر کارگران بیکار زاهدان پس از راهپیمائی از دروازه غاش در مقابل استانداری اجتماع کرده و خواستار کار شدند. استاندار و دیگر مسئولان که از بکبار چگی کارگران وحشت کرده بودند، بلافاصله از دستگاه سرکوب خود یاری طلبیدند پس از مدتی پاسبانهای مسلح به ژ- ۳ تحت فرماندهی یک نفر افسر در مقابل کارگران قرار گرفتند، کارگران با آنکه نزدیک به یک صد تن بیشتر نبودند، اما بعلت همبستگی تعدادشان بیشتر بنظر میرسید. آنها خشمگین از وعده و عیدهای توخالی دولت کارمی‌خواستند تا بتوانند خرج زن وبچه‌شان را در- آورند. یکی از آنها میگفت: "نزدیک به یکسال است که بیکارم، دیگر نمیدانم چکار کنم. آخر مگر زن وبچه‌ام چه گناهی کرده‌اند که باید گرسنه بخوابند!"

افسر شهربانی ابتدا سعی میکند با تهدیدآنان را متفرق نماید، اما وقتی با فشاری اتحاد کارگران را می‌بیند به حیله و فریب متوسل میشود. وی از کارگران میخواهد که محوطه استانداری را ترک کنند و نماینده‌ای را برای مذاکره بفرستند. کارگران نماینده‌ای انتخاب می‌کنند و با این تصور که این با رنتیجه‌ای خواهند گرفت محوطه را ترک می‌کنند. مذاکره نماینده کارگران با استاندار به نتیجه‌ای نمیرسد و کارگران با شناختی بیشتر از ماهیت حامیان سرمایه‌داران محل را ترک میکنند تا برای ادامه مبارزه شیوه دیگری بیابند.

(نقل با کمی تغییر از نیروی بلوچ شماره ۱۹ ارگان اتحاد زحمتکشان بلوچستان)

بقیه از صفحه ۱۲ در راهپیمائی...

گونه جنگ افروزی هیئت حاکمه را در کردستان شدیداً محکوم کرده و اعلام می‌کنیم که با همه نیروی توان خود در کنار این خلق قهرمان ایستاده و تا پیروزی نهائی از آنها پشتیبانی خواهیم نمود.

۱۰- گرانی، تورم، وکمبود کالاهای اساسی هر روز شدت می‌یابد. ما اعلام می‌کنیم که اینها ریشه در گرانفروشی و امثالهم نداشته و چاره‌اش در اعمال فشار بر روی کسبه و دکان‌داران جزء نیست. همه این نابسامانیها ریشه در بازسازی و ترمیم نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم دارد و هر تدبیری بجز نابودی این نظام نتیجه‌ای نخواهد داشت. ■

حق "بیمهٔ بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مبارزات دهقانان آمل برعلیه شرکت تعاونی وقوانین ارتجاعی آن

روزپنجشنبه ۵۸/۱۲/۲۳ اهالی چند روستای تابع شرکت تعاونی داربوش قائم‌محله، به این شرکت مراجعه وتقاضای وام نمودند. مسئولین شرکت تعاونی درقبال تقاضای وام، گفتندکه اولا به آنهائی که بدهی شان را ندادهاند وام پرداخت نمیشود تا نیاً به آنهائی که سندزمین دارندوام می‌دهندوثالثاً مقدار وام نیزنسبت به گذشته تغییرنکرده است. این شرط وشروط ها با مخالفت دهقانان روبرومیشودکه پس از جروبحث هایی دهقانان سه‌نفرکارمندونیز رئیس شرکت را از آنجا بیرون می کنند ودر شرکت تعاونی را می بندندوهمگی به‌شهرستان آمل، به‌شرکت تعاونی مرکزمراجعه می کنند. دهقانان خواسته‌های خودشان را برای نوروزی رئیس کل شرکت مطرح کرده و خواهان وام‌هائی بین ۱۵- ۱۰ هزارتومان شدند. نوروزی می گویدکه‌طریقهٔ وام‌دادن به همان ترتیب سابق است ما هیچ کاره‌ایم و دستورازبالاست. که با اعتراض شدیدروستائیان مواجه می شود. یکی ازدهقانان در جواب گفت که‌امسال بازاریان شهربما پول نزول نمی دهندوما فقط اینجا وبانک کشاورزی را می شناسیم‌ووامی به‌مبلغ ۵۰۰۰ تومان دردی ازما دوا نخواهدکرد. دهقانان تهدیدکردندکه‌درصورت انجام‌نشدن خواسته‌هایشان تحصن کرده‌وتمام دهات تابع شرکت تعاونی داربوش (۲۲ روستا) را به‌اینجا خواهندآورد. نوروزی درمقابل فشاربیش از حدروستائیان قول دادکه‌تا ۶ فروردین پول درخواستی شان را به‌آنها بدهد. اما روستائیان قبول نکردند. بالاخره‌نوروزی به‌استانداری تلفن کرده‌وبه‌اصطلاح ازاستانداری کسب تکلیف کرد که‌درجواب به‌آنها گفته‌شدکه‌چون مقدارا عتبارد رآمل حدود۲ میلیون تومان است پس ما ازاین پس به‌هیچ روستائی وام نمی دهیم‌واین مقدارپول را به‌تهران برگشت می دهیم‌تا اعتبارپیشتری برای ما بفرستند.

بدنبال پیگیری های دهقانان تابع این شرکت، روزچهارشنبه ۵۹/۱/۶ برای گرفتن نتیجه‌به‌محل مرکزی شرکت تعاونی آمل آمده‌وازنوروزی خواستندکه‌نتیجه اقداماتشان را توضیح دهد. نوروزی نامه‌ای بیکی ازدهقانان دادکه‌مضمون آن چنین بود: برای گرفتن وام ازشرکت تعاونی طبق روال گذشته‌عمل میشودوبه‌دهقانی که‌سهم نداردبایدهکاراست وام‌پرداخت نمیشود. پس ازخواندن این نامه، دهقانان آن را پاره کرده‌وتهدیدکردندکه‌درصورتی که‌وام‌لازمه‌را ندهیدما بازن وبچه‌ها وماشین آلات کشاورزی به‌شهرمی آئیم. یکی ازکشاورزان گفت: اگر وام‌موردنیازمان را نگیریم‌شرکت را خراب خواهیم‌کرد. یکی دیگرمی گفت چطورمیشودبه دکترتوحیدکه‌ساکن شهراست وامسال عضو شرکت شده‌برای قلم‌کاری ۳۰۰ هزارتومان وام‌می دهیدولی برای ماکه‌سالهاست عضو این شرکت هستیم۵۰۰۰ تومان وام‌داده‌نمی‌شود. یکی ازکشاورزان گفت: حتماً دکتر توحیدپیش آقای جوادی (روحانی وحاکم شرع) رفته‌وازآنجا آقای جوادی همراه با نوروزی این وام‌را برایش تهیه‌کردند.

نوروزی بالاخره‌به‌دهقانان گفت که بهتراست فردا پنج نفرازشما به‌استانداری بروبدوجواب را ازآنجا بخواهید. دهقانان موافقت کردندوروزبعدپنج نفرازدهقانان به‌استانداری رفتند. درروز ۵۹/۱/۱۶ دهقانان روستاهای تابع شرکت، درمحل شرکت تعاونی درقائی محله‌که‌در۲ کیلومتری آمل قرارداراجتماع می کنندودرآنجا پس از صحبت مختصری که‌راجع به‌برنامهٔ کارصورت می گیردجمعیت بطرف شهربراه می افتند. دهقانان درطی مسیرخویش، با روستائیان منطقه‌اوجاک که‌دست به‌تظاهرات زده‌بودند مواجه‌شدندکه‌با کف زدنهای متقابل همبستگی خودشان رانسبت به‌هم‌ابرازمیداشتندوپس از مدتی به‌سازمان تعاونی می رسندودرآنجا درسطح‌خیابان می نشینندورفت وآمددراین محل رامسدودمی کنند. دراین تحصن، پلاکارد ها هی هم‌تهیه میشودکه‌مضمون آن بدین صورت بود "وام، وام، حق مسلم‌ماست"، "قوانین شاهنشاهی درشرکت تعاونی، الغاء باید گردد، قوانین مردمی، بدست شوراهای دهقانی، ایجادبایدگردد". سپس چندنفر از نمایندگان دهقانان به‌افشای عملکردهای شرکت های تعاونی، وضعیت کنونی دهقانان ونیازشدیدآنان به‌وام، اهمیت کمک به دهقانان ترجهت خودکفائی، ونیزنقش عوام‌فریبانه‌ومزورانهٔ نوروزی پرداختندواسناد ومدارکی نیزدرجهت مستندبودن گفته‌های خودارائه‌نمودند (بایدمتذکرشدکه نوروزی وقتی ازحرکت دهقانان بسمت سازمان تعاونی مطلع میشودازآنجا می گریزدوسازمان تعاونی کاملا دراشغال دهقانان درآمده بود). این افشاگریها همراه‌با شعارهائی ازجانب نمایندگان توام‌میشدکه‌ازجمله میتوان از "حمایت ازکشاورز، نبرد با آمریکا" و"وام، کود، سم، بذر، حق مسلم‌ماست" نام‌برد. نمایندگان دهقانان برای اینکه فشاربیشتری به‌مسئولین بیاورندجلسه‌ای تشکیل می دهندودرآن تصمیم‌می گیرندکه به‌دودسته‌تقسیم‌شوندعده‌ای درهمین جا (سازمان تعاونی)بمانندوبقیه‌به‌بانک تعاون کشاورزی رااشغال کنندکه‌این تصمیم بلافاصله‌موردا جراء قرارمی گیردوبانک تعاونی موردا شغال دهقانان قرارمی گیردودرآنجا هم‌ضمن آنکه‌نمایندگان دهقانان با رئیس بانک مشغول مذاکره‌بودند، هریک ازروستائیان برای بقیه‌ازرنج ها وفشارزیادی که ازطرف مسئولین وبانک وشرکت تعاونی

بقیه‌درصفحه ۸

کشاورزان بیدارند، ازسازشکاران بیزارند

گزارشی ازمبارزات دهقانی اطراف آمل

بدنبال اوجگیری جنبشهای دهقانی، دهقانان روستاهای اطراف طرح های ۴۰۰ هکتاری اوجاک وطرح ۱۲۰۰ هکتاری معروف به‌تشیندان که‌مالک آن ازسرمایه‌داران و زمین داران بزرگ آمل می باشدبهمراه سایردهقانان منطقه‌دریکسال قبل در صدد تصرف زمینهای طرح فوق برآمدندامابعلت عدم‌آگاهی وتشکل دهقانان بی زمین وکم زمین زمینهای فوق اکثرا به‌تصرف دهقانان مرفه‌ومیانه‌حال درآمدچنانکه‌بیش ازنصف زمینهای طرح اوجاک بین دهقانان روستای اوجاک وبقیه‌زمینها بین دهقانان چند روستای دیگربه‌مقدارناچیزشدودراین بین به‌اکثربی زمینهای این روستاها زمینی تعلق نگرفت وحتی به‌دهقانان چندروستای محدوده‌این طرح نیززمینی تعلق نگرفت.

دهقانان بی زمین وکم زمین این دو طرح درچندماه‌اخیردراعتراض به‌نحوه‌تقسیم فوق شکایات واعتراضات خودرا ازطریق‌نامه وشکوائیه‌بگوش مقامات مسئول هیئت حاکمه رساندندچنانکه‌درارابطه‌با طرح به‌اصطلاح انقلابی رضاامضائی به‌حضورآستانه‌ذقوق رفتندوا وجزوعده‌ووعیدهمیشگی چیزی به ایشان نداده‌بود. بدنبال سردواندن مقامات مسئول ورسیدن فصل کشت زمینهای فوق دهقانان بی زمین وکم‌زمین روستاهای اطراف طرحهای فوق بهمراه‌سایربی زمینها وکم‌زمینهای روستاهای دیگرتصمیم‌به راه‌پیمائی اعتراضی آمیزگرفتندودرروزشنبه ۵۹/۱/۱۶ بدعوت جمعی ازنمایندگان کشاورزان بی زمین وکم‌زمین روستاهای آمل، کشاورزان این منطقه‌درساعت ۹ صبح در فرمانداری آمل اجتماع کردند. این اجتماع وسپس راه‌پیمائی دراعتراض به‌وعده‌وعیدهای مقامات دولتی ازجمله‌دادگاه انقلاب وجهادسازندگی وغیره‌بودکه‌درمدت چهارماه آنها را سردوانیده‌بودندورفرمانداری چند تن ازنمایندگان بی زمینها دربارهٔ زندگی فلاکت بارشان وتنگدستی وگرانی وازهمه گذشته‌شروع شدن فصل کشت سخن گفتندوسپس ازاکثرخیابانها گذشته‌ودرخیابان هراز بطرف دادگاه انقلاب حرکت کردند. در این راه‌پیمائی که‌درحدودیکساعت بطول انجامید، دهقانان شعارهائی نظیراتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد/ کشاورزپیروزاست، زمین ازرنابوداست/ اصلاحات واقعی بنفع زحمتکشان اجراء بایدگردد/ مرگ برامپریالیسم‌آمریکادشمن اصلی ما/ کشاورزان بیدارند، ازسازشکاران بیزارند/ مرگ بر آمریکا، مرگ برارتجاع وکاربرای کارگر زمین برای برزگرو... می دادند. دهقانان درحین راه‌پیمائی پلاکاردهائی با شعارهائی چون توکلی، مزدورآمریکائی اعدام‌باید گردد/ فئودال نابوداست، کشاورزپیروز است/ زمین، زمین حق مسلم‌ماست و... با خودحمل می کردندوسپس درجلوی میدان هفده‌شهریور (ششم‌بهمن سابق) نشستندوقطعنامه‌را به‌پیمائی رایکبارخواندندواصول آن توسط کشاورزان باگفتن صحیح است تائید شد. آنگاه‌دوباره‌راه‌پیمائی رابطرف دادگاه انقلاب شروع کردندبا شعارهائی چون زمین، زمین حق مسلم‌ماست/ جنگیدیم‌و خون دادیم، حق خودرا می خواهیم. بلندگوی دادگاه مردم‌را به‌سکوت دعوت کرد. دادستان دادگاه انقلاب آقای محمدرضوانی بعد ازگفتن اینکه‌من حرفهای شما را شنیدم، درد شما را می دانم... بنای عوام‌فریبی را گذاشت وگفت که‌دستهای من هم‌بسته‌است همانطورکه‌استاد رضاامضائی نوشته بودکه دستها یم‌بسته‌است. اما صبرکنیدمن تا ۴۸ ساعت دیگرحضورا با رضاامضائی تماس می گیرم‌وحرفهای شما را به‌آنها خواهم‌گفت.

درآنجا چندتن ازنمایندگان خواستند که‌داخل دادگاه شوندکه‌با مخالفت بقیه روبروشدندوازطرف دهقانان ازرخواستی خواستندکه‌به‌وسط جمعیت آمده‌وبا تمام‌مردم ازروبروصحبت کنندوبعدازآمدن بمیان مردم‌گفت ما با نمایندگانتان با هم‌به‌پیش اصفهانی می رویم‌واین مسائل را می گوئیم من دردشما را می دانم... که‌ازطرف جمعیت جواب داده‌شدا گرشما دردما را می دانید پس

←

گزارشی از روستای سیارکلا

روستای سیارکلا درکنارجادهٔ آمل - محمودآباد دوبه‌فاصله ۵ کیلومتری محمودآباد واقع است. محمدمقیمی مالک روستا، ۲۴ هکتاراز اراضی دهقانان را با همکاری و مساعدت دستگاههای دولتی به‌تصرف خودد‌رمی آوردوآن را به‌وابستگان خودواگذارمی‌کند. این جریان حدود۱۸ سال پیش اتفاق افتادوتاکنون این زالوها ازحاصل کار و رنج دهقانان سودمی بردند. ازجانب دیگر دهقانان به‌صورت های مختلف طی این مدت با عوامل مقیمی مبارزه‌می کردند. پس از قیام‌درادامهٔ مبارزاتشان تنها یک هکتار اززمین های غصبی رابازپس گرفتندامابعلت سطح پائین آگاهی وعدم‌سازمان یافتگی لازم، نتوانستندبقیهٔ زمین ها را بازپس‌گیرند. تا اینکه‌روزیکشنبه ۵۹/۱/۱۷ دست به تظاهرات درروستا زده‌وبا شعارهائی چون فئودال نابوداست، کشاورزپیروزاست، مرگ برنجفپور، بعدازنجفپورنوبت مقیمی است، کشاورزپیروزاست سرمایه‌دارنابود است، واردراضی غصبی شده‌وآن را تحت کنترل خودگرفتند. پس ازاین عمل سروکله پاسداران پیداشدکه‌با مقاومت وواکنش شدیدازطرف دهقانان روبروشد. بصورتیکه حتی اجازهٔ ورودبه‌اراضی رابه‌آنها ندادند وپس ازآن نوبت رئیس پاسگاه ژاندارمری محمودآباد درسیدکه‌وی نیزبابی اعتنائی دهقانان مواجه‌شدودهقانان ازبازجوئی در مقابل وی شانه‌خالی کردند.

درارتباط باآتش‌سوزی که‌درمنزل یکی ازوابستگان مقیمی اتفاق افتاده بودکه‌آن راعمدی وازجانب خودابن‌وابستگان می دانستند، چندین نفرازدهقانان ازطرف دادستانی انقلاب آمل برای بازجوئی حول این حادثه‌که‌دارودسته‌تجفیورآن رابه دهقانان مبارزمنتسب کرده‌اند، به دادگاه برده‌شدندکه‌دهقانان سیارکلا غروب روز ۵۹/۱/۱۸ درشهردست به‌تظاهرات زده‌وعلیه دادگاه انقلاب وفئودالها وتوطئه‌های آنها شعاردادندودرجلوی دادگاه انقلاب، «دادستان با زهم‌ضمن محکوم‌کردن خودسری‌های مامورین ووجودنارسائی دردستگاههای دولتی، قول دادکه‌بلافاصله‌پس ازبازجوئی دهقانان آزاد شوند.■

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

چرا تا بحال اقدام نکردید. شما می گوئید دست و پایمان را بستند چه کسانی بستند. آیا کشاورزان بی زمین و کم زمین که ۱۴ ماه صبر کردند با زمینداران و سرمایه داران بزرگ؟

بعد از این در حضور رضوانی دادستان "انقلاب" قطعنامه را پیمائی خوانده شد. در قسمتی از قطعنامه آمده بود شورای انقلاب و دولت با بزرگان همیشه ما را به صبر انقلابی دعوت می کردند و می گفتند تا زمانی که دولت سروسامان نگرفته و قوانین کشور به تصویب نرسیده دست بعمل نزنید. بعد از اینکه روشن شد دولت با بزرگان در خدمت سرمایه داران ایرانی و آمریکائی می باشد تازه ما معنای "صبر انقلابی" را فهمیدیم. در قسمتی دیگر آمده بود که واقعا دستگاههای دولتی و آقای رئیس جمهور طرفدار چه کسانی اند؟ آیا طرفدار سرمایه داران و زمینداران بزرگ؟ یا طرفدار زحمتکشان؟ مثلا وقتیکه به شخص رضا اصفهانی مراجعه کرده ایم و در جواب به ما گفت که دستهای من بسته است من از شما شرمنده ام، باید پرسید آقای اصفهانی، کشاورزان بی زمین و کم زمین که ۱۴ ماه صبر کردند دستهای شما را بسته اند یا زمین داران و سرمایه داران بزرگ که بعد از انقلاب به قدرت خزیده اند. و ما امروز با صدای بلند اعلام می کنیم ما فدائی انقلاب نیستیم. ما خواسته های برحق داریم. ما آگاهانه و مسئولانه در اینجا جمع شدیم تا حرفهای خود را با مردم میان گذاشته و آنها شاهد را که برخلاف جهت ما همچنان دفاع از چپاول زمینداران و سرمایه داران بزرگ می کنند فدائی انقلاب می دانیم. همچنین قسمتی از خواسته های دهقانان که در قطعنامه آمده است عبارتند از:

۱ ـ مصادره کلیه زمینهای سرمایه داران و زمینداران بزرگ امثال توکلی و ... بنفع روستائیان بی زمین و کم زمین. تصرف زمینهای خرده مالکین کشاورز را محکوم می کنیم.
۲ ـ در اختیار گذاشتن وسایل تولید کشاورزی به روستائیان با قیمت ارزان و ...
۳ ـ پرداخت وام دراز مدت بدون بهره و بموقع
۴ ـ خرید محصولات کشاورزی توسط دولت و ...
۵ ـ در اختیار گذاشتن بذر و کود و سم و ...
۶ ـ لغو کلیه بدهیهای دهقانان به بانکها و شرکتهای تعاونی در رژیم گذشته.

در پایان هشدار دادند که اگر تا روز شنبه ۵۹/۱/۱۹ خواسته هایشان رسیدگی نشود خود به مصادره آن اقدام خواهند کرد. دهقانان بنا به خواسته رضوانی دادستان دادگاه قرار شد یا در دیگر روز یکشنبه ۵۹/۱/۲۰ به تهران نزد رضا اصفهانی بروند تا نتیجه ای نهائی از دهان اصفهانی بشنوند ■

بقیه از صفحه ۱

در راه پیمائی ...

"خلع سلاح مردم، کشتار در کردستان، علیه زحمتکشان، بنفع امپریالیسم"

هر لحظه بر تعداد راه پیمایان افزوده میشد. پلاکاردهای "شوراهای کارگران، دهقانان، پرسنل انقلابی سنگر توده ها علیه امپریالیسم" و ... هیئت حاکمه را از آنجا که کمر به نابودی شوراها بسته است، افشا می نمود.

طبق معمول مگس های مزاحم پیدایشان شد و را دیو جمهوری اسلامی هم با پخش این خبر دروغ که گویا این راه پیمائی بدون اجازه وزارت کشور بوده است و مسلمانان نباید بسوی در آن شرکت کنند! عملا فرمان حمله چماق ـ دارانش را با رمز همیشگی صادر کرده بود. ولی صف متحد و یکپارچه راه پیمایان مانع از آن بود که این مگسهای مزاحم بتوانند کاری از پیش ببرند. لکن رفته رفته قوای کمکی سازمان یافته از چاقوکشان حرفه ای و چماق ـ داران به خیل مگس ها افزوده میشد تا آنجا که بنا حاز سوی جلوگیری از درگیری در تقاطع

گردهم آیی نمایندگان توتونکاران گیلان

در ساعت ۹ صبح ۵۹/۱/۱۱ نمایندگان توتونکاران شش بخش صومعه سرا و فومنات به دعوت اتحادیه توتونکاران گیلان در یک گردهمائی جهت بررسی خواستها و مشکلات کشاورزان در بیمارستان توتونکاران رشت شرکت کردند.

در این گردهمائی که بیش از ۱۵۰ نفر از نمایندگان روستاهای مختلف ۶ بخش صومعه سرا و فومنات شرکت داشتند، عربانی مدیر عامل اتحادیه توتونکاران، مهندس سخن سنج نماینده دهقانیات گیلان، نماینده استاندار و یک روحانی نیز حضور داشتند.

خواستهای روستائیان عبارت بود از:

۱ ـ افزایش ۴۰٪ به نرخ خرید توتون.
۲ ـ پرداخت وام به میزان هر سه نفر تا یک هکتار مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان.
۳ ـ پرداخت خسارت بابت خراب شدن محصول سال ۵۷ براثر سیل برمبنای ۳۵٪ بهای توتون برداشتی در سال ۵۸.
۴ ـ فروش ماشین آلات مورد نیاز توتونکاران بوسیله دولت بدون سود گمرکی.
۵ ـ حق بیمه بازنشستگی.

در ابتدا مهندس سخن سنج نماینده دهقانیات اظهار داشت که خواستهای دهقانان موردتائید وی میباشد، اما از آنجا که وی قدرت اجرائی ندارد کاری از دستش ساخته نیست و وی فقط رابط دهقانان با دهقانیات و مسئولین امر میباشد و توضیح داد که یکسری از خواستهای جانبی در دست اقدام است از قبیل خرید تانکر بلون، تعمیر انبارها و ...

در طول سخنرانی سخن سنج روستائیان بکرات با اعتراضات خود به وعده سرخرمن دادن ـ های مسئولین، نداشتن قدرت اجرائی، سخنان وی را قطع می کردند و هوشیاری و نارضایتی خود را از نحوه بررسی مشکلات نشان می دادند و در این میان نماینده روستای لینتاگرد با صدای بلند گفت: یکسال است با وعده و عیدهای خود ما را سردوانیده اید ولی اکنون موقع کشت است لذا چنانچه در کوتاه ـ ترین فرصت خواستهای ما برآورده نشود تمام روستائیان را به رشت آورده، و با اقدامات شدید و گروگان گرفتن مسئولین امر شما را وادار به انجام خواستهای خودمی نمائیم.

در پایان گردهمائی که به مدت سه ساعت طول کشید، عربانی مدیر عامل اتحادیه توتونکاران اظهار داشت: چون رسیدگی به خواستهای شما مستلزم طی سلسله مراتبی می باشد، باید ۲۲ روز بما فرصت بدهید. روستائیان بشدت اعتراض کرده و نماینده روستای سیاه تن با فریاد ابراز داشت: دیگر قابل تحمل نیست. ما فقط ۵ روز بشما فرصت می دهیم و پس از آن خودمان دست بکار می ـ شویم و این حرف مورد تائید همه قرار گرفت. و با لاخره قرار بر این شد که تا صبح روز پنجشنبه ۵۹/۱/۱۴ نمایندگان با مهندس سخن سنج و عربانی مدیر عامل اتحادیه و نماینده استاندار تماس گرفته و نتیجه توسط نمایندگان به توتونکاران رسانیده شود و چنانچه با خواستهای آنان موافقت نشود به اقدامات جدی دست زده شود.

این حرکت نمونه ای است از مبارزات زحمتکشان کشور ما که نشان می دهند دیگر حاضر نیستند زیر بار سرمایه و سلطه امپریالیسم و نوکران داخلی شان زندگی کنند.

بقیه از صفحه ۷

مبارزات دهقانی ...

متحمل شده بودند سخن می گفتند. نمایندگان در مذاکرات خود با رئیس بانک وی را وادار کردند که تلفن گرامی برای رئیس سازمان تعاونی مرکزی بفرستد و خواسته های دهقانان را به آنها برساند. و جواب تلفن گرام را فردا اعلام نماید. سپس نمایندگان نتیجه مذاکرات خود را با رئیس بانک برای دهقانان تشریح کردند و قرار گذاشتند که فردا فقط نمایندگان روستاها برای دریافت جواب به شهر بیایند و نتیجه را به اطلاع سایر دهقانان برسانند. روز بعد نمایندگان جواب تلفن گرام را در ـ یافت داشتند که مفاد آن چنین بود:

۱ ـ مقدار سرمایه شرکت تعاونی هرچقدر باشد اعتبار برای وام به دهقانان به جای ۱۰ برابر ۱۵ برابر باشد.
۲ ـ دهقانانی که به شرکت بدهکارند اگر چنانچه ممکن است ۲۰ درصد بدهکاری را بدهند و بقیه را بصورت اقساط در سال ـ های بعد بپردازند.

متعاقب این جواب، رئیس بانک از نمایندگان می خواهد که همراه تورزوی به استانداری رفته و اعتبار لازم را بگیرند. در همان روز تورزوی شکایتی علیه سه تن از روستائیان "کلاهفا" که نقش فعالی در این جریانات داشتند تسلیم دادستان انقلاب کرد که متعاقب این شکایت در همان شب پاسداران به ده "کلاهفا" رفته و آنها را با حکم دادستانی بخاطر "داشتن کلید سازمان تعاونی" به دادگاه انقلاب می برند که البته پس از چند ساعت آزاد نمیشوند. جالب اینجاست که دهقانان این روستا بلافاصله به تمام روستاهای اطراف می روند و ماجرا را برای آنها شرح می دهند و از جانب آنها قول حمایت فعال گرفته میشود.

صبح روز ۵۹/۱/۱۸ با زهم جمعیت کثیری در محل شرکت در قائمی محله جمع میشوند و در اعتراض به اقدام دادستانی، تورزوی و نیز پیگیری خواسته هایشان، بطرف شهر حرکت می کنند و البته برعکس دفعه پیش همراه با شعار و پلاکاردیکه در یکی از پلاکاردها خواهان برکناری تورزوی رئیس سازمان تعاونی روستائی شده بودند و در پلاکارد دیگری توطئه تهدید و ارعاب علیه نمایندگان را محکوم کرده بودند. شعارهائی نیز بر علیه آمریکا و نیز اخراج تورزوی و در جهت اتحاد و همبستگی کشاورزان داده میشد. دهقانان این تابرهم خیابانی را که سازمان تعاونی در آن قرار داشت مسدود کردند و دست به افشای تورزوی و شاه پراکنی های رژیم برای لوث کردن مطالبات بحق دهقانان زده و تاکید کردند که تا حصول نتیجه از اینجا نخواهند رفت. در همین اثنی دادستان انقلاب نیز به سازمان تعاونی آمده و طی نطقی به اصطلاح از نارسائی های موجود انتقاد کرده و خود را در سنگر دهقانان علیه سرمایه داران و فئو ـ دالها قرار داده و با بی شرمی از تهدید و ارعاب نمایندگان دهقانان اظهار تاسف کرد (گوئی از این تهدیدها اطلاعی ندارد) که البته پس از سخنرانی او، خود دهقانان پرده از ظاهر خوش آب و رنگ و فریبنده حرفهای دادستان برداشتند. سپس دادستان به اتفاق تورزوی با نمایندگان دهقانان وارد مذاکره شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که مفاد تلفن ـ گرام بانک تعاونی کشاورزی اجراء شود و برای پیگیری و اجرای آن، ۵۰ نفر از روستاهای مختلف انتخاب شدند. نمایندگان دهقانان روی این موضوع تاکید کردند که اولا ظرف ۴۸ ساعت باید نتیجه قطعی این موضوع روشن شده و صورت عملی بخود بگیرد. ثانیاً در صورت عدم اجرای آن، این بار نه ۵۰۰ ـ ۴۰۰ نفر عملی بلکه تمام دهقانان با زن و بچه ها و وسائل کشاورزی به شهر آمده و اقدامات قاطع ـ تری انجام خواهند داد.

● ● ●

قطعنامه راهپیمایی

خلق قهرمان ایران:

بالاخره پس از گذشتن بیش از یکسال از انقلاب خونین بهمن ماه ۱۳۵۷ رابطه سیاسی بین ایران و آمریکا قطع گردید.

رابطه سارت و روحونین بین کشوری ستمدیده که طی سالیان دراز تمام هستی، زندگی و ثروت او بدست ابرقدرتی غارتگر چون آمریکا و دیگر شرکایش، به تاراج رفته است. اما این قطع رابطه ـ نه با خشنودی و رضای خاطر هیئت حاکمه و سازشکاران که با جشن گرفتن می خواهند وانمود کنند که آنها نیز گویا خوشحالند، و نه حتی با خشنودی و رضای خاطر امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است.

امپریالیسم آمریکا در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و نیز ترس از سرایت روحیه ضد امپریالیستی ـ ناشی از ادامه مبارزات خلق ایران به سایر نقاط جهان، ناچار به این قطع رابطه دست زد. این قطع رابطه فقط یک طرف را حقیقتاً خوشحال و مسرور ساخت و آنهم خلق مبارز ایران است ولیکن این قطع رابطه که علیرغم میل باطنی آمریکا و هیئت حاکمه و در نتیجه مبارزات پر ـ شکوه خلقمان صورت گرفته است، هنوز چیزی پیش از یک گام در این مسیر پرپیچ و خم نیست. ما با بدگمانهای اساسی تر و محکم تری را به دنبال آن برداشته و در کمال هوشیاری اجازه ندهیم که همچون مقطع حادثه سفارت، فقط در چهارچوب شعارهای مجرد و بی محتوا باقی بماند. ما باید با همه هست و توان خود بکوشیم که بدان مضمون واقعی بدهیم. حضور امپریالیسم آمریکا در کشور ما فقط در تکل روابط دیپلماتیک و سیاسی نبوده و نیست که بسادگی بسته کنیم. بلکه این حضور به مراتب اشکال

بقیه در صفحه ۱۲

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

اخبار و مسائل جهانی

طبقه کارگر و خلقهای جهان می رزمند

هندوستان

در اوایل اسفندماه ۵۸ در ایالت "بهار" هندوستان ۴۵۰۰۰ آموزگار با خواست افزایش دستمزد و بهبود شرایط زندگی به تظاهرات پرداختند. مبارزه آموزگاران این ایالت به سرعت دیگر ایالتهای این کشور را نیز در برگرفت و میان اعتصاب کنندگان و نیروهای پلیس درگیری شدگه مانند همیشه نیروهای پلیس به اسلحه گرم توسل جستند. بارانداران بند کلکته نیز سه روز تمام بر علیه شرایط سخت کار و پایین بودن میزان دستمزد اعتراض نمودند. در چند شهر دیگر هندوستان از جمله پایتخت، دهلی نو، کارگران معادن و زحمتکشان صنایع نساجی با خواست افزایش دستمزد و تضمین کار دست از کار کشیده و به راه پیمائی پرداختند.

ژاپن

در ژاپن جنبش مطالباتی، بخشهائی از اقتصاد کشور را در برگرفته است. در نیمه اول اسفندماه سال گذشته هزاران تن از کارگران راه آهن با خواست افزایش دستمزد دست از کار کشیدند. در پی اعتصاب آنها زحمتکشان بعضی از بنگاهها و موسسات ساعت سازی با وجود فشارها و تهدیدهای کارفرمایان مبارزه خود را سه روز تمام ادامه دادند. خبر رسیده است که زحمتکشان موسسه صنایع کاغذسازی توکیو و دیگر شهرها با شرط افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار دست از کار کشیدند.

پرتغال

در پرتغال نیز اعتصاب کارگران صنایع گرافیک و کاغذسازی ادامه دارد و آنها خواستار افزایش دستمزد برای رودروئی با هزینه‌های زندگی می باشند. ماهیگیران "پینیش" و "آلگار" اعتصاب خود را برای افزایش دستمزد و تضمین شغلی ادامه میدهند.

برزیل

هزاران تن از کارگران فلزکار "ساو پولو" از ۱۱ فروردین به اعتصاب بزرگی دست زده‌اند. آنان خواستار افزایش دستمزد، تضمین شغلی، کاهش ساعت کار و غیره میباشند. کارگران مبارز با اعتصاب خود کارگاههای بخش فلز بویژه کارخانه‌های اتوموبیل سازی را که توسط سرمایه‌های خارجی کنترل میشوند فلج کرده‌اند. آنان بدون ترس از تهدیدهای نظامی به مبارزه خود ادامه داده و در این مبارزه از پشتیبانی دیگر زحمتکشان برزیل مانند فلزکاران "ریودوژانیرو" برخوردارهستند.

کره جنوبی

دانشجویان کره جنوبی سرسختانه علیه رژیم فاشیستی "سئول" مبارزه میکنند. آنها مخالفت خود را با سیاست ترور و خفقان از طریق تظاهرات و اعتصابات متعددشان می‌دهند. از اوایل فروردین سال ۵۹ دانشجویان دانشگاه "کیون هی" در اعتراض به تصمیم مقامات فاشیستی در بستن دانشگاه دست به اعتصاب زدند. تا می دانشجویان "سئول" در پشتیبانی از آنان اعتصاب نمودند. مبارزات دانشجویان از پشتیبانی استادان نیز برخوردار است. استادان دانشگاه "سی ئینگ" جلسه‌ای تشکیل داده و در آن پشتیبانی خود را از خواستهای بحق دانشجویان اعلام داشتند. چنین جلساتی در دانشگاههای دیگر نیز برگزار شد.

تایلند

میهن پرستان تایلندی دلیرانه مبارزه مسلحانه خود را بر علیه رژیم ضدخلقی "باتکوک" پی می گیرند. مراکز مهم نظامی در شهرها و روستاهای کشور هدف این حملات میباشند. در نیمه فروردین ماه واحدی از میهن پرستان که در شمال شهر فمالیت دارند یک پایگاه پلیس را در دست گرفتند. طی درگیریهائی که رخ داد شماری از سربازان رژیم ارتجاعی همراه با چند افسر کشته شدند. در ۱۲ فروردین ماه واحد دیگری از میهن پرستان حمله جدیدی را بر ضد ستونی از نیروهای پلیسی در منطقه‌ای نزدیک مرز مالزی سازمان داده که طی آن ۶ پلیس کشته شدند. حملات مشابهی در دیگر مناطق کشور نیز سازمان داده شده اند که نشانه اوجگیری مبارزات مسلحانه خلق تایلند بر علیه حکومت باتکوک می باشد. رژیم ضدخلقی تایلند در برابر موج مبارزات توده‌ای دست به اقدامات شدیدی زده. ارباب آمریکائی وی نیز در این شرایط سخت به یاری او می شتابد. چند روز پیش در چهار چوب برنامه همکاری نظامی گروهی از مستشاران نظامی آمریکائی برای آموزش ارتش ارتجاعی تایلند به این کشور رفتند از سوی دیگر واشنگتن جنگ افزارهای جدید به رژیم تایلند تحویل داده است. این پشتیبانی در چهار چوب استراتژی امپریالیستی آمریکا برای حفظ رژیمهای ارتجاعی آسیای جنوب شرقی قرار دارد. خلق تایلند در پیکار بر علیه رژیم باتکوک در عین حال با گسترش جوشی و چپاول قدرتهای امپریالیستی و بویژه آمریکا می جنگد. میهن پرستان خلق تایلند با این مبارزه خواستار دست یابی به آزادی، استقلال ملی، حق تعیین سرنوشت خویش و حاکمیت بر ثروتهای طبیعی خود می باشند.

ال سالوادر

اعتصابها و راه پیمائی های توده‌های کارگر، دهقان، دانشجو و جوانان همچنان "ال سالوادور" را فرا گرفته است. با وجود ترور وحشیانه‌ای که بر کشور حاکم است، تظاهرکنندگان مخالفت سرسختانه خود را با حکومت نظامی، سیاست خیانتکارانه و نیز قهر و خشونت آن بیان می کنند. در خلال جنبش اعتراضی، مبارزه مسلحانه نیز با مداگسترده‌ای بخود گرفته است. در ۲ ماه گذشته میهن پرستان به ۸۰ عملیات دست زده و تاسیسات و مراکز سوق الجیشی نظامی را هدف قرار داده‌اند. در اوایل فروردین ماه واحدی مسلح که در جانب خاوری پایتخت فعالیت دارد به حمله‌ای عمومی بر علیه دستجات دولتی دست زد.

مناطق گسترده‌ای از بخش خاوری کشور مانند سانتاکلارا... و بخشهائی از جنوب خاوری در دست نیروهای میهن پرست می باشد. گسترش مبارزات توده‌ای در "سالوادور" نشان می دهد که توده‌های خلق برآنند تا

بقیه در صفحه ۱۳

بازهم درباره اختلافات ایران و عراق

● ما تلاش عراق برای ایجاد خرابکاری در تاسیسات نفتی، وسعی در راه منحرف کردن مبارزه خلق عرب ایران و نیز به خدمت گرفتن افرادی ناآگاه در خدمت اهداف تفرقه افکنانه و ضدانقلابی و شوونیستی بعثی ها را محکوم کردیم.

رژیمهای ضدخلقی در کشور ایران و عراق تنور اختلافات بین خود را هر روز بیش از پیش می تابند و خلقهای زحمتکش و محروم در کشور را بسوی سرانجامی که نه بنفع توده‌ها بلکه بمنظور حل مشکلات طبقات حاکم بر دو کشور است می رانند. طبقات حاکم بر هر دو کشور برای حل بحرانهای داخلی شان، برای مقابله با جنبش فزاینده و اوجگیرنده زحمتکشان، برای سرکوب نیروهای انقلابی دو کشور نیاز مند حادثه آفرینی و جنگ افروزی هستند. ما "اختلافات ایران و عراق" را در ضمیمه (۱) شماره ۴۹ پیکار مورخه ۱۸ فروردین بدرستی "توطئه‌ای علیه خلقهای دو کشور" ارزیابی کردیم و ضمن برشمردن و اشاره کوتاه به دلائل اینگونه درگیریها چه از ناحیه ایران و چه عراق، موضعگیری خودمان را در قبال این جنگ افروزیها روشن کردیم.

ما از هیچیک از دو قدرت ضدانقلابی حاکم حمایت نمی کنیم. ما فقط از زحمتکشان دو کشور و از استقلال ایران دفاع می نمائیم.

ما تلاش عراق برای ایجاد خرابکاری در تاسیسات نفتی، وسعی در راه منحرف کردن مبارزه خلق عرب ایران و نیز بخدمت گرفتن افرادی ناآگاه در خدمت اهداف تفرقه افکنانه وضدانقلابی و شوونیستی بعثی ها را محکوم کردیم.

ما برای انداختن کارزار تبلیغاتی رادیوئی از بغداد علیه ایران را محکوم شمردیم و با موضع راست روانه وضدانقلابی آنها در به اصطلاح انتقاد از رژیم جمهوری اسلامی ایران مرزبندی کرده، سوء استفاده رادیو بغداد از روزنامه‌ها و نشریات انقلابی مخالف هیئت حاکمه ایران را عملی فرصت طلبانه و محکوم ارزیابی نمودیم.

اما اخراج ایرانیان مقیم عراق را آنهم با آن وضع بسیار وحشیانه، اقدامی ضدانقلابی وضدانسانی شمردیم.

ما ادعای دولت عراق در موضوع جزایر سه گانه را اقدامی در جهت تفرقه بین دو ملت و ادامه همان سیاست شوونیستی زمان شاه خائن دانستیم.

ما تجاوز به روستاهای مرزی ایران از سوی عراق و نیز اقدام به تقویت گروههائی نظیر سپاه رزگاری را محکوم شمردیم.

در عین حال اقدام رژیم ایران برای تقویت گروههای دست راستی و ارتجاعی نظیر "قیاده موقت" و "حزب الدعوة عراق" و تحریک شیعیان آن کشور را ضدانقلابی و به ضرر خلقهای دو کشور ارزیابی نمودیم.

ما تلاش برای استفاده از این موقعیت و تحکیم و تقویت پایه‌های ارتش ضدخلقی کنونی و سرکوب خلقهای ایران بویژه خلق کرد و استقرار ارتش در کردستان و خفه کردن صدای نیروهای انقلابی و کمونیستی و اعمال فشار و تهدید بر کارگران و زحمتکشان را افشا کرده و آنرا توطئه‌ای بضرر خلقهای بپا خاسته میهن معرفی نمودیم.

★ ★ ★

اکنون سیر حوادث در یکی دو هفته گذشته دست هیئت‌های حاکمه دو کشور را بیشتر باز کرده و صحت موضعگیری ما روشن و برهمگان معلوم گشته است که مثلا رژیم ایران چگونه از همین مسئله اختلافات دو کشور سوء استفاده کرده برای کارگران اعتصابی خط و نشان میکشد و زحمتکشان را وحشیانه به گلوله می بندد و اجکا می کند یا دآوریدادگاههای آریامهری است در حق کارگران صادر می کند (در دروند... ۲ اعدام و سه حبس ابد و حبس ۲۰ ساله علیه کارگران - بامداد ۲۸ فروردین)، حالا که برهمگان معلوم شده است که بسیج و گسیل ارتش و ژاندارمری و پاسداران بسوی مرز جز بمعنی استقرار در کردستان و سرکوب مردم کرد و نیروهای انقلابی و کمونیستی در آنجا و دیگر مناطق کشور نیست و همه فهمیده‌اند که چگونه از همین موقعیت برای حمله به دانشگاهها و مدارس و خفه کردن صدای انقلابیون و کمونیستها استفاده می کنند (رجوع کنید بطرح حمله به دانشگاهها که توسط نیروهای انقلابی افشا شده است) ما یکبار دیگر ضمن تاکید بر مواضع فوق اعلام می داریم که:

اولا اخبار مربوط به بسیج نیروهای عراقی در آنسوی مرز و اخبار درگیری‌ها عمداً مبالغه آمیز و در جهت تحریک احساسات مردم برای کشاندن آنها به ورطه جنگ، ارزیابی نه‌های گروهی ایران پخش می شود و عراق بدین شکل که ایران عنوان می کند خود را برای یک جنگ فرسایشی در مرز ایران آماده نکرده است.

ثانیا ما وظیفه خود و کلیه هموطنان مبارز می دانیم که در برابر هرگونه اقدام سرکوبگرانه و تجاوزکارانه، چه از جانب دولت عراق و چه از جانب ایران، که علیه زحمتکشان اعمال شود قاطعانه بایستیم و از دستاوردهای قیام، از شوراهای واقعی و از دستاوردهای خلقهای کرد و ترکمن که به بهای خون هزاران شهید و رنج هزاران زخمی و اسیر فراهم آمده دفاع کنیم. ما اجازه نخواهیم داد به بهانه جنگ با عراق خلق کرد را سرکوب کنند. آزادی‌های نیم بند دموکراتیک را از مردم سلب نمایند، دانشگاه‌ها به اشغال دارودسته‌های فالانژ در آیند و کارگران و دیگر زحمتکشان را به این بهانه سرکوب کنند تا پایه‌های قدرت ضدخلقی خود را تثبیت نمایند.

ثالثا ما در مقابل تجاوز عراق به تمامیت ارضی و استقلال ایران که محصول تلاش و خون زحمتکشان ماست، در مقابل تجاوز دولت ضدانقلابی عراق به حریم میهن خودمان ایران، با تمام وجود و همدوش با کلیه نیروهای مردمی، و متعهد با آنان خواهیم ایستاد. در چنین حالتی، ممکن است در یک لحظه چنین تصور شود که ما وارتش ایران در یک سنگر علیه متجاوزین به ایران قرار داریم. آری، اما از دو پایگاه و بخاطر دو هدف: ما از زحمتکشان ایران و دستاوردهای قیام شکوهمند بهمن ۵۷ دفاع می کنیم اما آنان در راه تحکیم یک رژیم ضدانقلابی. این ماهیت عمل ماست که فرق بین ما و دولت جمهوری اسلامی را آشکار می سازد. ما از انقلاب، از کارگران و زحمتکشان، هم در برابر ضدانقلابی‌های حاکم در عراق و هم در برابر ضدانقلابی‌های حاکم بر ایران دفاع می کنیم. ما تسلیم دروغهای هیچیک از این دو نمی شویم. ما در پس این اختلافات، جنگ افروزی ارتجاع - که لاجرم حامی امپریالیسم جهانی است - را می‌بینیم، آنها را افشا میکنیم، خلق را آگاه و آگاه‌تر می نمائیم و در راه تحقق آرمان زحمتکشان برای ایجاد جمهوری دموکراتیک خلق، برای همبستگی با دیگر خلقها، برای مبارزه با کلیه رژیمهای ضدانقلابی چه در ایران و چه در عراق و با هر جای دیگر دمی از پای نمی نشینیم.

در آگاهی خلق بکوشیم و ارتجاع را در پرده‌های رنگا رنگش افشا کنیم

برقرار باد وحدت رزمنده بین توده‌های زحمتکش ایران و عراق و کلیه خلقهای عرب

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و حامیان او در هرکجا که باشند

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ نمودی از ...

ما از کیفیت این قضیه وصحت وسقم آن اطلاعی نداریم واز این جهت بخود اجازه نمی‌دهیم که در مورد مضمون این خبر اظهار نظر کنیم. ورفقای "کومه‌له" خود در مورد تیکه ضروری تشخیص دهند، مسئولیت پاسخگوئی در این مورد را به عهده خواهند گرفت. اما آنچه که در اینجا مورد نظر ما ست، شیوه برخورد سفارت نادرست وعاری از احساس مسئولیت کمونیستی رفقای فدائی در این مورد می‌باشد، شیوه‌ای که در ضدیت آشکار با موازین، معیارها وتعهدات انقلابی (وحتی نه کمونیستی) قرار دارد.

بنظر ما این حرکت نه تنها از یک اشتباه ولغزش ناآگاهانه، بلکه منبعث از یک طرز تفکر وبینش انحرافی است که در روابط متقابل با نیروهای انقلابی، این چنین تجلی می یابد، چراکه این اولین بار نیست که این سازمان به روشهای تخریبی در مورد نیروهای کمونیستی دیگر دست می زند، اما در عین حال این اولین بار است که رفقای فدائی این شیوه را بکلی آشکار وعلنی وبصورت یک سیاست رسمی در پیش می گیرند.

ماکیا ولیسم یعنی برای رسیدن به هدف توسل به هر وسیله‌ای ر مجاز شمردن، یعنی برای تحقق هدف مورد نظر بر هر شیوه، طریق وراهی محه گذاشتن، هرچند که این وسیله، شیوه وراه در تقابل آشکار با تمام موازین کمونیستی وانقلابی قرار داشته باشد.

واکنون فدائیان خلق (شاخه کردستان) شیوه برخورد ماکیا ولیستی را نصب العین حرکت خود قرار داده‌اند.

قبل از هر چیز وبرای درک روشن تر این حرکت، لازم است که پی آمدهای بعدی این موضع گیری را نیز بازگو کنیم.

پس از اعلام این خبر در خبرنامه فدائیان خلق در کردستان، روز بعد، ورق پاره "مردم" ارگان حزب توده خائن، این خبر را درج کرد وپس از تائید این حرکت از سوی نویسندگان خبرنامه، آنرا دلیل وحجتی بر صحت ترهات ضدانقلابی خود دایر بر "وابسته بودن" "کومه‌له" به بعث عراق وامپریالیسم آمریکا قرار داد. روز بعد از آن، یعنی پنج شنبه ۲۸ فروردین، رادیو در برنامه بعد از ظهر خود، پس از قرائت عین این مقاله "مردم" به لحن پراکنی علیه نیروهای انقلابی (ونه تنها "کومه‌له" بلکه کلیه نیروهای انقلابی!) و بهره برداری سیاسی از این موضوع در رابطه با مسائل روز پرداخت.

بسیار خوب! آیا مسئله به اندازه کافی گویا نیست؟ وآیا نیازی به تحلیل وتفسیر بیشتر وجود دارد؟

نویسندگان خبرنامه به چه منظور دست به چنین حرکت زشتی زده‌اند؟ آیا پاسخی برای این سئوال دارند؟ چه کسانی از کشاندن چنین مسائل وموضوعاتی به سطح جامعه سود می برند وچه کسانی از آن زیان می بینند؟ حتی برای یک کودک ساده لوح نیز قابل پیش بینی بود که کشاندن این قبیل موضوعات ومسائل به سطح جامعه، تنها "حسنی" که می تواند داشته باشد، ایجاد خوراک تبلیغاتی برای رژیم وبانیان ارتجاعی است. هیئت حاکمه تمام تبلیغات مسموم کننده خویش را بر علیه نیروهای انقلابی و بخصوص نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد، حول به اصطلاح اثبات وابستگی آنها به آمریکا ورژیم فاشیستی عراق متمرکز کرده است، با هشیاری تمام در کمین است تا از کوچکترین اشتباه وحرکت غلط نیروهای انقلابی بنفع خویش سود گیرد وبه تضعیف جبهه انقلاب بپردازد. در این مورد نیز در تک راجا نزدنیست وبا توسل به این حرکت نا درست رفقای فدائی، در تلویزیون تبلیغاتی خود بر علیه نیروهای انقلابی خلق کرد دمید.

آیا نویسندگان خبرنامه، آن چنان دچار کند ذهنی شده‌اند که از درک این واقعیت ساده غافل مانده‌اند؟ آیا آنها قبل از دست زدن به حرکت نیفایت نا درست خود اندکی اندیشیده‌اند که با این حرکات خود تنها آب به آسیاب دشمن می ریزند وجبهه نیروهای انقلابی را تضعیف می نمایند؟ بدیهه ما، اینها مسائلی نیستند که نویسندگان خبرنامه از درک آنها قاصر بوده باشند، لیکن روند انحطاط ایدئولوژیکی ای که از مدتها پیش در سازمان چ.ف.خ. آغاز شده وبا سرعت غریبی به پیش می رود، اکنون دامنه خود را به شیوه وعملکردهای این سازمان در مناسباتش با دیگر نیروهای انقلابی نیز می گستراند وزمانیکه این انحطاط ایدئولوژیک در عملکردهای این سازمان با گرایشات رقابت طلبانه ومنافع تنگ نظرانه گروهی عجین می شود، حاصل آن چیزی جز در پیش گرفتن بدترین سیاست های تخریبی و روشهای ماکیا ولیستی در برابر نیروهای انقلابی نمی تواند باشد.

نمونه تیپیک وسیستماتیک این بینش ماکیا ولیستی وسیاستهای تخریبی را بخوبی می توان در عملکردهای "حزب توده" وشکست وخائن مشاهده نمود، زدوبندهای سیاسی با ارتجاعی ترین نیروها بر علیه نیروهای انقلابی، لودادن عناصر مترقی وکمونیست‌های راستین در کارخانجات وموسسات، جاسوسی در درون نیروهای انقلابی وکمونیست (منجمله در درون خود سازمان چ.ف.خ) انتشار اسناد ومدارک درونی نیروهای انقلابی (بطور مثال اسناد پلنوم سازمان چ.ف.خ ونشریه داخلی رفقای "کومه‌له"...) ایجاد نفاق وفضای مسموم در میان نیروهای انقلابی وکمونیست، تهمت زنی ودروغپردازی بر علیه این نیروها و... گوشه‌هائی از اعمال وکردار واقعی، سیاستهای تخریبی وروشهای ماکیا ولیستی است که از جانب این "حزب" در پیش گرفته شده است. سیاستها وروشهائی که رابطه تنگاتنگی با بینش وتفکر سراپا رویزیونیستی آنها دارد. اکنون فدائیان خلق نیز اعمال چنین روشهائی را آغاز کرده‌اند و مناسبات میان خود ودیگر نیروهای انقلابی کمونیست را به چنین فضای مسمومی آلوده کرده‌اند. آنها بر اساس دیدمحدود نگرپرا گماتیستی خود وبا زیر پا گذاشتن ملاحظات و مصالح عالیه جنبش انقلابی وکمونیستی، مسائلی را به سطح جامعه کشانده‌اند که صرف نظر از درستی یا نادرستی آنها (منظور مذاکره با سپاه رزگاری است) بیش از هر چیز خوراک تبلیغاتی رژیم برای تلبیک انواع افتراآت وتهمت های ناروا به نیروهای انقلابی را فراهم می کند. وواقعیت نیز چنین نشان داد، تنها کسانی از این موضعگیری وبه اصطلاح افشاگری فدائیان خرسند شدند که در دست آشکار با انقلاب ونیروهای انقلابی وبویژه انقلابیون کمونیست قرار دارند. نیروهائی از قبیل حزب توده وارگانهائی چون رادیو تلویزیون که بلندگوی هیئت حاکمه است.

رفقای فدائی می گویند:

"مذاکره میان کومه‌له وسپاه رزگاری بیش از همه جنگ افروزان ودشمنان خلق کرد را خوشحال می نماید. زیرا آنها همواره تلاش دارند با زدن اتهام وابستگی به بیگانه نوده‌های مردم را در مقابل نیرو‌های جنبش مقاومت قرار داده ونیات پلید خود را در تحمیل جنگ به خلق ما عملی سازند".

(خبرنامه ۵۱ صفحه ۲)

● روند انحطاط ایدئولوژیکی‌ای که از مدتها پیش در سازمان چ.ف.خ. آغاز شده وبا سرعت غریبی به پیش می‌رود، اکنون دامنه خود را به شیوه ها وعملکردهای این سازمان در مناسباتش با دیگر نیروهای انقلابی نیز می گستراند.

تقویت ارتش در کردستان به بهانه جنگ با عراق!

درچند روز اخیر اخبار مربوط به درگیری ارتش با مردم ونیروهای انقلابی، بار دیگر خبر از سوخته‌های "سال امنیت" می دهد. همه بخاطر داریم که قبل از قطع رابطه آمریکا با ایران وشدت یابی درگیری های بین ایران وعراق ارتش وسپاه پاسداران قصد داشتند که به بهانه مانورنظامی در مناطق مهم کردستان مستقر گردند وسپس با یورش همه جانبه، نیات خود را در سرکوبی خلق کرد ونیروهای انقلابی به اجراء درآورند. آنها در این راه از هیچ جنایتی ابا نداشتند ودیدیم که چگونه فاجعه "قهلانان" را آفریدند وچگونه حتی پیرمرد ۱۱۰ ساله وکودک ۱۵ ساله را در خانه‌هایشان قتل عام کردند! اما خشم خلق کرد علیه ضدانقلاب بی پایان است، خلق کرد به برکت آگاهی و سازمان یافتگی خود در مقابل رژیم، قادر است که از خود وارد ستاوردهایش دفاع نماید. ودشمن را شکست دهد ودیدیم که در این مرحله نیز در همان آغاز چگونه جسارت انقلابی خود را نشان داده ودر دره قاسملو وسایر نقاط ارتش ضدخلقی وسپاه پاسداران را مورد یورش قرار داد وآنها را وادار به عقب نشینی نمود.

اما کدام را با ورکنیم؟ دم خروس را با قسم حضرت عباس را؟ ادعای شما را با ورکنیم یا رفتار شما را؟ آیا بجا نیست که این خود شما هستید که با این موضعگیری خود عملاً "جنگ افروزان ودشمنان خلق کرد" را "خوشحال" کرده‌اید ودستهای آنان را در "زدن انها م وابستگی به بیگانه" باز گذاشته‌اید؟

اگر قصد شما این نبوده است که هم آوا با رژیم، انها م وابستگی را به یک سازمان انقلابی جنبش مقاومت خلق کرد بزنید، پس چگونه می‌توان این موضع شما را تحلیل نمود.

آیا یک لحظه فکر کرده‌اید که تکرار و اشاعه چنین شیوه‌هائی در سطح جنبش کمونیستی ونیروهای انقلابی، تا چه حد میتواند بر پیکر ضعیف وشکننده جنبش انقلابی وکمونیستی میهنمان ضربه وارد آورد، وتا چه حد جبهه انقلاب را تضعیف وجبهه ضدانقلاب را تقویت نماید؟ شما حتی ابائی ندارید که نام افرادی را که بقول شما از جانب "کومه‌له" ودفتر شیخ عزالدین حسینی در مذاکره شرکت داشته‌اند، فاش کنید. وآنهم لابد برای آنکه برای خود حجت ودلیل کافی داشته باشید!

براستی چرا می گوئید که اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک میان خود ونیروهای کمونیست دیگر را از یک فضای سالم خارج کرده به مجاری غیرسیاسی وانحرافی شوم با سیاست های تخریبی بکشانید؟

این حرکت شما نشان می دهد که هر آنجائی که بتوانید مبارزه ایدئولوژیک را در خدمت ارضای تمایلات گروه پرستانه ورقابت‌طلبانه خود در برابر سایر نیروها قرار میدهید ومصالح جنبش کمونیستی وحیثیت نیروهای انقلابی را وجه المصالحه این منافع ومصالح سازمانی خود قرار می دهید.

آری اولین حرکات چکمه‌پوشان در سال امنیت با مقاومت خلق کرد روبرو گردید. اما پس از قطع رابطه آمریکا با ایران ودرگیری‌های بین ایران وعراق چه از لحاظ سیاسی وچه از لحاظ اقتصادی ونظامی مسائلی برای رژیم پیش آمد که به تا وحیثیت حاکمه با بستی تاکتیک خود را در سرکوب خلق کرد تغییر می‌داد. وامروز شاهد هستیم که چنین شده است. ارتش ضدخلقی اینبار به بهانه استقرار در مرزها وتغییر وتعویض پرسنل قصد دارد، پادگانهای موجود در کردستان را تقویت نماید وبخشی از نیروی خود را در مرز ایران و عراق مستقر کند ودر فرصت مناسب از آن علیه خلق کرد ونیروهای سیاسی انقلابی ومخالف در کردستان استفاده نماید.

خلق کرد با آگاهی بر چنین اهدافی است که مانع از حرکت ستون های ارتشی می شود، حتی کودکان ودانش آموزان در سر راه تانک‌ها وتوپ های ارتش درجا ده می نشینند، زیرا که اینان نسل انقلابیون وتوطئه‌های ضدانقلاب را بچشم خود دیده‌اند. ■

انتقاد از حرکت یک نیرو در سطح جنبش زمانی ثمربخش است که بتواند خطلت سازنده داشته باشد وپیکر جنبش انقلابی را از آماج خطرات احتمالی ناشی از یک حرکت تاکتیکی احیاناً نادرست دور نماید. انتقاد باید به گونه‌ای باشد که راه هرگونه سوء استفاده و بهره برداری دشمن از ناسازگاری ها ونقصانها واختلافات موجود در جبهه انقلاب ببندد. به همین جهت هم هست که طرح علنی انتقاد و کشاندن آن بسطح جنبش تابع بسیاری ملاحظات واصولی است که رعایت آنها باید اکیداً مورد توجه قرار گیرد. وبا زبهمین جهت است که بسیاری از مسائل انتقادی را نمی‌توان وبایدبه سطح جنبش کشاند ودر معرض سوء استفاده وبهره برداری دشمن قرار داد. مورد اخیر از این نمونه است که متاسفانه ملاحظات فوق از جانب نویسندگان خبرنامه بکلی زیر پا گذاشته شده است واز همین رو موضع اتخاذ شده از جانب این سازمان، عملاً خطلت تخریبی وزیان آوری خود گرفته است وبیش از هر چیز بر پیکر جنبش خلق کرد ونمایندگان سیاسی آن لطمه وارد می آورد.

بهر صورت سخن را در اینجا کوتاه میکنیم ودر پایان نسبت به ادامه چنین روش وشیوه‌هائی هشدار می دهیم. وبا تاکید بر زیانهای ناشی از اعمال این روش وسیاستها، از کلیه نیروهای انقلابی وبخصوص انقلابیون کمونیست می خواهیم از افتادن به دامان چنین روش ها وسیاست های تخریبی وغیرانقلابی واقعا بپرهیزند وهمچنین از سازمان چ.ف.خ مصرانه می خواهیم که موضع خویش را در برابر این روش وسیاست اتخاذ شده از جانب شاخه کردستان این سازمان صریحاً روشن نماید.

★ ★ ★

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بمناسبت صدودهمین سالگرد تولد لنین (۲۲ آوریل - دوم اردیبهشت)

لنین وپیکارتاریخی اش علیه رویزیونیسم

"لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریا است، دقیق تر، لنینیسم بطور کلی تئوری و تاکتیک پرولتاریا و بطور اخص تئوری و تاکتیک دیکتاتوری پرولتاریا می باشد".

(استالین)

مارکسیسم محصول تکامل علوم و مبارزه طبقاتی پرولتاریا، در جامعه سرمایه داری بوده و مارکس در تجزیه و تحلیل شیوه تولید سرمایه داری و جامعه بورژوائی، نقش تعیین کننده طبقه کارگر در واژگونی نظام سرمایه را مشخص ساخته و آموزشهای علمی خود را استنتاج می کند. حال آنکه لنینیسم هنگامی متولد میشود که سرمایه داری رقابت آزاد به مرحله انحصاری و امپریالیستی خود تکامل یافته، تضادهای ذاتی نظام موجود تشدید شده، مبارزه طبقاتی دامنه یافته و جامعه در آستان انقلاب پرولتری قرار گرفته است. لنین مرحله جدید از توسعه سرمایه داری یعنی امپریالیسم را تشریح نموده، قوانین حاکم بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا را مشخص کرده و انقلاب پرولتاریائی را به عنوان دستور العمل روز طبقه کارگر نتیجه می گیرد. لنین برپایه آموزشهای مارکسیستی، مارکسیسم را تکامل میدهد و لنینیسم را بوجود می آورد. لنینیسم "سلحه" طبقه ایست که واژگونی دیکتاتوری و دموکراسی بورژوائی و برپائی شوراها و دموکراسی پرولتری را در دستور خود قرار داده است. لنینیسم "سلحه" پرولتاریا ثابت که در جهت کسب قدرت سیاسی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا حرکت می کند.

لنینیسم با تئوری و تاکتیک پرولتاریا دستاورد لنین است و دستاوردهای لنین عظیم است: مارکس در "سرمایه" خود سرمایه داری ما قبل انحصار را بررسی می کند ولی لنین به تحلیل آخرین مرحله سرمایه داری یعنی امپریالیسم می پردازد، تکامل متناموزون سرمایه داری را توضیح می دهد و براین اساس چنین نتیجه می گیرد که در دوران امپریالیسم پیروزی سوسیالیسم در چند و حتی یک کشور سرمایه داری نیز امکان پذیر است. لنین به رد پارلمانتاریسم بورژوائی می پردازد، انقلاب اجتماعی را بعنوان محصول تشدید مبارزه در جامعه طبقاتی نتیجه میگیرد و نظریه دیکتاتوری پرولتاریا را بسط و توسعه می دهد، اوقدرت حاکمه شوروی را بمثابه شکل دیکتاتوری پرولتاریا کشف کرد، متحدین طبقه کارگر را مشخص ساخت و نشان داد که دموکراسی "پرولتاریائی عالی ترین نوع دموکراسی در جامعه طبقاتی است.

لنین نظرات مارکسیستی درباره مسائل ملی و مستعمراتی را گسترش می دهد، او رابطه مستقیم مسئله مستعمرات با امپریالیسم را نشان می دهد و این مسئله را با مسئله سرنگون ساختن امپریالیسم مربوط می سازد و بالاخره مسئله ملی را جزئی از مسئله انقلاب جهانی پرولتاریائی اعلام می نماید. او بطرح این اصل می پردازد که نه تنها انقلاب علیه سرمایه و بورژوازی با پدیه رهبری پرولتاریا باشد، بلکه انقلاب توده ای علیه ارتجاع و امپریالیسم تنها تحت هژمونی و رهبری طبقه کارگر می تواند پیروز گردد. بعلاوه لنین مطرح می کند انقلاب و دیکتاتوری پرولتاریا فقط از طریق حزب می تواند رهبری شود و استخوان سوسیالیسم بدون حزب و با عالی ترین شکل سازمان طبقاتی پرولتاریا غیر ممکن است.

لنینیسم در مبارزه علیه رویزیونیسم شکل گرفت

لنینیسم با اتکاء به مارکسیسم در جریان مبارزه طبقاتی بوجود آمده و تکامل یافت. ولی به جرات باید گفت اگر مبارزه لنین علیه رویزیونیسم و اپورتونیسم نبود، لنینیسم شکل نمی گرفت. شکل یابی لنینیسم با مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر علیه رویزیونیسم عجین شده است. لنین تمام آثار پرجنته خود را بحول افشای ارتداد و خیانت رویزیونیستها و اپورتونیستها به رشته تحریر درآورد. در دوران امپریالیسم اگر لنینیسم محصول تکامل مبارزه پرولتاریا علیه امپریالیسم است، رویزیونیسم محصول کندیدگی و طفیلی گری امپریالیسم می باشد و بنابراین لنینیسم نمی تواند نسبت علیه رویزیونیسم مبارزه نکند. لنینیسم اعلان جنگی بود علیه رویزیونیستها و اپورتونیستهای "انترناسیونال دوم" که به سازش با بورژوازی پرداخته و مارکسیسم را زنده بگور نموده بودند. لنینیسم علیه ارتداد قیام کرد و مارکسیسم را یک مرحله دیگر تکامل بخشید. رفیق استالین می گوید:

"لنینیسم در نبرد علیه اپورتونیستهای بین الملل دوم که نبرد با آنها برای توفیق در مبارزه بر ضد سرمایه داری شرط لازم و اولیه می باشد، پرورش یافته و مستحکم شده است".

(اصول لنینیسم)

پس از مرگ مارکس و انگلس اپورتونیسم برای یکدوره داری سیادت و تسلط کامل است. "انترناسیونال دوم" بجای گسترش مبارزه طبقاتی برای تصرف قدرت سیاسی، راه سازش طبقاتی و ارتداد را در پیش گرفته بود و بجای تئوری "انقلاب و پیشبرد مرا نقلاب راه خیانت و روی برتافتن از انقلاب را در دستور خود قرار داده بود. "انترناسیونال دوم" توسط رهبران مرتد خود به ارگانی در خدمت بورژوازی و علیه پرولتاریا تبدیل گشته بود، تنها لنینیسم بود که با مبارزه پیگیر خود گندیدگی و تعفن اپورتونیسم حاکم بر انترناسیونال دوم" را برملا ساخته و ورشکستگی آنرا اعلام می کند و سپس سازمان نوین یعنی "انترناسیونال سوم" را برپا می دارد. به تحقیق با بدگفت بدون مبارزه مستمر علیه اپورتونیسم و رویزیونیسم انقلاب پیروزمند اکتبر غیر ممکن بود.

چرا علیه رویزیونیسم باید مبارزه کرد؟

در اینجا ما در پی آن نیستیم تا نمای دستاوردهای لنین را توضیح دهیم، بلکه کوشش می کنیم تا فقط یک جنبه از لنینیسم یعنی مبارزه ضد رویزیونیستی لنین را بطور مختصر تشریح نمائیم. ضرورت دوچندان این امر در ارتباط با اوضاع جنبش کمونیستی ایران قرار می گیرد. با توجه به خطر عمده ای که جنبش بین المللی کمونیستی و نیز جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران را تهدید می کند، با توجه به ضربات مهلکی که تا به اکنون رویزیونیسم به جنبش کمونیستی ایران وارد آورده است، مبارزه ضد رویزیونیستی نیروهای کمونیست اهمیت تعیین کننده ای دارد.

امروز رویزیونیسم جنبش کمونیستی میهن ما را از دو سو مورد حمله قرار داده است: حمله اول از جانب رویزیونیسم شوروی و حزب توده مرتد می باشد و حمله دوم از جانب رویزیونیسم چین است. لیکن آنچه که دارای عمل کرد و فعلیت گسترده می باشد، همان رویزیونیسم شوروی و کارگزاران بومی اش میباشد. ضربات که این جریان رویزیونیستی به جنبش ما وارد آورده، بسیار می باشد. میزان عمق این ضربات در شرایط فعلی به نقطه ای رسیده که سازمان چریکهای فدائی را در لبه پرتگاه هولناک رویزیونیسم تمام عیار قرار داده است. رویزیونیسم مانند عنکبوت زشتی بطور موذیانه در حال تنیدن تارهای خود می باشد. رویزیونیسم از بیرون حمله میکند و در عین حال دشمنی است که از درون درپی گرفتن سنگر پرولتری است. رویزیونیستها عاملین سیاست و مشی بورژوائی هستند، هر قدمی که آنان به پیش بگذارند، یک ضربه بر سنگر پرولتاریا وارد آمده است.

اگر ما نتوانیم رویزیونیسم را بطور همه جانبه محاصره کنیم، ماهیت و جوهر ضد پرولتاریائی آنرا برملا نمائیم و اگر ما نتوانیم دانش مارکسیستی - لنینیستی و مبارزه ضد رویزیونیستی خود را ارتقاء بخشیم و صفوف خود را از اندیشه ها و سموم ایدئولوژیک رویزیونیستی و عاملین آنها پاکیزه کنیم، بدون شک طعمه بورژوازی خواهیم شد. هیچگاه عظیم ترین مبارزه علیه رویزیونیسم "زیاده روی" نخواهد بود، مبارزه مترک علیه امپریالیسم و در راه آزادی طبقه کارگر، جدا از مبارزه ای همه جانبه علیه رویزیونیسم بورژوائی نخواهد بود. رفیق استالین می گوید:

"چه بسا رفقای ما (نه فقط منشویکها!) لنین را متهم میکردند به اینکه به جر و بحث و انشعاب و مبارزه "آشتی ناپذیر با مصالحه جویان و غیره تمایلی بیش از حد دارد. شکی نیست که هم این و هم آن بموقع خود وجود داشته است. ولی فهم این موضوع مشکل نیست که اگر حزب ما عناصر غیر پرولتاریائی و اپورتونیست را از صفوف خود نمیراند، نمی توانست از قید ضعف داخلی و انهام خلاصی یابد و نمی توانست به آن نیرو و استحکامی که ذاتی اوست دسترسی یابد. در دوران سیادت بورژوازی رشد و تحکیم حزب پرولتاریا فقط وابسته به میزان مبارزه ایست که این حزب بر ضد عناصر اپورتونیست، ضد انقلابی و ضد حزبی در محیط خود و طبقه کارگر دنبال می نماید... لنین هزار بار حق داشت که حزب را به راه مبارزه "آشتی ناپذیر علیه عناصر ضد حزبی و ضد انقلابی سوق میداد".

(لنین، سازمان دهنده و پیشوای حزب کمونیست روسیه)

پرولتاریا برای براندختن نظام سرمایه داری و استقرار کمونیسم می جنگد. تحقق این هدف فقط با اتکاء به یک مشی پیگیر و جنگجویانه میسر است. حال آنکه رفرمیسم و رویزیونیسم در میان طبقه کارگر و توده ها رفرم و اصلاحات در چهارچوب مناسبات حاکم را تبلیغ می کند. رویزیونیسم به سازش پنهان و آشکار با بورژوازی دست می زند و در عمل بوغ بردگی و استثمار پرولتاریا را تائید می کند و می کوشد تا توده ها را با روحیه ای محافظه کارانه و سازشکارانه تربیت نماید. رویزیونیسم بجای ایده آشتی ناپذیری نسبت به قدرت و نظام مستمگر حاکم، ایده مماشات و آشتی را در ذهن توده ها رواج می دهد، حال زمانی که طبقه کارگر و توده ها در گرداب تفکرات رویزیونیستی و رفرمیستی فرو روند و اسیر سموم ایدئولوژیک بورژوائی گردند، دیگر نمی دانند راه نجات کدام است و تاریخ چگونه بجلو سوق پیدا می کند.

بنابراین برای اینکه طبقه و توده ها به لزوم سرنگونی نظام حاکم برسند و بر ضرورت استقرار قدرت انقلابی خود دست یابند هیچ راهی نیست جز اینکه مبارزه علیه ارتجاع و بورژوازی موجود با مبارزه علیه رویزیونیسم بمثابه پاسدار نظم بورژوائی تلفیق یابد. آری راه سرنگونی قدرت سیاسی بورژوازی از راه مبارزه و پیکار سخت علیه رویزیونیسم می گذرد.

این درسی است که لنینیسم بما می آموزد. حال برای آنکه بتوانیم با رویزیونیسم در اشکال آشکار و پوشیده آن مبارزه کنیم و در راه نبرد با امپریالیسم و رهائی طبقه کارگر استوار به پیش رویم، باید از آموزش لنین درباره رویزیونیسم شناخت لازم پیدا نمائیم. باید در نزد لنین ماهیت رویزیونیسم را شناسیم و اهمیت تاریخی مبارزه علیه رویزیونیسم را درک کنیم. ادامه دارد....

بقیه از صفحه ۲

توطئه ارتجاع ...

با چوب و پنجه پوکس ضمن حمله بیکی از خوابگاهای پسران دانشگاه ها علامیه ها و پلاکارد ها را پاره کردند. چون با مقاومت دانشجویان خوابگاه روبرو شدند پا به فرار گذاشتند. حمله اینان بقدری وحشیانه بود که مرتجعین متحصن!! مجبور شدند اینگونه اعمال را به ظاهر محکوم کنند. اما برهانگان واضح است تمام این اعمال با رهبری و سازماندهی همین مرتجعین انجام گرفته است.

جالب اینجاست که از جمله کسانی که در جمع این دارودسته است، "سلیمی خلیق" استاد فیزیولوژی دانشکده پزشکی است. این شخص در سال ۵۲ زمانی که دانشجویان در اعتراض به سرکوب تظاهرات ۱۵ خرداد همان سال درقم، حاضر به شرکت در امتحان نبودند مأموران گارد را به سرکردگی سروان جوادی معدوم بر سر جلسه امتحان آوردند و دانشجویان را تهدید نمود. او یکبار هم توسط دانشجویان انقلابی مورد حمله قرار گرفت که متواری شد.

متحصنین! مرتجع از روز پنجشنبه به شایعاتی در مورد تعطیل دانشگاه تا "تصفیه انقلابی" آن دست زده اند که با عکس العمل نیروهای انقلابی و مترقی روبرو شده اند و دانشجویان آگاه و انقلابی اعلام کرده اند که بهیچ وجه حاضر به تعطیل دانشگاه نیستند و بشدت در مقابل آن خواهند ایستاد.

● ● ●

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

گزارش مراسم بزرگداشت سالگرد شهادت رفیق ناصر توفیقیان در اصفهان

یک کبوتر سفید،
با لکه خونی بر سینه
بر میکند بسوی آزادی
بسوی قله های رهائی

رفیق ناصر دانشجو ـ کارگر در ۱۸ فروردین سال ۵۸ یعنی در اولین هفته های حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی! گلوله های آتشینی را که از سوی کمیته چی ها شلیک میشد در سینه سرخ خود جای داد و به شهادت رسید. بهمین مناسبت از طرف دانشجویان و دانش ـ آموزان هوادار سازمان در اصفهان و دانشجو ـ یان مبارز میتینگی در محوطه جلوی دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان برگزار گردید.

مراسم با شرکت چند هزار نفر با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد شهدای بخون خفته خلق آغاز شد و سپس سرود انترناسیونال که جمعیت نیز با آن همراهی میکرد پخش گردید. و آنگاه پیام دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان قرائت شد. در این پیام به عملکرد ـ های رژیم در برابر جنبش کارگری و توده ها اشاره شده بود. عملکردهائی که از حمله و فریب شروع شده و با سرکوب وحشیانه توده ها ادامه دارد. همچنین پیام دانشجویان مبارز خوانده شد. سپس علی عدالت فامیکی از نمایندگان کارگران بیکار تهران آغاز بسخن کرد. او با نفس گرم و با لحن شیوای خود که سخنان پر محتوائی را با زبانی ساده بیان میداشت، جمعیت را به شور آورده بود. عدالت فام که از طرف دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان دعوت شده بود به لزوم اتحاد و یک ـ پارچگی و داشتن تشکیلات در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی طبقه کارگر و توده ها اشاره و نقش روشنفکران انقلابی را در این پروسه مبارزاتی تصویر نمود. و چه خوب با آوردن مثل "درخت تنومند چنار و نیلوفر نازک نارنجی" بلزوم تشکیلات در مبارزه کارگران تکیه کرد و اشاره نمود که طبقه کارگر با داشتن تشکیلات همانند چنار تنومند میشود که سهمگین ترین بادها نیز بر آن کاری نخواهد کرد. او از تجارب خود در مبارزات کارگران بیکار تهران سخن بمیان آورد و تکیه دوباره بر اینکه واقعاً "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است".

سخنران بعدی که از طرف دانشجویان مبارز بود در رابطه با هیئت حاکمه و چگونگی برخورد گروههای مختلف به آن صحبت کرد. در ادامه مراسم کارگری که از طرف کارگران بیکار کرج برای اعلام همبستگی آمده بود، رشته کلام را بدست گرفت. وی اشاره به کشتار رژیم در گوشه و کنار کشورمان نمود و این کشتارها را با کشتارهای وحشیانه رژیم شاه خائن مقایسه کرد. وی گفت: همچنانکه در گذشته (منظور دوران شاه) چهلم هر شهیدی مبارزات توده ها اوج بیشتری می بخشید، هم اکنون نیز چنین است. اما با یک تفاوت و آن اینکه طبقه کارگر میرود تا مهر طبقاتی خویش را بر این مبارزات بکوبد. رفیق کارگر با آرزوی تحقق جمهوری دموکراتیک خلق سخنان خود را به پایان برد.

در رابطه با مراسم، گروههای مختلفی پیام فرستاده بودند. از آن جمله اند: حوزه اصفهان سازمان، گروهی از کارگران بیکار اصفهان، گروهی از کارگران ذوب آهن، گروهی از دیپلمه های بیکار، دانشجویان پیشگام اصفهان، دانشجویان هوادار راه کارگر، گروهی از استادان دانشگاه اصفهان و ...

این مراسم بدون حمله چماق بدستان ارتجاع (علیرغم تهدیدات قبلی آنها) با شعار مرگ بر آمریکا دشمن اصلی خلقهای ما، به پایان رسید. ■

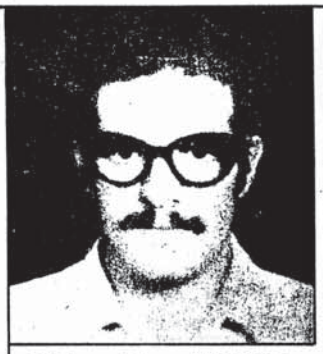

شعری از یک رفیق کارگر هوادار سازمان در اصفهان:

تقدیم به روزنامه پیکار

بیاد رفیق شهید ناصر توفیقیان در نخستین سالگرد شهادت او

هنوز دو ماه از قیام نگذشته بود
هنوز خون شهیدان انقلاب خشک نشده بود
هنوز بوی خون و باروت از فضا می آمد
که یک بار دیگر صدای رگبار مسلسل بپا خاست
همه از هم سئوال می کردند:
آیا ساواکی اعدام کردند؟
آیا جاسوس آمریکائی اعدام شد؟
آیا خائنی به خلق اعدام شد؟
صدائی با بانگ بلند فریاد زد:
نه نه
این فرزند راستین خلق بود که شهید شد
این ارتجاع بود که یک بار دیگر کارگران را
بگلوله بست
این حامی سرمایه دار بود که سینه کارگر را
شکافت
این جلاد جدید بود که سینه کارگر را شکافت
و این ناصر قهرمان بود که بخون در غلطید
و اینک یک سال می گذرد
ما سوگند می خوریم
سوگند بخون همه شهدا
سوگند به کودکان یتیم بی پناه
سوگند به تمام زحمتکشان
که تا آخر راهت را ادامه می دهیم
راهی که هدفش نابودی ظلم و استثمار است
راهی که هدفش پیروزی کارگران است
و ما هرگز از راه خود برنخواهیم گشت
تنها یک راه هست
تنها یک راه هست
و آن بوجود آوردن حکومت پرولتاریا

(فواد)

مراسم گرامیداشت شهادت رفیق ناصر توفیقیان در تبریز

بدعوت کمیته آذربایجان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر روز ۱۸ فروردین مراسمی در دانشگاه برای بزرگداشت خاطره رفیق ناصر توفیقیان و طرح مسائلی درباره بیکاری و ... برگزار گردید. در این مراسم ابتدا رفیقی درباره شهادت "ناصر" صحبت نمود و گفت: با بدنقول رفیق لنین چنین مراسمی را به جلسه طرح وظایف مبدل ساخت. وی آنگاه درباره ترورهای ارتجاع و وظایف کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی در مقابل این ترورها، اضافه کرد که: وقتی ارتجاع بیندیشد بر ترورها، نظامیگری، میتینگ ها و اعتصابات پا می گیرد و خشم توده ای برانگیخته میشود، نمی تواند بسادگی به اینکار دست بزند. بنابدگذاشت این ترورها برای رژیم ارزان تمام شود. رفیق سپس با توجه به اینکه رفیق ناصر دانشجو بود، به وظایف روشنفکران در قبال جنبش طبقه کارگر پرداخت. در قسمت دیگر این مراسم رفیق کارگری با اشاره به تهدید بنی ـ صدر اظهار بیم کرد که اگر کارگران اعتصاب و ... بکنند مردم را برای سرکوب آنها بکارخانه خواهد برد گفت: "اینکه بنی صدر کارگران را ضد انقلابی می داند از ما هیچش که حامی سرمایه ـ داران است برمی آید. ما می گوئیم مردم چه کسانی هستند؟ مگر همین کارگران و زحمتکشان نیستند؟ معلوم است آقای بنی ـ صدر منظورش از مردم همان پاسداران و ... هستند"! وی سپس به کارگران هشدار داد که همزنجیران خود را آگاه کرده و نشان دهند که این اعمال بنفع امپریالیسم میباشد. در اینجا شعار "با شاهین کارگر، محو الیون سرمایه دار" (زنده باد کارگر، نابود باد سرمایه دار) در بالن طنین انداخت. آنگاه رفیق کارگری شعری بنام "ببرا بشلیمین انسانام من" (من انسانی کارگرم) خواند که مورد استقبال قرار گرفت.

سپس پیام سازمان پیکار حوزه اصفهان خوانده شد و آنگاه رفیقی از کارگران بیکار صحبت نمود و به توطئه رژیم در بستن کارخانه ـ ها اشاره کرد و گفت: با پیام نوروزی و با عفو ساواکی ها دیگر از این سمبل کارگران مبارز را تصفیه خواهند کرد. او از کارگران و زحمت ـ کشان خواست که در رابطه با تعطیل کارخانه ایرداک به آگاهگری پرداخته و از طریق شوراها و ... متحدانه عمل کرده و توطئه را خنثی نمایند. رفیق در این رابطه به تجزیه تحلیل یکی از کارخانجات اراک و سپس حمایت سایر کارخانجات از آن اشاره نمود.

پس از آن رفیق دیگری طی سخنانش ابتدا بعلل بیکاری اشاره نموده و آنگاه رشد مبارزه بیکاران در شهرهای مختلف کشور و تشکل های گوناگون آنان را توضیح داد. رفیق سپس دادن وام به کارگران را از طریق خودکانون کارگران بیکار اشتباه خواند و آنرا با شرکت کارگران در نوراهای مدیریت و قرارگرفتن آنان در مقابل کار ـ گران مقایسه نمود. وی در ادامه صحبت هایش به سرکوب کردستان و سپس از آن به توطئه های استاندار آذربایجان شرقی، انحلال تشکل بیکاران از طریق دعوت بیکاران به مساجد، ثبت نام از آنها، دادن وام به تعدادی برای سرمایه گذاری و ... اشاره نمود و حمله شب عید را به کارگران بیکار، محکوم کرده و خواستار آزادی کارگران زندانی گردید.

جلسه با پیام دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان در تبریز به پایان رسید. ■

بقیه از صفحه ۸

در راهپیمائی...

پیچیده تر و ریشه دارتری دارد. این حضور ریشه در مناسبات استثمارگرانه تولیدی، تجاری و مالی و ماهیت دستگاه حکومتی و در نهادهای زنگ زده اداری و ارتشی و هزاران رشته مرئی و نامرئی دیگر دارد. امپریالیسم از دهای هزار سری است که فقط یک سرآن ـ در روابط سیاسی و دیپلماتیک ـ علنی حضور دارد. مگر همین دولت ضدخلقی عراق نیست که با وجود اینها قطع ظاهری روابط دیپلماتیک آن با آمریکا باز دلیل ماهیت طبقاتی اش به سود امپریالیسم آمریکا عمل میکند و این جنس دست خود را بخون زحمتکشان عراق و نجاورینه میهن ما آلوده کرده است. بنابراین با بدنامی ناخکهای این اژدهای خونخوار را ساخت و به نابودیش پرداخت و فقط به این ترتیب است که میتوان مبارزه ضد امپریالیستی واقعی را در تمام نانرو پودجامعه وابسته ما جاری ساخت. اولین و مهمترین گام در این مسیر پرستکلاخ آن است که مردم ما بدانند براستی چه کسانی از قطع رابطه و وابستگی ما به آمریکا و امپریالیسم جهانی خوشحالند و چه کسانی نارا حتند. بنابراین ما مرکت ـ کنندگان در این راهپیمائی ـ که به مناسبت قطع رابطه سیاسی بین ایران و آمریکا، و به خاطر تعمیق هرچه بیشتر این مبارزات ضد امپریالیستی در انجا گرد آمده ایم، با صدور این قطعنامه اعلام میداریم:

۱ ـ مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه بر علیه نظام سرمایه داری وابسته و رژیم حاکم بر آن جدا نیست.

۲ ـ مبارزه ضد امپریالیستی به معنی واقعی تنها با بسیج مردم در همه عرصه های تولیدی، سیاسی و نظامی و در نوراهای واقعی آنها میسر است و جز این هر چه هست عوامفریبی است.

۳ ـ مبارزه ضد امپریالیستی واقعی بدون اتحاد همه نیروهای مترقی و انقلابی اعم از کمونیستها و دموکراتها میسر نیست، مبارزه به اصطلاح ضد امپریالیستی زیر پرچم هیئت حاکمه، همانطور که تجربه چندساله پس از سقوط دقیقاً نشان داد سرابی بیش نیست. از همین رو ما از همه نیروهای کمونیست و دموکرات انقلابی که هرگونه توهم و خوشبینی بی پایه را از خود بدور کرده و با فرده کردن صفوف خود مستقل از هیئت حاکمه ضدخلقی این مبارزات را عمق واقعی بخشند.

۴ ـ کروکان های جاسوس آمریکائی باید فوراً محاکمه شده و تنها در قبال بازـ گشت ثاخائی و استرداد اموال او و همچنین اموال معادره شده ایران در آمریکا پس داده شود و نیز تمامی قراردادهای اسارت بار اقتصادی، سیاسی و نظامی با امپریالیسم باید لغو و افشاء گردند.

۵ ـ ما اقدامات ضدخلقی دولت عراق را که علیه کشور ما و زحمتکشان عراق صورت می گیرد محکوم کرده و حمایت قاطع خود را از نیروهای انقلابی و کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان عراقی اعلام می کنیم.

۶ ـ شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، سربازان و ... در پاداری خلق ما بر علیه امپریالیسم آمریکا و سازشکاران داخلی است. مردم ما دوستان و دشمنان خود را در رابطه با تقویت و یا تضعیف آنها خواهند شناخت. از همین رو ما هرگونه توطئه و سرکوب را که هیئت حاکمه و رئیس جمهوری برای سرکوب این نهادها انجام می دهند، شدیداً محکوم کرده و آنها را به منزله خلع سلاح توده ـ ها در قبال امپریالیسم می دانیم.

۷ ـ ما هرگونه تلاش و کوشش برای خلع سلاح نیروهای انقلابی و توده های مبارز را در جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و کمک به ابقای نفوذ امپریالیسم آمریکا دانسته و آنرا محکوم می نمائیم.

۸ ـ ما تجدید سازمان ارتش را که بر اساس نابودی شوراهای سربازان، درجه داران پرسنل انقلابی و افسران جزء صورت میگیرد، و همچنین ابقاء و تثبیت فرماندهان آمریکا ـ ئی را در آن شدیداً محکوم نموده و اعلام می ـ داریم که چنین ارتشی در نهایت بصورت بهترین ابزار سلطه مجدداً امپریالیسم در ـ خواهد آمد.

۹ ـ ما حمایت خود را از تمام خلقهای ایران بویژه خلق کرد اعلام می داریم و هر

بقیه در صفحه ۶

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

تحصن خانواده‌های زندانیان درود

خانواده‌های زندانیان وقایع اخیر درود، روزشنبه ۵۹/۱/۲۳ در اعتراض به کشتار بیگناران واحکام بیدادگاه اسلامی شهر در مورد شش تن از بیگناران، دست به تظاهراتی در سطح شهر زده و سپس در دادگستری متحصن شدند و ضمن صدور قطعنامه‌ای اعلام داشتند که تا رسیدگی به خواستهایشان دست از مبارزه نخواهند کشید:

۱ – بیرون رفتن پاسداران غیربومی
۲ – دستگیری و محاکمه علنی عاملین کشتار مردم بیگناه
۳ – آزادی بدون قید و شرط تمام دستگیر شدگان.
۴ – متوقف شدن پرونده‌سازیهای دروغین و دستگیری‌ها و شناسائی‌ها علیه نیروهای انقلابی و مبارز.■

بقیه از صفحه ۱

شش تن ...

وضع بیگناران چگونه است؟

همانطور که گفتیم هم اکنون صدها هزار نفر بیگناران از این میان بسیار ندکسانی که بیش از یکسال است که کاری پیدا نکرده‌اند. آنها چگونه می‌بایست زندگی کنند؟ اصولا چطور می‌توانند زنده بمانند؟ قرض بکنند...؟ آخر تاکی می‌توان از این و آن قرض گرفت؟ جواب طفل خردسالی را که در خانه گرسنگی می‌کشد و بیگاری و این حرفها سرش نمی‌شود، چه باید داد؟

اینها سئوالاتی است که همواره چون پتک محکمی بر سر بیگناران کوبیده می‌شود. آنها نامه می‌نویسند، شکایت می‌کنند، بارها و بارها به مقامات مسئول مراجعه میکنند و جویای کار می‌شوند، ولی با اینهمه نتیجه‌ای نمی‌گیرند. پس چه باید بکنند؟ چنین است که تظاهرات تحصن و اعتصاب برپا میکنند تا مگر مسئولان امر را وادار به رسیدگی به خواسته‌هایشان نمایند. ولی می‌بینیم که هیئت حاکمه خود را زیر پرچم دروغین مبارزه با امپریالیسم آمریکا مخفی کرده و هرگونه حرکتی را کار "ضد انقلاب" می‌خواند و از یکطرف قانون پشت قانون وضع می‌کند که تحصن و اعتصاب "حرام" و "ممنوع"، و از طرف دیگر پاسداران را می‌فرستد تا اجتماعات حق طلبانه کارگران بیکار را بگلوله ببندند! نمونه‌اش را در شهرهای اندیمشک، دزفول، ماه‌شهر و دهها شهر دیگر دیده‌ایم و در آینده نیز خواهیم دید. ولی سرکوب و کشتار زحمتکشان تنها به گلوله بستن اجتماعاتشان محدود نمی‌شود، به نمونه درود توجه کنید:

در شهر درود چه گذشت؟

روز ۵۹/۱/۱۶ که بیکاران این شهر بخاطر رسیدگی به وضع نابسامانشان اجتماع کرده بودند، مورد حمله پاسداران قرار گرفتند. چهار نفر شهید، بیش از ده نفر زخمی و بالغ بر یکصد اسیر نتیجه این حمله وحشیانه بود. ولی از آنجا که علیرغم این کشتار زحمتکشان نتوانسته بودند مردم را به سکوت وادارند برای ایجاد رعب و وحشت بیشتر تصمیم تازه‌ای گرفتند:

زندانیان به بیدادگاه اسلامی کشیده شدند

همه قبیل بیدادگاه اسلامی درود در یک جلسه غیرعلنی، شش تن از بیکاران زندانی را به مجازات اعدام و حبس ابد محکوم کرد: حسن فاتحی (کارگر ۲۴ ساله) و مرتضی دژآگاه (دستیار بیکار، ۲۳ ساله) هر دو به اعدام و چهار تن دیگر بنامهای اسماعیل یار محمدی (کارگر، ۲۳ ساله)، رمضان حسنودی (کارگر، ۱۸ ساله)، اسماعیل اعلائی (۲۲ ساله) به حبس ابد و مسعود فرنودوسی به مدت ۲۰ سال زندان محکوم شدند!

رژیم با این عمل خود باز دیگر نشان داد که اگر جلاد واکی‌ها را آزادی گذارد و حاضر است آمریکائی را به اعتراف خودش "شر و خشک" می‌کند، ولی در عوض در مقابل خواست‌های عادلانه زحمتکشان حرفی جز گلوله و زندان ندارد. به امپریالیسم آمریکا، شعار و به زحمتکشان ایران گلوله. به رژیم بیعت عراق با شرایط و روشهای کردستان بعث، با نشست سیاست هیئت حاکمه در شرایط جاری!

هموطن مبارز

اجازه ندهید که رژیم زیر فریادهای دروغین ضد آمریکائی به سرکوب زحمتکشان بپردازد. صدای اعتراض خود را بر علیه احکام بیدادگاههای ضد انقلاب را سر کردانید و برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی و بویژه بیکاران زندانی درود به مبارزه سر خیزید!

مردم زحمتکش ایران فریب عوامفریبان را نخواهند خورد

زندانیان سیاسی باید بی درنگ آزاد شوند

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱/۲۹

دزدی حزب جمهوری اسلامی

از بنیاد مستضعفین شاهین شهر

اخیراً اسنادی توسط "کارکنان مسلمان عمران شاهین شهر وابسته به بنیاد مستضعفین" افشا شده است که نشان می‌دهد چگونه اموال بنیاد توسط حزب جمهوری اسلامی به تاراج برده میشود. این حزب رسوا که مزورانه خود را طرفدار مستضعفین قلمداد می‌کند، اباشی ندارد از اینکه اموال عمومی را بسرقت برده و در جهت منافع آزمندانه خود بکار برد.

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" (حوزه اصفهان) ضمن تکثیر این اسناد، در شرحی که بر آن نوشته است پرده از چهره این حزب عوامفریب برداشته و نشان می‌دهد که این زاهدان ریائی چگونه در شرایطی که میلیونها نفر از مردم زحمتکش ما در چنگال فقر و بیکاری اسیرند، تنها و تنها بفکر پر کردن جیب‌هایشان هستند. در زیر اسنادی را که توسط کارکنان بنیاد مستضعفین شاهین شهر انتشار یافته، می‌خوانید:

سند شماره ۱ (دست راست بالا) متن این سند حاکی از تحویل ده دستگاه تلفن متعلق به شرکت عمران شاهین شهر به حزب جمهوری اسلامی قید شده است. این سئوالات مطرح می‌شود که: آیا در اساسنامه حزب جمهوری اسلامی قید شده است که از اموال مستضعفین برای کارهای خود استفاده نمایند؟ مگر حزب یک سازمان سیاسی مستقل نیست؟ پس چرا از اموال بیت المال استفاده میکنند؟ اصولا چرا باید شرکت عمران شاهین شهر، اموالش در اختیار حزب و دسته خاصی قرار گیرد؟! حتی بصورت امانت؟!

سند شماره ۲ (پائین سمت راست) اولا تحویل تلفن بیست شماره‌ای مذکور به حزب جمهوری اسلامی با عث قطع شدن تمام شماره‌های تلفن داخلی شرکت شده و تنها تلفن بیست شماره شرکت در اختیار حزب جمهوری اسلامی می‌باشد.

سند شماره ۳ (بالا – چپ) طبق سند فوق چاپ رتن کودفسفاته را تحویل گرفته است، مگر کودا تندکان روزنامه مذکور هزینه چاپ و نشر روزنامه را از طریق کنار روزی تامین می‌نمایند؟

سند شماره ۴ هفت قلم وسائل محتوی سند تحویل حزب جمهوری اسلامی شده است و مشاهده میشود که برخلاف اسناد قبلی کلمه امانت در این سند به کار برده نشده و می‌بینیم که استعلام قیمت نیز نگردیده است، چرا؟...

چون ... مسئول شرکت عمران شاهین شهر در آن زمان آقای حسین مصطفوی یکی از مسئولین حزب جمهوری اسلامی می‌باشد.

بقیه اسناد بعد افشا خواهند شد....■

شرح اسناد:

(متن ردیف بالا)

(متن ردیف بالا)

توجه

این اسناد مقدار کمی از اسناد موجود است

بقیه از صفحه ۹

طبقه کارگر ...

نیروی بحق خود را برخواستیم و استعمارستیز کنیم. آنها دیگر نمی‌توانند بدوکانه سوزوازی و ستم نواستعماری با تکی و نیروانستگی کشور را به واشنگتن بدهند. امپریالیستهای آمریکائی بهرکاری دست میزنند تا رژیم دست نشانده خود را در بالادور سرپا نگهدارند از حمله به دوا حد اعتصاب، جنگ افروزی و تحریک ایران و عراق تا تحریک و تشدید اختلافات قومی و مذهبی و تحریک و تشدید اختلافات قومی و مذهبی و تحریک و تشدید اختلافات قومی و مذهبی و

اول اردیبهشت چهارمین سالگرد شهادت سه رفیق قهرمان از بخش منشعب از س.م.خ.ا را گرامی بداریم!

رفیق شهید جمال شریف زاده شیرازی

رفیق شهید طاهره میرزا جعفر علاف (فاطمه)

رفیق شهید مهدی موسوی قمی

جلادان مزدور شاه خائن، عکس سه رفیق را پس از شهادت بدیوار شکنجه‌گاه کمیته به اصطلاح فدخرا بکاری تهران نصب کرده بودند که بخیال خودشان روحیه مبارزان اسیر را درهم بشکنند.

خلقهای ما یاد انقلابیونی را که در راه آزادی و استقلال میهن و در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از قید استثمار و ستم به شهادت رسیدند، همیشه زنده خواهند داشت!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

اول اردیبهشت ۵۵، دستهای جنایتکار ساواک بخون سه رفیق شهید ما رنگین گشت. سرمایه‌داری وابسته و رژیم سفاک و عامل آمریکای شاه، در ایران سکوت گورستان را می‌خواست برقرار کند و فرزندان برومند خلق را یکی پس از دیگری در برابر امپریالیسم آمریکا قربانی میکرد. در آنزمان، انقلابی‌نماهای بقدرت رسیده، امروز، سردرلاک خود داشتند و به توجیه فرار خود از مبارزه مشغول بودند. آنها با "تقیه" میکردند و با درخارجه خود را برای ریاست جمهوری و وزارت، پروار می‌نمودند!

اما رهروان راه زحمتکشان، وفاداران به طبقه کارگر، آنها که ننگ تسلیم را بهیچ قیمتی تحمل نمی‌توانستند کرد، عاشقانه در راه آگاهی دادن به خلق، در راه ضربه زدن به دشمن، در راه ایجاد تشکیلات انقلابی مخفی شبانه روز تلاش می‌کردند و بهیچ چیز جز آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از زنجیر امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته و دیکتاتوری و ارتجاع نمی‌اندیشیدند.

امروز هیئت حاکمه ضدانقلابی ایران از بردن نام این انقلابیون سترگ وحشت دارد. حتی مبارزات آنها را بیشرمانه انکار میکند. اما توده‌های آگاه خلق با این پیکارگران دلیر را گرامی می‌دارند و فردا بیش از این و گسترده‌تر از این آنان را فرا خواهند کرد. آری فردا زحمتکشان، بدون تردید، قدرت سیاسی را به دست می‌گیرند. فردا که خفاش‌های شبکور دوره شاه به زباله‌دان تاریخ می‌افتند، فردا که خورشید جمهوری دموکراتیک خلق تمام زوایای این میهن دا غدیده را روشن و شاداب میکند و فرزندان زحمتکشان حاصل رنج و کار خود را خود برمیدارند و در راه شکوفائی استعدادهای معجزه‌آفرین خویش به پیش میروند، آنروز خواهیم دید که نام انقلابیون کمونیست و منجمله نام رفقای شهید جمال شریف زاده، فاطمه میرزا جعفر علاف و مهدی موسوی قمی را خلقهای ما آگاهانه و آزادانه در گسترده‌ترین شکل خود بر لبان خویش تکرار خواهند کرد. ستارگان سرخ انقلاب زحمتکشان ایران، جاودانه خواهند درخشید!

زندگی مبارزاتی این رفقا آئینه درخشانی است از مبارزات انقلابی سالهای گذشته

۱. رفیق شهید جمال شریف زاده شیرازی

زمانیکه جمال دانشجوی دانشگاه صنعتی بود در فعالیتهای دانشجوئی نقشی فعال داشت. او نیز مانند بسیاری دیگر از انقلابیون، در دانشگاه این سنگر آزادی و آزادگی رندیافت و به مسائل جامعه آگاه شد. راه حلهای رفرمیستی و رویزیونیستی را برای مبارزه زحمتکشان چون سمی خطرناک یافت و با این شناخت، به جنبش انقلابی مسلحانه سالهای ۵۰ پیوست. رفیق جمال از لحاظ تئوریک، بسیار با استعداد بود و بعنوان عضو فعال بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران مسئولیتهائی در بخش سیاسی سازمان بعهده داشت. او در آموزش رفقا بسیار با احساس مسئولیت بود و با صمیمیت و پیگیری و استعداد خود در پیشرفت مبارزه انقلابی سهم قابل توجهی داشت. رفیق، چه زمانی که مسئولیت بخشی از تدارکات سازمان را به عهده گرفت و چه زمانی که کارکارگری در کارخانه در دستور بود، فعالانه به وظایف انقلابی خود عمل میکرد و در راه خدمت به زحمتکشان و پیوند با طبقه کارگر و تلاش در راه رهائی این طبقه دور از تساز، مجدانه فعالیت می‌نمود.

رفیق جمال همواره میکوشید از تجارب کارگری، در تصحیح خط مشی سازمان استفاده نماید. او در سال ۵۳ به زندگی مخفی پیوست. در اواخر سال ۵۴، با انتکاء به تجارب انقلابی خود پیوسته در رابطه با جنبش کارگری، با جریان جب روانه رهبری آنروز سازمان برخوردهای مشخصی از خود نشان داد و مقالاتی در این زمینه تهیه نمود. ولی متاسفانه شهادت تا بهنگام او در اول اردیبهشت ۵۵ به رفقای سازمان مجال ندادکه ایده‌های درست و پیشرو او استفاده نمایند.

هشیاری رفیق جمال، بارها او را از افتادن در تور تعقیب و مراقبت جنایتکاران ساواک حفظ کرد. یکبار تور هرخواهرش که راننده در بار بود رفیق را در جاده قم تعاقب دیده و میخواست او را به پلیس لو بدهد. ولی رفیق پیشدستی کرده این همکار دشمن را طی یک عمل انقلابی، اعدام نمود و ماشین در بار را معدوم کرد.

رفیق جمال شریف زاده، انقلابی صدیقی که در مبارزه با امپریالیسم و عمال دست نشانده آن در ایران، در مبارزه با بورژوازی وابسته و در راه رهائی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، عاشقانه فعالیت انقلابی میکرد، همراه با دو رفیق دیگر، در خیابان امیریه، در اول اردیبهشت ۵۵ با رگبار مسلسلهای آمریکائی ساواک به شهادت رسید.

۲. رفیق شهید مهدی موسوی قمی

رفیق در یک خانواده روحانی در زنجان متولد شد و پس از ورود به دانشگاه از فعالین جنبش دانشجوئی دانشگاه صنعتی گشت. احساس مسئولیت او در قبال زحمتکشان او را به مطالعه و آشنائی بیشتر با جنبش انقلابی سالهای ۵۰ کشاند و مانند بسیاری از جوانان صدیق و انقلابی به جنبش مسلحانه پیوست. او عضو فعال بخش منشعب از س.م.خ.ا و یک انقلابی پرشور و فعال بود و سرتا پا از خلوص و تحرک و انضباط انقلابی.

پختگی او در مسائل سیاسی و تشکیلاتی موجب شد که تعداد قابل توجهی از رفقا را او عضوگیری نماید. مسئولیت سازمانی او عمدتا در بخش سیاسی بود. او با تمام وجود دوستدار زحمتکشان بود و در راه رهائی آنان از یوغ امپریالیسم، سرمایه‌داری وابسته و ارتجاع و دیکتاتوری صمیمانه مبارزه میکرد.

شهادت او بدست جلادان ساواک همچون شهادت صدها تن از انقلابیون صمیمی آن سال‌های تاریک، نشانی از مقاومت خلقهای زحمتکش میهن ماست که در هر شرایطی از مبارزه با دشمنان طبقاتی خود دست نمی‌شویند. خاطره‌اش گرامی باد.

۳. رفیق شهید طاهره میرزا جعفر علاف

او یکی از زنان رنج کشیده میهن ما بود که در نتیجه تجارب عینی خود از انواع ستم‌هائی که در جامعه طبقاتی بر توده‌های زحمتکش و بویژه زنان روا داشته میشود، به انقلاب روی آورد. آشنائی تدریجی او با جنبش انقلابی اوائل سالهای ۵۰ موجب شد که خانه و زندگی عادی را ترک کند و در اوائل سال ۵۱ به سازمان مجاهدین خلق ایران بپیوندد.

صمیمیت، احساس مسئولیت و قاطعیت او در برخورد با وظایف سازمانی و تلاش شجاعانه او در امر برقراری ارتباطات تشکیلاتی (حمل پیام، مدارک و مهمات)، علیرغم خطراتی که تحرک، در تورهای گسترده پلیسی داشت، از او یک رفیق زبده ساخته بود.

او از کارآئی قابل توجهی برخوردار بود و بهمین لحاظ رفقای سازمان به او "همشیره اساسی" می‌گفتند.

رفیق طاهره میرزا جعفر علاف، یکی از نمونه‌های زنان انقلابی است که در راه رهائی زحمتکشان و ستمدیدگان از قید ستم طبقاتی در اشکال گوناگونش، تا پای جان در آن شرایط سخت مبارزه کرد. نام او از خاطره توده‌های بپاخاسته و بویژه زنان ستمدیده ما بیرون نخواهد رفت.

خاطره این سه رفیق شهید را که به آرمان طبقه کارگر وفادار ماندند و در راه آن بشهادت رسیدند، گرامی می‌داریم و تا نیل به پیروزی کارگران و زحمتکشان از پای نمی‌نشینیم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱

روش ...

آنجا که وظیفه این مقاله در این بخش برخورد فشرده با مسئله ارضی و چگونگی رشد سرمایه‌داری در روستا می‌باشد، ما بطور خلاصه نکاتی را در این زمینه یادآوری کرده و برخورد دقیق‌تر به این مسئله را به آینده واگذار می‌کنیم. بدین منظور چگونگی توزیع اراضی را میان بهره‌برداران کشاورزی قبل و بعد از رفرم در سال ۳۹ و ۵۳ بطور مقایسه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم (جدول ۱):

از جدول شماره ۱ سه قشر بهره‌بردار دهقانی (فقیر، میانه‌حال و مرفه) و یک قشر بهره‌برداران بزرگ (زمینداران) قابل مشاهده است. ما بهره‌برداران کمتر از ۵ هکتار را قشر دهقانان فقیر، بین ۵-۱۰ هکتار را قشر دهقانان میانه‌حال، ۱۰-۵۰ هکتار را قشر دهقانان مرفه (۱) و بالاخره بهره‌برداری بیش از ۵۰ هکتار را قشر زمینداران و بهره‌برداران بزرگ گرفته‌ایم. همانطور که از آمار ۱۳۵۳ دیده میشود قشر دهقانان فقیر (آنهائی که کوچکی زمین کفاف تامین معاش آنها را نداده و ناچار برای تامین قسمتی از معاش خود به فروش نیروی کار شان دست می‌زنند) در حالیکه ۶۴/۴ درصد بهره‌برداران را تشکیل می‌دهند فقط ۱۴/۹٪ زمین‌های کشاورزی را در تصرف خود دارند. قشر دهقانان میانه (آنهائی که زمین کفاف معاش آنها را می‌کند و آنها با کار خانوادگی و بدون استخدام کارگر کشاورزی زندگی خود را تامین میکنند) ۱۷/۳٪ تعداد بهره‌برداران را تشکیل می‌دهند و این قشر ۱۸٪ زمین‌ها را در تصرف دارد. قشر دهقانان مرفه (آنهائی که زمین شان بیش از حد مورد نیاز کار خانوادگی بوده و اغلب نیروی کار را استخدام می‌کنند) و زمین داران متوسط ارضی فقط ۱۷/۳ درصد بهره‌برداران را تشکیل می‌دهند ولی ۴۵/۷٪ مساحت زمین‌ها را در تصرف دارند. و بالاخره قشر آخر یعنی زمینداران بزرگ (که معمولا بدون کار خانوادگی و فقط با استخدام نیروی کار بطریق سرمایه‌داری کشت می‌کنند) در حالیکه فقط ۱٪ بهره‌برداران را تشکیل می‌دهند، ۲۱/۴٪ زمین‌ها را در تصرف دارند. همین ارقام در سال ۱۳۳۹ همانطور که ملاحظه می‌شود برای قشر دهقانان فقیر ۶۵/۲ درصد (تعداد)، ۱۸/۸۰٪ (مساحت)، برای قشر میانه‌حال ۱۸/۱٪ (تعداد) و ۲۱/۲٪ (مساحت)، برای دهقانان مرفه و زمینداران متوسط ارضی ۱۶/۰٪ (تعداد)، ۴۶/۳۰٪ (مساحت) و برای بهره‌برداران بزرگ ارضی ۰/۷٪ (تعداد)، ۱۳/۷٪ (مساحت) می‌باشد.

بطور خلاصه نکات اصلی اقتصاد ارضی ایران عبارت است از:

(۱)- لازم به تذکر است که همه بهره‌برداران بین ۵۰-۱۰ هکتار را لزاما دهقان مرفه نیستند، چه بسا بسیاری از اینجا و آنجا روسرمایه‌داران متوسط شهری بویژه در مناطق حاصلخیز (شمال ایران و ...)، دهات اطراف شهرهای بزرگ و غیره با خرید زمینهای کشاورزی و کشت سرمایه‌داری ارضی در آنها و یا تبدیل کردنشان به باغات در امر بهره‌برداری شرکت دارند و در گروه بهره‌برداران بین ۵۰-۱۰ هکتار قرار گرفته‌اند. دهقان مرفه به فردی گفته میشود که ریشه دهقانی داشته و در روستا ساکن است. بنابراین میتوان گفت که گروه بهره‌برداران بین ۵۰-۱۰ هکتار شامل دهقانان مرفه و زمینداران متوسط ارضی است، لیکن بعلت نبودن آمار تفکیکی بین دو قشر، نتوانسته‌ایم آنها را از هم جدا کنیم.

(۲)- آمارهای دیگری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۳، ۹۰/۶٪ مساحت زمینهای بهره‌برداران کشاورزی ملکی است، یعنی بهره‌بردار خود صاحب زمین است، در حالیکه در سال ۱۳۳۹ درست برعکس ۷۳/۸٪ بصورت رعیتی بوده و فقط ۲۶/۲٪ ملکی بوده است. بعبارت دیگر در سال ۱۳۳۹ اغلب زمینها در مالکیت فئودالها بوده است در حالیکه در سال ۱۳۵۳ پس از رفرم اولی اغلب زمین‌ها در مالکیت خرده‌مالکان دهقانی است. برای اینکه این خصلت مهم اساسی اقتصاد کشاورزی ایران روشنتر شود و با یک اقتصاد تهیه مستعمره- نیمه فئودال مقایسه شود به نقل قول زیر توجه کنید:

"بطور کلی، بیش از ۶۰٪ اراضی در دست مالکان ارضی و کمتر از ۴۰٪ در اختیار دهقانان است. در استان جیان سی و مالکیت ارضی در شهرستان سوی جوان بیش از هرجای دیگر متراکم است. تقریبا ۸۰٪ اراضی در دست مالکان ارضی است. بعد از آن شهرستان یون سین می‌آید که در آنجا مالکان ارضی تقریبا ۷۰ درصد اراضی را در تصرف دارند. در شهرستانهای ون آن، نین گان و لیان هوا دهقانان مالک کمی زیاد دارند. لیکن در اینجا نیز قسمت اعظم اراضی در دست مالکان ارضی است. بعلی تقریبا ۶۰٪ در حالیکه دهقانان بیش از ۴۰٪ اراضی را در اختیار ندارند. در جونان قریب ۷٪ زمینهای حاصلین ولین سیان در تصاحب مالکان ارضی است".

(منتخب آثار ماتوتسه دون، جلد اول، مسائل ارضی).

(۳)- در اینجا لازم است به ویژگی سالهای اخیر نسبت به دهه ۱۳۴۰ توجه کنیم. سیر تجزیه طبقاتی در دهه ۴۰ در میان دهقانان مارشد سریعتری نسبت به دهه ۵۰ داشت. لیکن در دهه ۵۰ با تشدید بحران امپریالیستی و اثرات آن بر تشدید بحران سرمایه‌داری وابسته ایران به کشاورزی ایران ضربه زد. بطوریکه نه تنها دهقانان فقیر و خرده‌پا بلکه دهقانان مرفه نیز تحت فشار قرار گرفتند.

(*) دهقانان میانه‌حال

(**)- دهقانان مرفه

سال ۱۳۳۹

گروههای بهره‌بردار		تعداد بهره‌برداری (%)	مساحت بهره‌برداری (%)
دهقانان فقیر	۱ - بهره‌برداریهای کمتر از ۰/۵ هـ.	۱۶/۷	۰/۶
	۲ - بهره‌برداریهای بین ۰/۵ - ۱هـ.	۹/۶	۱/۲
	۳ - بهره‌برداریهای بین ۱ - ۲ هـ.	۱۳/۶	۳/۳
	۴ - بهره‌برداریهای بین ۲ - ۳ هـ.	۱۱/۱	۴/۵
	۵ - بهره‌برداریهای بین ۳ - ۴ هـ.	۷/۷	۴/۴
	۶ - بهره‌برداریهای بین ۴ - ۵ هـ.	۶/۵	۴/۸
		۶۵/۲	۱۸/۸
(*)	۷ - بهره‌برداریهای بین ۵ - ۱۰هـ.	۱۸/۱	۲۱/۲
دهقانان مرفه	۸ - بهره‌برداریهای بین ۱۰-۲۰ هـ.	۱۱/۹	۲۶/۹
	۹ - بهره‌برداریهای بین ۲۰-۵۰ هـ.	۴/۱	۱۹/۴
		۱۶/۰	۴۶/۳
بهره‌برداران بزرگ	۱۰- بهره‌برداریهای بین ۵۰-۱۰۰ هـ.	۰/۵	۵/۰
	۱۱- بهره‌برداریهای بین ۱۰۰-۵۰۰ هـ.	۰/۲	۶/۰
	۱۲- بهره‌برداریهای بیشتر از ۵۰۰ هـ.	۰/۰۲	۲/۷
		۰/۷	۱۳/۷
جمع		۱۰۰	۱۰۰

سال ۱۳۵۳

گروههای بهره‌بردار		تعداد بهره‌برداری (%)	مساحت بهره‌برداری (%)
دهقانان فقیر	۱ - بهره‌برداریهای کمتر از ۱ هـ.	۲۹/۶	۱/۶
	۲ - بهره‌برداریهای بین ۱ - ۲ هـ.	۱۳/۰	۲/۷
	۳ - بهره‌برداریهای بین ۲ - ۵ هـ.	۲۱/۸	۱۰/۶
		۶۲/۴	۱۴/۹
(*)	۴ - بهره‌برداریهای بین ۵ - ۱۰ هـ.	۱۷/۳	۱۸/۰
(*)	۵ - بهره‌برداریهای بین ۱۰- ۵۰ هـ.	۱۷/۳	۴۵/۷
	۶ - بهره‌برداریهای بین ۵۰- ۱۰۰هـ.	۰/۶	۶/۵
	۷ - بهره‌برداریهای بیشتر از ۱۰۰ هـ.	۰/۴	۱۲/۹
		۱/۰	۱۹/۴
جمع		۱۰۰	۱۰۰

جدول ۱ - نحوه توزیع اراضی به تفکیک گوهها و اقشار بهره‌بردار کشاورزی - آمار گیری کشاورزی ۱۳۳۹ - ۱۳۵۳

۱ پس از رفرم ارضی سلطه فئودالیسم در روستا از بین رفته است ولی بقایای آن بصورت روابط سهمبری، رعیتی و ... باقی مانده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۳، ۷۸/۶٪ از زمین‌ها در تصرف بهره‌برداران دهقانی است در حالیکه فقط ۲۱/۲٪ در تصرف بهره‌برداران بزرگ (زمینداران و سرمایه‌داران ارضی) می‌باشد (۲). این مسئله نشان می‌دهد که اقتصاد خرده‌دهقانی در اقتصاد کشاورزی ایران غالب است و اقتصاد سرمایه‌داری بزرگ ارضی روبرشد میباشد.

۲ اقتصاد خرده‌مالکی دهقانان مرفه برای تبدیل شدن به سرمایه‌دار در شرایط استقرار نظام سرمایه‌داری وابسته با دو عامل که مانع رشد آن است روبرو است. اول بقایای فئودالیسم، دوم تسلط انحصارات امپریالیستی بر کل جامعه ایران. مثلا وقتی که قیمت محصولات کشاورزی بطور یک جانبه و انحصارگرایانه توسط دولت یا بانکهای سرمایه‌داران وابسته ثابت نگه داشته می‌شود، ولی هزینه تولید کشاورزی و هزینه زندگی بطور کلی بالا می‌رود، به رشد اقتصاد دهقان مرفه ضربه وارد می‌شود.

از بین دو عامل فوق دومی نقش مسلط و غالب را دارد و اولی نقش فرعی را. بعبارت دیگر سلطه سرمایه‌داری وابسته مانع رشد طبیعی دهقان مرفه و تولید کالائی آن می‌شود. ولی ما هنگامیکه از وجود مانع در راه رشد دهقانان مرفه صحبت می‌کنیم بهیچ وجه منظورمان عدم رشد این قشر نمی‌باشد. قبلا گفتیم که تجزیه طبقاتی در روستا پس از اصلاحات ارضی تشدید شده است و دهقانان مرفه فاصله طبقاتی قابل ملاحظه‌ای نسبت به دهقانان فقیر پیدا کرده‌اند که نمونه آنرا در متمرکز بودن اکثریت زمینهای کشاورزی یعنی ۴۵/۷٪ زمین‌ها در دست دهقانان مرفه و زمینداران متوسط ارضی دیدیم. این روند همچنان رو به رشد دارد (۳).

۳ - وجود زمینداری بزرگ ارضی نشان می‌دهد که تضاد اصلی در عرصه روستاهای ایران تضاد بین دهقانان و کارگران کشاورزی از یکسو و زمینداری و سرمایه‌داری بزرگ ارضی است. از آنجا که این زمینداری و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است مبارزه انقلابی دهقانان مبارزه‌ای است ضد امپریالیستی - ضد سرمایه‌داری وابسته.

۴ - وجود اقتصاد خرده‌مالکی وسیع در ایران نشانگر این است که در کشور ما شهرها که مرکز زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان شهری است، محور و عرصه اصلی مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی می‌باشد. دهقانان متحد طبقه کارگر بوده و اتحاد کارگران و دهقانان استخوانبندی جبهه متشکل نیروهای انقلابی خواهد بود. ادامه دارد ...

مولوی‌ها و تمدید سرسپردگی، به رژیم جدید

اخیرا رژیم جمهوری اسلامی برای "مولویها" (روحانیون سنی مذهب در بلوچستان) مقرری ماهیانه تعیین کرده که این عمل گذشته از افزایش جمعیت حوزه‌های باصطلاح "علمیه" موجب شده که هر روز از گوشه و کنار منطقه یک جامعه روحانیت سبز شود و از منافع "رژیم جمهوری اسلامی" دفاع نماید!

طبق اخبار موثق و براساس لیست اداره اوقاف برای ۱۰۰۰ نفر ماهیانه مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰ تومان مستمری (بهر مولوی ماهیانه ۳۰۰۰ تومان) پرداخت می‌گردد.

در شرایطی که زحمتکشان شهر و ده که خود تامین کننده این بودجه‌ها هستند در وضعیت بسیار دشواری زندگی میکنند، آنگاه دسترنج آنها بدینطریق صرف مفتخوارانی میشود که خود عامل حکومت ارتجاعی و سدی در مقابل رشد آگاهی آنان می‌گردند. جالب توجه است که اکثر مولویهائی که در گذشته در خدمت "ساواک" بودند و مبلغ ناچیزی دریافت می‌کردند، اینک مستمری قابل توجهی از هیئت حاکمه دریافت نموده و تجدید عهد کرده‌اند که همچون گذشته در خدمت پیشبرد اهداف سرمایه‌داران وابسته قرار گیرند.

(نقل ناگفته تغییر از نشریه بلوچ شماره ۱۹ "ارگان اتحاد زحمتکشان بلوچستان")

حمله عوامل ارتجاع به کتابفروشیهای کرمان

روز دوشنبه ۵۹/۱/۱۸ عوامل ارتجاع وابسته به جامعه اسلامی دانشگاه کرمان به همراه پاسدارانی که لباس شخصی بتن کرده بودند با یک برنامه سازمان یافته بطرز وحشیانه‌ای به کتابفروشی‌های کتاب‌فروشان حمله کردند. این عده پس از پاره کردن نشریات و کتب نیروهای انقلابی و مبارز چند تن از افرادی را که مشغول فروش این نشریات بودند بشدت مضروب نمودند، بطوریکه عده‌ای از آنها به بیمارستان منتقل شدند. نکته قابل توجه در جریان این یورش، حمایت مردم مبارز کرمان از نیروهای انقلابی و نفرتشان از عناصر مرتجعی است که کورکورانه تصور می‌کنند که با پاره کردن نشریات انقلابی و آتش زدن کتابفروشی‌ها میتوان جلو رشد آگاهی را گرفت! آنها با بازگذاشتن درخانه‌هاشان بیاری نیروهای انقلابی شتافتند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

اخباری ازکردستان قهرمان

یکشنبه ۵۹/۱/۳۱

با ردیگرکردستان قهرمان یکپارچه در مقابل توطئه‌های ارتش ضدخلقی بپا خاسته است. ارتش که به بهانه استقرار در مرزها می خواهد سرنامه رژیم را در "سال امنیت" به اجرا درآورد، کردستان را بخاک وخون کشد، در اولین رجزخوانی خود یکبار دیگر طعم تلخ شکست را می چشد و آقای بنی صدر در امتحان قاطعیت خود ناکام می ماند. آری آنگاه که خلق یکپارچه از دستاوردهای خود دفاع نماید هیچ قدرتی را یارای شکست آنان نتواند بود.

* * *

در زیر اخبار شهرهای مختلف کردستان را در روز یکشنبه ۵۹/۱/۳۱ ملاحظه می کنید:

اخبار سنندج

۱- مردم دلیر سنندج یکپارچه در مقابل توطئه‌های ارتش ضدخلقی مقاومت میکنند. تمام شهر را مردم و پیشمرگه‌ها یاری کاده‌اند. روحیه مردم بسیار عالیست و آمادگی کامل برای مقابله با هرحمله و تهاجمی دارند.

۲- هلیکوپترها و فانتوم‌های ارتشی در بالای شهر پرواز می کنند و اعلامیه پخش مینمایند.

۳- حدود ساعت ۲ بعد از ظهر ۳ تانک جلو پادگان آمده بودند که در نتیجه مقابله مردم مجبور به بازگشت به پادگان شدند.

۴- ساعت ۲/۴۵ بعد از ظهر در خیابان سیروس ۳ تا ۴ تانکر سوخت ارتشی توسط مردم مسلح و پیشمرگه‌ها محاصره شده است.

۵- ساعت ۳/۲۵ دقیقه یک آمبولانس و یک تیربار ۱۰ قبضه اسلحه محاصره و علاوه بر آن ۴۰ تا ۵۰ سرباز دستگیر شده‌اند که پیشمرگه‌ها بآنان کارتوضیحی می نمایند.

۶- یک ستون ارتشی که از فرودگاه سنندج برای تهاجم به شهر حرکت کرده بود توسط پیش‌مرگه‌های بیکار و کومه‌له متوقف شد و ستون ارتشی مرکب از حمدین کامیون نظامی خود را تسلیم پیشمرگه‌های قهرمان نمود!

اخبار سقز

۱- زاندارمری شهر سقز سقوط کرد.

۲- پادگان ارتش، شهر زبر رگبار توپ گرفته و پخش از شهر را ویران کرده است. اما پادگان در معرض حمله چندجانبه پیشمرگان قرار گرفته و بزودی سقوط خواهد کرد.

۳- ساختمان هائی که در شهر در دست ارتش بود به اشغال مردم درآمده و ارتشیان به پادگان قرار گردند.

۴- پل سقز در دست ارتش است. اما نظامیان از سه طرف در محاصره پیشمرگه‌ها قرار دارند.

مریوان

عده‌ای از بسیج انقلابی ارتش از پادگان مریوان به مردم پیوسته‌اند. فرماندهی پادگان مریوان اعلام کرده است که اگر تا ساعت ۵ این عده خود را به پادگان معرفی نکنند، ارتش به شهر حمله خواهد کرد.

اشنویه

در درگیری پیشمرگان و ارتش در فاصله اشنویه - نقده دو تانک منهدم و احتمالا دو پیش - مرگه به شهادت رسیده‌اند.

بوکان

تمام شهر و نیز جاده بوکان در دست مردم و پیشمرگه‌ها است.

در روز دوشنبه ۵۹/۱/۲۵
چماقداران، دفترهواداران سازمان درتهران را زیر و رو کردند

تصویر آنچه را که پس از حمله اوباش عوامل ارتجاع به دفتر هواداران سازمان در دانشگاه تهران (۵۹/۱/۲۵) برجا مانده است، نشان می دهد. این حمله وحشیانه قبل از شروع راهپیمائی ضدامپریالیستی که از قبل اعلام شده بود، نشان دهنده یک تهاجم برنامه ریزی شده است. تهاجمی که بار اول نیست که اتفاق می افتد و با آخر نیز نخواهد بود.

ارتجاع نمی تواند نیروهای انقلابی را تحمل کند و زبونانه و خشمگین، با زهم افسار خواهد گسیخت و خلقها، زحمتکشان و نیروهای انقلابی را زیر ضربات خود خواهد گرفت. اما از آن سو، این جنبش انقلابی خلقهای ماست که در مقابل حملات ارتجاع مذبوحانه بسته است. بدی که روز بروز استوار و استوارتر می‌شود. پیروزی از آن خلقهاست.

ارتجاع جز این نمی خواهد و نمی تواند!

دفترهواداران سازمان درمیاندوآب باتش کشیده شد

روز یکشنبه ۵۹/۱/۲۴ بدنبال یک راه‌پیمائی ضدامپریالیستی که از طرف جریکهای فدائی در میاندوآب برگزار شد، عده‌ای از روستائیان "بکتاش" که توسط پاسداران و کمیته‌چی ها با همه وحماق مسلح شده بودند، به شهر آمده و به دفتر هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر یورش میبرند و آنجا را به آتش می کشند. بهمین فریب خورده که مستقیما توسط پاسداران رهبری می شدند، سپس کتابفروشی موج را آتش زدند. این کتابفروشی یکی از دیگر نیز در قبل بوسیله مرتجعین محل آتش زده شده بود. بعد از این اقدامات وحشیانه، بهمین به صف نظامیان کننده‌گان حمله برده و عده‌ای را مصدوم و مضروب نمودند. پاسداران و کمیته‌چی ها نیز با شلیک مداوم خود تشنج شدیدی در سطح شهر ایجاد کرده بودند. چماقداران در تعقیب نظامیان کننده‌گان حتی به خانه‌های مردم نیز یورش می بردند. در عوض حمایت مردم از نظامیان کننده‌گان و پناه دادن آنها بار دیگر نفرت مردم را از پاسداران و اعمال وحشیانه شان نشان داد.

تقی شهرام هنوز ممنوع الملاقات است

● ساواکی‌ها دسته دسته آزاد میشوند، جاسوسان آمریکائی حق ملاقات با کسانشان و آمریکائیان را دارند، شیخ الاسلام زاده‌ها در بهترین شرایط زندگی میکنند، اما کسی که در دوران سیاه دیکتاتوری شاه مبارزه کرده است ۷ ماه تمام حق ملاقات با خانواده ندا شته است!

نزدیک به ده ماه است که از دستگیری محمد تقی شهرام می گذرد. او در طی این مدت در زندان رژیم جمهوری اسلامی از ابتدائی ترین حقوق یک زندانی محروم بوده است. حتی وکیل او هنوز نتوانسته موکل خود را ملاقات کند. محمدتقی شهرام از انقلابی سالهای خفقان و دیکتاتوری، بیا یشت سرگذاشتن بیش از ده سال فعالیت انقلابی بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن اکنون در زندان رژیمی است که بدروغ سنگ انسانیت و معنویت به سینه می زند ولیکن در پوشش الفاظ مردم - فریبی چون "عدل الهی" و غیره ظالمانه ترین شیوه‌ها را در پیش گرفته است. حتی در زمان شاه که رفتار وحشیانه اش با زندانیان سیاسی خشم و نفرت جهانیان را برانگیخته بود، حداقل ظواهر را مرعایت میکرد و ندرت میتوان سراغ داشت که مبارزا سیری بیش از ۷ ماه بدون ملاقات نگهداشته شود. با ابتحال رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم قوانینی که خود وضع کرده، ابتدائی ترین حقوق زندانی را لگدمال می کند. ماده ۳۲ آئین نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب، حق ملاقات زندانی را حتی برای کسی که جرم شناخته شده و به اشد مجازات نیز محکوم گردیده است، برسمیت می‌شناسد، لکن هیئت حاکمه ضدخلقی را بارعایت قانون چه کار؟

در طول این ده ماه، علیرغم مراجعه‌های مکرر وکیل و خانواده شهرام، مقامات زندان اسلامی مانع از ملاقات شده‌اند. شهرام اکنون درسخت ترین شرایط در زندان است بدون آنکه از حقوق ابتدائی یک زندانی برخوردار بوده باشد.

در مورد تقی شهرام که در تاریخ ۵۸/۴/۱۲ به اسارت درآمده است، موضع ما کاملا روشن است. ما در اطلاعیه مهرماه ۵۷ تحت عنوان "تغییر و تحولات دروسی سازمان مجاهدین خلق ایران" و آخرین بار در اعلامیه "درباره دستگیری تقی شهرام" مورخ ۵۸/۴/۱۵ توضیحات کافی داده‌ایم. ما بر مبنای تحلیلی که از حرکت وی در جریان تغییر و تحولات درونی داشتیم، او را از بخش منشعب از (س.م.خ.ا) اخراج کردیم، که این بالاترین مجازات سازمانی در مورد او بوده است. همانطور که قبلا هم گفته‌ایم، انحراف او از مواضع اصولی در بستر مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم یعنی در اردوی انقلاب بوده و تحلیل و تصمیم‌گیری ما نیز در مورد او درست از همین زاویه می‌توانست باشد. از این روست که ما از تقی شهرام در مقابل خائنین و جنایتکارانی که انقلابیون را در گونه و کیفر کشور ترور میکنند اجتماع بیکاران را به گلوله می بندند، قارتها و قهرمانان ها می آفریدند، دفاع می‌کنیم. و بر این مبنا دستگیری شهرام را از جانب رژیمی که دستش بخون خلقهای ایران آغشته است و هر روز در یک گوشه از کشورمان، همچون راهزنان، انقلابیون را شکار می‌کند و روشهای فاشیستی را که در مورد او طی این مدت اعمال شده، شدیداً محکوم می کنیم و آنرا حلقه‌ای از زنجیر سیاستهای ضدخلقی رژیم می دانیم که هم اکنون در بسیاری از زمینه‌های دیگر به اجرا درمی آید.

آری تقی شهرام که در سالهای سیاه دیکتاتوری کینه انقلابی خود را به امپریالیسم آمریکا و آشتی ناپذیری خود را با رژیم شاه در عمل نشان داده است نمی تواند توسط کسانی که علیه مردم ما دست به اسلحه می برند محاکمه گردد.

اما دستگیری تقی شهرام بعد توطئه‌آمیز دیگری نیز دارد. حزب جمهوری اسلامی که معرکه‌گردان اصلی این توطئه است، سعی بر آن دارد که با توسل جستن به مسئله درونی سازمان مجاهدین در سالهای گذشته، که بهیچ روا رتباطی به این خیانت پیشگان و لب‌دوختگان سالهای خفقان ندارد، وسیله‌ای برای کوبیدن سازمان مجاهدین و حمله به کمونیستها بخصوص سازمان پیکار بدست آورد. باندسیاه حزب جمهوری اسلامی که هم اکنون با بسیج چماقداران و چاقوکشان حرفه‌ای در سراسر کشور مجاهدین را آماج حملات خود قرار داده است، مزورانه می کوشد با شعره‌های واهی تقی شهرام را به محاکمه بکشد.

نزدیک به ده ماه است که شهرام بدون حتی یک ملاقات با ده با خانواده‌اش در زندان جمهوری اسلامی است. رژیم اگر واکی‌ها را دسته دسته آزاد می کند، اگر دژخیمان آریامهری زاپاقانون منع تعقیب در پناه خود می گیرد، اگر شیخ الاسلام زاده‌ها را بصرف شیخ الاسلام زاده بودنشان از مرگ می رهاند، اگر جاسوسان آمریکائی را در چنان شرایط مطلوب "زندانی" می کند و را دیو تلویزیون را هر از چندگاه در اختیار این آدمکشان می‌گذارد، در عوض وحشیانه ترین رفتار را با انقلابیون دارد، سعادتی ها را شکنجه و آزار می دهد، بزندانیان ها را می زند و بدو شهرام‌ها را ممنوع الملاقات کرده و به سیاه چالها می‌افکند.

سردمداران جمهوری اسلامی که در سال‌های خفقان و دیکتاتوری، از ترس جان و مال خود چون موش در سوراخهاشان خزیده بودند، اکنون که عمدتاً بدلیل ناآگاهی و توهم توده‌ها از یکطرف و فقدان سنتا در رزمنده طبقه کارگر از طرف دیگر، قدرت سیاسی را بدست بی کفایت خود گرفته‌اند، پوست شیر بر تن کرده و به انقلابیون جنگ و دندان نشان می‌دهند. انقلابیونی را که از همان سالها، جان بر کف در راه خلق و آرمان خود لحظه‌ای نیاسوده‌اند، ترور می کنند، به زندانها می افکنند و با ندادن حق ملاقات به زندانی، و اعمال شکنجه و آزار، ابتدائی ترین حقوق انسانی را پایمال می سازند.

در چنین شرایطی وظیفه همه سروهای انقلابی و مجامع حقوقی است که با تشدید فعالیتهای آگاه‌گرانه خود، رژیم حاکم را وادار به رعایت حداقل حقوق انسانی نمایند. بدیهی است که هرگونه کوتاهی از این وظیفه انقلابی، کمکی است به هیئت حاکمه تا همچنان به اعمال بی رویه و ضدانسانی خود، عمق و وسعت بخشد.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org